

سیری در مطبوعات ایران



PRESS IN IRAN

An Analysis

by

A. M. BARZIN

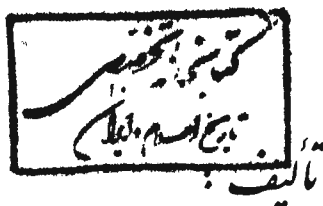
PRINTED IN TEHRAN,

1966

بها هشتاد ريال
ردیف در کتابخانه
بر اساس سیستم
دیوئی بشماره
۰۵۹/۵

ضمیمه روزنامه آژنگه

سیری در مطبوعات ایران



مسعود برزین

نخستین دبیر

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

کلیه حقوق متعلق بمؤلف است

چاپخانه راستی

نظام مطبوعات

- ۱- هر نشریه که برای عامه مردم منتشر میگردد متعلق بهامه مردم است . نویسنده مطبوعات باید بداند که اگرکاری جز خدمت بهامه مردم انجام دهد در امانت خیانت کرده است.
- ۲- هیچکس نباید بعنوان روزنامه نگار مرتکب عملی گردد که بعنوان يك شخص شرافتمند از دست زدن بدان پرهیز دارد.
- ۳- اساس روزنامه نگاری باید بر بیطرفی ، عشق بحقیقت ، دقت و اطلاع استوار باشد .
- ۴- در انتشار مطالب نفع مردم و كمك ب روشن شدن حقیقت اساس کار است نه خوشایند اشخاص و مفاع خصوصی. اما در عین حال روزنامه نگار باید بقول خود در محفوظ نگهداشتن امضاء یا عدم انتشار مطالب وفادار بماند.
- ۵- روزنامه نگار هنگام نوشتن مطالب خود باید بداند که زیان انتشار آن مطالب ممکن است برای يك مقام رسمی یا فرد عادی جبران ناپذیر باشد ، مگر آنکه مصالح عمومی و ملی اقتضا کند .
- ۶- انتشار مطالب غیر مستدل در شان نویسنده مطبوعات نیست و اگر مرتکب اشتباهی میشود باید صریحاً بدان اعتراف کند و در پی جبران برآید .
- ۷- در نقل مطالب از نشریه های دیگر ذکر مأخذ یا کسب اجازه ضروری است . روزنامه نگار نباید مطالب را بشکل تحریف شده اقتباس کند و یا مصاحبه ای را بدون اجازه صاحب آن انتشار دهد .
- ۸- روزنامه نگار مانند هر صاحب حرفه حق دارد از شغل خود انتظار سود و بهره مادی و معنوی داشته باشد ، ولی نه بهای دروغ و پوشاندن حقایق و دوری از عفت قلم و لطمه زدن بمصالح عمومی و ملی .

سر آغاز

نزدیک يك قرن ونیم از زمانی میگذرد كه نخستین روزنامه بزبان فارسی انتشار یافت . ولی تعداد كتبی كه درباره مطبوعات فارسی ، تا بحال بچاپ رسیده ، بزحمت بتعداد انگشتان يك دست میرسد : ودراینها نیز فقط بذكر نام نشریه ، اسم مدیر ، محل انتشار ، وامثال آن قناعت شده است . نگارنده ، كه يك سابقه ۲۴ ساله مطبوعاتی را پشت سر گذارده است ، چندی قبل باین فكر افتاد كه سعی كند ، آئینه ای از وضع کلی مطبوعات موجود ایران ، تهیه نماید ، تا بتوان در آن ، علاوه از مختصاتی كه در كتب فوق آمده ، مسائل و مطالب دیگر را نیز تجزیه و تحلیل شده ، تماشا كرد .

كشور ما ، چند سالیست كه مراحل اولیه يك سلسله تنبیرات قابل مطالعه را میگذرانند . تردیدی نیست كه بسبب این تحولات کلی و اساسی ، اگرچه آرام ، اجتماع ما گونه ای دیگر خواهد گرفت . و چون مطبوعات خواهی نخواهی ، باید خود را برای فردای دگرگونی یافته آماده سازند ، تا قبول عام یابند ، لذا ناچار از خودپردازی و برطرف ساختن نكات ضعف هستند . آئینه «سیری در مطبوعات ایران» سعی میکند این نوع نکته ها را روشن كند ودلائل شروع آمادگی را بنماید .

نگارنده با تدوین این كتاب ، در عین حال كوشش كرده سطح سنجشی بوجود آورد تا بتواند طرف استفاده مورخان وعلاقه مندان بمطبوعات قرارگیرد . بدین منظور سال ۱۳۴۳ شمسی را بعنوان مبنای تحقیق انتخاب كرد . برای دقیقتر بودن این مبنا ، ماه مهر را در جمع ماه های سال برگزید ، واز این ماه نیز هفته چهارم را شاخص زمان قرار داد . این

هفته ، از نظر مطبوعاتی ، دارای هیچگونه تفاوت و وجه امتیازی با سایر هفته‌های سال نیست ، باستثنای پنجاه و دومین هفته ، که روزنامه‌ها و مجلات ، بسبب فرا رسیدن نوروز ، شماره‌های مخصوص و کاملاً متفاوت با سایر مواقع انتشار می‌دهند .

در این کتاب سعی شده است به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده شود: مطبوعات ما چه صورت و چه شکلی دارند ؟ گروه بندی زمانی آنها چیست ؟ چطور اداره میشوند ؟ چگونه تهیه میشوند ؟ چه نوع مطالب ، و بچه سبب و نسبت در آنها بچاپ میرسد ؟ طبیعت آنها چیست ؟ چه تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند ؟ چگونه توزیع میشوند ؟ و نویسندگان آنها چه کسانی هستند ؟ در پایان يك ضمیمه بمتن اصلی افزوده شده که آخرین لایحه مطبوعات است . اگر گفته شود که امروز ، مطبوعات ما سالهای بحرانی خود را می‌گذرانند ، راه خطا پیموده نشده است . زیرا از طرفی ، در مقام برابری با مطبوعات دنیای غرب ، يك سابقه از هم گسیخته را ، پشت سر گذارده ، و از طرف دیگر هنوز نه در سطحی هستند که با مطبوعات هدایت کننده و پیشرو ، قابل مقایسه کلی باشند ، نه مردم از آنها راضی ، و نه مدیران و نویسندگان با آنچه انتشار می‌دهند قانع هستند .

عوامل مختلفی در گذشته نزدیک چون قوانین سخت ، کم بودن تعداد باسواد: سالهای نابسامان ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ، ضعف بنیه مالی دستگاه‌های مطبوعاتی يك نفره بودن روزنامه و همچنین فقدان وسائل کافی و جدید چاپ ، در عقب ماندن مطبوعات ما ، بطور کلی ، اثر گذارده اند . نحوه تفکر مقامات نیز باین عوامل افزودنی است . بعبارت ساده تر ، مسائلی چون زاویه دید مقامات بروزنامه ، و عقیده آنها درباره نحوه انتشار و نوع مطالب در جهت سیاست کابینه‌ها ، اثری روشنتر و زیادتر از سایر عوامل بر مطبوعات ما داشته است .

تحول فکری مردم بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ بر اثر آشنائی وسیع با دنیای غرب و مطالعه مطبوعات خارجی ، بمراتب از پیشرفت محتوی مطبوعات ما بیشتر است . همینجاست که به نقطه اساسی ضعف مطبوعات خود پی می‌بریم . این عقب ماندگی ، و این عدم توانائی در راضی کردن خواننده ، معلول دو سبب کلیست : (الف) توجه دولت بمطبوعات در يك جهت خاص (ب)

عدم توجه صاحبان مطبوعات به هیئتهای تحریری خود ، از نظر پرورش آنها در امور صنفی .

کابینه‌ها اینکه از شهریور ۱۳۲۰ بپس روی کار آمدند عملاً نشان دادند که عقیده داشته‌اند ، هر قدر نفوذ و قدرت دولت بر مطبوعات بیشتر باشد ، بهتر میتوان نیات خود را بکرسی قبول نشانند . این نفوذ و قدرت ، گاه بصورت زجر و حبس مدیر و نویسنده خود نمائی کرده ، و گاه بلباس تطمیع برای اولی پیش آمده است . سالهای بحرانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شاهد چشم تیز این حقایق است . در واقع ، روزیکه تاریخ مطبوعات دوران ما برشته تحریر کشیده شود ، مسلماً بدوازده سال مزبور نمیتوان فصلی خاص اختصاص نداد . اکثر کابینه‌های این دوران ، با اینکه از لزوم آزادی مطبوعات و محترم شمردن روزنامه نویسنده راندند ، ولی درواقع معتقد بودند که ، مطبوعات باید بطور کلی و در بست تابع سیاست داخلی و خارجی کابینه‌ها باشند ، و هیچکس را حق انتقاد و خرده گیری از مشی دولتی نیست . بهمین سبب در دوران زمامداری هیچیک از آنها نیست که چند ، و چه بسا چندین ، روزنامه توقیف ، و یا چند مدیر و نویسنده متحمل خسارات مالی و جانی نشده باشند .

در آن دوران چندین قانون و آئیننامه وضع شد ، و آخرین لایحه مطبوعات پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تصویب گردید که با آنکه برای آن روز ، با در نظر گرفتن مقتضیات ، رضایتبخش مینمود ، ولی با تنبیراتی که طی سالهای اخیر در شئون مختلف سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مملکت بوجود آمده است ، دیگر نمیتواند جوابگوی نیازهای اجتماعی دوران کنونی باشد . قدر مسلم آنکه بعضی از مواد آن باید متناسب تحول ، و گذشت زمان ، تغییر یابد .

و اما در باره قسمت دوم ، یعنی عدم توجه صاحبان مطبوعات به هیأتهای تحریری لازم به یادآوری است که : يك صاحب امتیاز برای تهیه ساختمان روزنامه یا مجله خود ، برای بکار انداختن ماشین آلات جدید چاپ ، و برای فقط خود بهتر زیستن ، بمراتب بیشتر توجه نشان میدهد ، تا مثلاً برای دستمزد ماهانه نویسندگان و یا اعزام زبده اعضاء هیأت تحریری بخارج ، جهت تحصیل روزنامه نگاری . از طرفی ، زاویه دید او در دنیای مطبوعاتی اش

همه جانبی نیست ، بلکه بیک یا چند جهت خاص متمایست که تجهیز نیروی انسانی ، بمنظور تربیت کادر دقیق و عمیق روزنامه نگار را ، در جمع آنها نمیتوان یافت . از طرف دیگر ، او به نشریه خود ، بعنوان يك واحد كاملاً مستقل ، تابع تمایلات و آرزوهای خویش ، نظر میکند ، نه بعنوان جزئی از مطبوعات کشور بمعنی اعم . این عدم همبستگی صنفی بین مدیران امریست که میتوان آنرا از جمله موانع پیشرفت مطبوعات بشمار آورد .

با تمام این تفاسیل ، و علیرغم تیراژ محدود و بسیار کم ، مطبوعات ما امروز در وضعی هستند که در برخی مسائل اجتماعی و اقتصادی افکار عمومی ایجاد کنند : به مرحله ای رسیده اند که اگر بخواهند میتوانند قدرت باشند : بمبارت دیگر بسطی رسیده اند که بگرفتن لقب رکن چهارم مشروطیت نسبتاً نزدیکند . ولی هنوز خیلی کوشش لازمست . و تلاش برای این امرست که سبب میگردد بحرانیتزین دوران را سپری سازند ، تا مقام واقعی خود را ، در يك حکومت مشروطه پارلمانی ، احراز کنند .

در این کتاب اسامی مطبوعات و اشخاص بدون تقدم و تأخر براساس حروف تهجی آمده ، و از اینکه از ذکر کلمه آقا ، بانو ، و یا هر عنوانی خودداری شده است ، قبلاً پوزش میطلبم .

لازم بیادآور است که ، آنچه در این کتاب از نظر شما میگذرد ، نخست بصورت چهل و چهار مقاله از ۲۷ بهمن ۱۳۴۳ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۴ شمسی ، در روزنامه یومیه صبح ، آژنگ ، چاپ تهران انتشار یافت ، و اکنون پس از تجدید نظر و گروه بندی مطالب ، در اختیار شما قرار میگیرد .

قسمتهایی از آنچه در روزنامه آژنگ بچاپ میرسید ، بطور نامنظم ، در بولتن اکوآف ایران ، در تهران ، بزبان انگلیسی ، منعکس میگردد .

در اینجا شایسته است تشکر کنم از ۴۹ نفر مدیران و نویسندگان مطبوعات و مطلعين امور مطبوعاتی که برای قسمتهای مختلف این کتاب با ایشان مصاحبه کردم . آنها با حوصله سئوالاتم را پاسخ دادند و اطلاعات خود را در اختیارم گذاردند .

همچنین سپاسگزارم از بسیاری دوستان و آشنایانی که جدول های آماری ام را پر کرده و عودت دادند . برای تهیه ارقام و آمارهایی که در این

- کتاب مطالعه میکنید ، قریب به پانصد نسخه جدول آماری تهیه شد ، و از افراد مختلف درسین و گروه‌های مختلف اجتماع ، تقاضا کردم آنها را پر کنند. درواقع مصاحبه‌های خصوصی، جدولهای آماری، ودوره روزنامه‌ها و مجلات، وسائل کاروتجزیه وتحلیلی بشمارند که این کتاب را بوجود آورده‌اند. در تنظیم وترسیم آمارها وجداول، دوستان جدیدم، محمدعلی جزایری وناصر خلیج ، یاری‌ام کردند که بدینوسیله تشکر میکنم.
- در آخر ، ولی نه کمتر، سپاسگزارم ازهمسرمهربانم مهین ، که طرح روی جلد را برایم تهیه کرد ، و حوصله بخرج دادتا قسمتی از وقتم را، که مخصوص خانه و خانواده بود ، بتدوین این کتاب اختصاص بدهم.

مسعود برزین

بهمن ماه ۱۳۴۴ ، تهران

نمودار و عكس

- ۱ - نمودار مطبوعات ایران بتفكيك تهران وشهرستانها صفحه ۳
- ۲ - نمودار تعداد تیراژ نشریات بتفكيك « ۱۰
- ۳ - صفحه اول روزنامه مهر ایران « ۱۵
- ۴ - نمودار مندرجات يك روزنامه صبح « ۱۸
- ۵ - صفحه اول روزنامه كيهان اينترنشنال « ۲۳
- ۶ - صفحه اول روزنامه اطلاعات « ۲۹
- ۷ - صفحه اول روزنامه كيهان « ۳۱
- ۸ - نمودار مندرجات يك روزنامه عصر « ۳۳
- ۹ - نمودار انتشارمطبوعات تهران بتفكيك روز مقابل « ۴۲
- ۱۰ - صفحه اول هفته نامه بامشاد « ۴۸
- ۱۱ - نمودار مندرجات يك مجله هفتگی « ۵۳
- ۱۲ - صفحه اول هفته نامه توفيق « ۸۱
- ۱۳ - صفحه اول هفته نامه مذهبی ندای حق « ۹۱
- ۱۴ - صفحه اول روزنامه هوایی اطلاعات « ۹۷
- ۱۵ - صفحه اول روزنامه پارس « ۱۱۳
- ۱۶ - ميز روزنامه فروش دريك نقطه پرفروش « ۱۱۸
- ۱۷ - توزيع روزنامه در تهران « ۱۲۱

فهرست مندرجات

۱ - کلیات

صفحات ۱ تا ۱۱

تقسیم بندی مطبوعات از نظر زمان و موضوع - اسامی -
نمودار مطبوعات - قطع و رنگ و تعداد صفحه - عکس و آگهی
در مطبوعات و نسبت آنها بیکدیگر - رپورتاژ - تیراژ مطبوعات
در ایران .

۲ - روزنامه‌های صبح تهران

صفحات ۱۲ تا ۲۶

روزنامه‌های صبح تهران - جنبه خبری این نوع روزنامه‌ها
توجه بمسائل اجتماعی - طبیعت سرمقاله‌ها - پشتیبانی دولتها
از روزنامه‌های صبح تاچه حد است - هیات تحریری - روزهای
انتشار - دستگاه‌های گیرنده خبر - ساعات کار - تقسیم بندی
از حیث موضوع - روزنامه‌های حزبی - مطالعه جنبه‌های مختلف
دو روزنامه صبح بعنوان مثال - روزنامه‌های غیر فارسی و
مقایسه آنها بایکدیگر - نشریات بدو زبان ارمنی و آشوری.

۳ - روزنامه‌های یومیه عصر

صفحات ۲۷ تا ۴۲

روزنامه‌های عصر - مطبوعات خبری - طبیعت آنها -
رقابت سابق اطلاعات با کیهان - روزنامه‌های بزرگ - نحوه

تهیه مطالب داخلی - جای هر خبر و مطلب کجاست؟ - تفاوت صفحات داخلی با هشت صفحه اول و آخر - نسبت درصد مطالب در روزنامه‌های عصر - مطالب خارجی در روزنامه‌های عصر - نشریات خارجی مورد استفاده - زبان و منطقه - چرا در ایران روزنامه فقط یکمرتبه در روز منتشر میشود؟ - شماره فوق العاده - صفحات شهرستان - روزنامه‌های عصر چه روزهایی منتشر میشوند - تعطیلات - نظری بر روزنامه پست تهران و نوسانات آن - مختصات روزنامه پیغام امروز .

۴ - هفته نامه‌ها صفحات ۴۳ تا ۴۹

تقسیم بندی هفته نامه‌ها - احتیاج دولتها و افزایش روزنامه هفتگی - گروه بندی - شنیدنیها و آیا میدانید - صفحه بندی روزنامه‌های هفتگی - خواننده و فروش - مطالعه جنبه‌های مختلف دو روزنامه هفتگی از گروه اول - تنوع مطلب در گروه دوم - چه مسائلی در این نوع مطبوعات مورد بحث قرار میگیرد - شعر و شعرای جوان - خوانندگان این نوع مطبوعات چه کسانی هستند - مطالعه جنبه‌های مختلف یک روزنامه هفتگی از گروه دوم .

۵ - مجلات هفتگی صفحات ۵۰ تا ۶۳

جای مجلات هفتگی در اجتماع - رضایت و عدم رضایت - تیراژ کلی کم شده است؟ - گروه بندی مجلات - قطع و صفحه وروی جلد - محتوی مجلات - جای هر مطلب - میزان عکس - منابع ترجمه - طنز نویسی - تفسیرهای سیاسی - داستان کوتاه - خوانندگان ناول - تم اصلی داستانها - نویسندگان ناولها - مطالعه جنبه‌های مختلف دو مجله هفتگی بعنوان نمونه - مجله

سپید و سیاه بعنوان يك نمونه - نسبت مندرجات این مجله با یکدیگر - موضوع آگهی دولتی - نسبت عکس ها - نسبت داستانهای ایرانی و خارجی با یکدیگر - هنرپیشه های سینما و درصد مطالب مربوط بآنها - مجله روشنفکر بعنوان نمونه دیگر - نسبت مندرجات - موضوع بیوگرافی شخصیت های ایرانی مجله خواندنیها و مختصات آن .

۶ - مجلات ماهانه

صفحات ۶۴ تا ۷۸

تعداد مجلات ماهانه و گروه بندی آنها از نظر موضوع - قطع ، تعداد ، صفحه و عکس - تیراژ - مجلات نامرتب - مسئله حیثیت - ایرانی و مجله ادبی - ضریب خواننده - مجلات ماهانه - محتوی يك مجله ادبی و تجزیه و تحلیل آن - مطالعه جنبه های مختلف يك مجله نامنظم ماهانه - آگهی و عکس - ماهنامه های علمی - مقایسه دو مجله علمی با یکدیگر - مجلات ماهانه و بهداشتی و علل انتشار آنها - دو نمونه .

۷ - مطبوعات از نظر موضوع

صفحات ۷۹ تا ۱۰۸

گروه بندی نشریات از نظر موضوع - نشریات فکاهی - آنها که گمنام میبهرند - تجزیه و تحلیل يك هفته نامه فکاهی - نشریات اقتصادی - قدیمی ترین نشریه اقتصادی - چرا تعداد نشریات اقتصادی روزافزون است - اثر این مطبوعات بر اقتصاد و نفوذ آنها در ادارات و بازار - زبان و اشکال - مطالعه جنبه های مختلف يك روزنامه و يك مجله اقتصادی ، بعنوان نمونه - نشریات مذهبی - مطبوعات ورزشی - نشریات هوایی برای خارجه - مطبوعات بانوان - زن و مطبوعات - نشریات مخصوص کودکان - نشریات سینمایی - نگاهی بسایر مجلات اختصاصی .

۸ - مطبوعات شهرستانها صفحات ۱۰۹ تا ۱۱۶

مطبوعات شهرستانها - تنوع - گروه بندی - نسبت تعداد مطبوعات در استانها - نگاهی بقطع ، تعداد صفحه ، نوع حروف ، عکس ، آگهی و محتوی این روزنامهها - فروش - مطالعه جنبه‌های مختلف دوروزنامه‌های شهرستانی - عیوب مطبوعاتی شهرستانها .

۹ - توزیع در تهران و شهرستانها صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۵

توزیع مطبوعات در تهران - تشکیلات توزیع - مناطق توزیع - مناطق فروش - تخت روزنامه فروش - روزنامه‌فروش سیار - فروش‌آنی و فروش‌مستمر - درآمد، سن و سواد روزنامه فروش - گروه سیار کدامست - درصد سهم از فروش هر نسخه - در کجای شهر چه نشریه‌ای بیشتر بفروش میرسد - روزنامه‌های شهرستانی که در تهران هم توزیع میشود - توزیع مطبوعات تهران در شهرستانها - نمایندگی مطبوعات تهران در شهرستانها - درآمد نماینده - مطبوعات تهران در شمال ایران بیشتر بفروش میرسد یا در جنوب - علل امر .

۱۰ - دستمزد کار در مطبوعات صفحات ۱۲۶ تا ۱۳۴

پایه استخدام - طبقه بندی نویسندگان - وضع استخدامی گروه - نویسندگان نشسته ، متحرک و متفرقه - نحوه دریافت دستمزد - مطبوعات چگونه دستمزد پرداخت میکنند - اختلاف سطح دستمزد - ساعت کار - مرخصی، بیماری، بیمه و بازنشستگی - تشویق و تنبیه و جریمه - کار دوم - دستمزد در مجلات - تشکیلات اداری مجله - گروه بندی هیأت تحریری - چه گروهی بیش از

دیگران دستمزد میگیرد - وضع مترجمین - خرید عکسهای
خبری - نقش سردبیر در مجله - آنچه مطرح نیست - کوه نظری.

۱۱- تشکیلات مطبوعاتی در ایران صفحات ۱۳۵ تا ۱۳۹

تشکیلات مطبوعاتی در ایران - انجمن مطبوعات -
سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات - کانون مطبوعات
علمی - سازمان مشاور مطبوعاتی - جبهه مطبوعات متفق -
جبهه مطبوعات متحد - چرا انجمن مطبوعات منحل شد -
تجدید سازمان انجمن - سندیکای نویسندگان ، تعداد عضو -
بولتن سندیکا - صندوق تعاون - نظام مطبوعاتی - اثرات تشکیل
سندیکا - پرزرین - اصول دموکراتیک انتخابات - بودجه
سندیکا - مخالفتها - کمیسیون مشترک تنظیم روابط مدیران و
نویسندگان .

۱۲- دوره‌های روزنامه نگاری صفحات ۱۴۰ تا ۱۴۳

دوره‌های روزنامه نگاری در ایران - پایه تحصیل مدیران
جراید و نویسندگان مطبوعات - دوره‌های خبرنگاری روزنامه
اطلاعات - فعالیت دانشگاه تهران - چهار سال سابقه - دروسی
که تدریس میشود - استادانی که تدریس میکنند - ارزش
گواهینامه کلاس روزنامه نگاری - اهالی کدام شهر بیشتر این
دوره‌ها را دیده‌اند - کلاسهای تخصصی دیگر

۱۳- قلم موی آخر صفحات ۱۴۴ تا ۱۴۷

يك فاصله شش ماهه - رقیبی در مطبوعات مخصوص بانوان -
مقایسه - اثر انتشار نشریه جدید بر سایر مجلات - يك مجله
جدید اقتصادی و صنعتی - تجزیه و تحلیل مندرجات آن - دو

روزنامه دیگر هفتگی در گروه‌های اجتماعی و بهداشتی.

۱۴ - مشخصات مطبوعات صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۷

مشکل شماره ردیف بعضی از نشریات - مسئله سردبیر
و عدم ذکر نام او - مطبوعات یکنفره! - جدول مطبوعات تهران -
روزنامه‌های صبح - روزنامه‌های عصر - هفته‌نامه‌ها - مجلات
هفتگی - مجلات ماهانه - نشریات هوایی - جدول مطبوعات
شهرستانها - استان مرکزی - آذربایجان شرقی و غربی -
اصفهان - فارس - کرمان - کردستان - لرستان - کرمانشاهان
خوزستان - یزد - خراسان - مازندران - گیلان - همدان.

ضمیمه - لایحه قانونی مطبوعات صفحات ۱۵۸ تا ۱۷۲

تعریف و تأسیس روزنامه و مجله - حق جوابگوئی -
آئین‌نامه‌های مطبوعاتی - جرائم - تخلفات - دادرسی مطبوعات
هیأت منصفه .

کلیات

در ایران ۱۶۶ نشریه به چاپ می‌رسد (۱) که ۸۲ روزنامه و مجله در تهران و بقیه در شهرستانهاست. انتشار آنها از نظر زمان و تعداد بدین شرح است:

روزنامه یومیه	۲۱
هفته نامه	۷۹
روزنامه سه شماره در هفته	۲
هفته نامه دو شماره در هفته	۲
روزنامه دوهفتگی	۱
هفته نامه يك شماره در سه هفته	۱
روزنامه يك شماره در ماه	۱
روزنامه هوائی	۲
مجله هفتگی	۲۳
مجله دو شماره در هفته	۱
مجله ماهانه	۳۳

تقسیم بندی آنها از نظر موضوع باین نحو جلوه میکند :

اجتماعی	۷۵	هنری	۶
ادبی	۲۲	اقتصادی	۴
سیاسی	۲۲	مذهبی	۴
بهداشتی	۱۱	ورزشی	۳
علمی و صنعتی	۶	متفرقه	۱۳

(۱) در دورانی که بعنوان شاخص زمان برای این تجزیه و تحلیل منظور گردیده .

این ارقام جنبه واقعی انتشار مطبوعات را نشان میدهد ، ولی با آنچه در امتیاز بعضی از آنها منظور گردیده تطبیق نمیکند . بعبارت دیگر نشریه‌ای دارای امتیاز هفته نامه است ، حال آنکه بصورت مجله انتشار مییابد و یا آنکه در امتیاز مجله هفتگی قید شده اما ضمیمه‌ای بصورت ماهانه بهمان نام و چه بسا نامی دیگر انتشار میدهد . از طرفی ، بعضی از روزنامه‌ها یا مجلات با امتیاز به مقتضیاتی انتشار نمی‌یابند .

اکنون بمطبوعات تهران توجه میکنیم :

در تهران بطور کلی هفت نوع نشریه بطور مرتب بدین شرح انتشار

می‌یابد :

روزنامه یومیه	۱۴	مجله هفتگی	۲۰
هفته نامه	۱۴	مجله دو شماره در هفته	۱
روزنامه دوهفتگی	۱	مجله ماهانه	۳۰
روزنامه هوایی	۲		

هرگاه چهاربولتن (۱) منظم روزانه و هفتگی را که زبده اخبار مطبوعات فارسی را بزبانهای انگلیسی و فرانسه انتشار میدهند با ارقام فوق بیفزائیم جمع کل نشریات مستقل ملی در پایتخت به ۸۶ میرسد .

اسامی مطبوعات تهران از نظر زمان انتشار بترتیب حروف الفبا

اسامی

بدین شرح است :

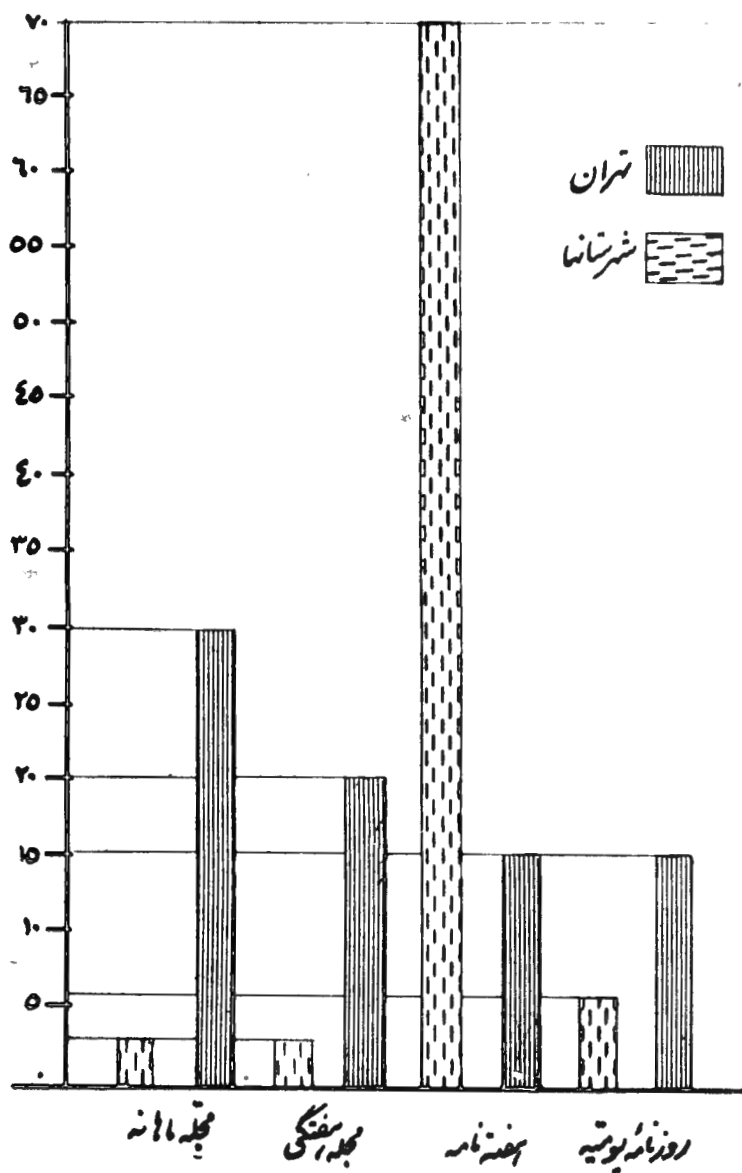
روزنامه‌های یومیه : (الف - صبح) : آژنگ ، بورس ، تهران جورنال
ژورنال دو تهران ، صدای مردم ، کوشش ، کیهان اینترنشنال ، مهر ایران
ندای ایران نوین (ب - عصر) : آلیک ، اطلاعات ، پست تهران ،
پیغام امروز ، کیهان .

هفته نامه ها : اتحاد ملی ، اتحادیه ، اراده آذربایجان ، بامشاد ،
پیک ایران ، تاج ورزشی ، توفیق ، جوانمردان ، دنیا ، دیپلمات ، سحر ، فردا ،
کیهان ورزشی ، ندای حق .

(۱) اکو اف ایران - ایران نیوز - ایران پرس (بدو زبان و جدا

از هم) .

مجموعه مطبوعات ایران بنگیت تهران و شهرستانها



روزنامه دو هفتگی : الاحاء

مجلات هفتگی : ابتکار ، اطلاعات بانوان ، اطلاعات کودکان ، اطلاعات هفتگی ، امید ایران ، بازار خاور میانه ، ترقی ، تهران اکونومیست ، تهران مصور ، جهان امروز ، خوشه ، روشنفکر ، سپید و سیاه ، ستاره سینما ، صبح امروز ، فردوسی ، فیلم و سینما ، کیهان بچه ها ، مشیر ، هنر و سینما .
مجله دو شماره در هفته : خواندنیا

مجلات ماهانه : آرش ، ارشاد ، ارمغان ، اندیشه و هنر ، بدیع ، بورس ، بهداشت روانی ، بیوشیمی ، پزشك خانواده ، تندرست ، توفیق ، حقوق امروز ، داروپزشکی ، دانشمند ، دنیای علم ، دهقان روز ، رامین ، راهنمای کتاب ، زیبایی و زندگی ، سپاهان ، سخن (ادبی) سخن (علمی) سلامت فکر ، شکار و طبیعت ، مسائل ایران ، موزيك ایران ، مهر ، هوخت ، یغما ، یکان .
اگرچه در این کتاب از نشریات دولتی و مؤسسات خصوصی

سایر نشریات صحبتی بمیان نمیآید ولی باید گفت سازمانهای وابسته به دانشگاه تهران و تشکیلاتی نظیر وزارت اطلاعات ،

ارتش ، شهر بانی ، تربیت بدنی ، اتاق بازرگانی و انجمنهایی چون انجمن فرهنگی ایران و هند ، انجمن فرهنگی ایران و شوروی و همچنین موسساتی نظیر داینرژ کلوب و بانکها مجلات منظم و مرتب دارند که باستثناء مجله رادیو ایران بقیه حاوی مقالات ، مطالب و مسائل اختصاصی و یا بنحوی است که بیشتر مورد استفاده علاقمندان و گروه مخصوصی میباشد .

از لحاظ موضوع میتوان تقسیم بندی زیر را برای مطبوعات تهران منظور کرد: نشریات اقتصادی ، چهار - نشریات علمی ، چهار - نشریات ادبی ، هفت - نشریات بزبان انگلیسی ، دو: بزبان فرانسه ، يك : بزبان ارمنی ، يك: بزبان عربی ، يك - نشریات ورزشی ، دو - نشریات بهداشتی ، هشت و بقیه کم و بیش دارای جنبه های عمومی هستند .

اکنون در باره چند موضوع یعنی به ترتیب در مورد قطع ، رنگ ، تعداد صفحات ، نسبت عکس به مطلب ، نسبت آگهی به مطلب ، نوع آگهی و تیراژ روزنامه های روزانه صحبت میشود .
قطع و رنگ قطع روزنامه های روزانه فارسی با یکی دو استثناء تقریباً در تمام یکی

است و یا اختلاف بحدی کم است که زیاد جلب توجه نمی کند .
قطع متوسط این دسته از مطبوعات 50×35 سانتیمتر است . بزرگترین
آنها کیهان (60×41) و کوچکترینشان پیام امروز (40×30) است .
بعد از کیهان از این نظر نوبت به روزنامه ندای ایران نوین می رسد که
چنانچه از اسم آن پیداست ارگان رسمی حزب ایران نوین میباشد .
از لحاظ قدمت ، روزنامه اطلاعات در درجه اول قرار گرفته که تا پایان
مهرماه ۱۳۴۳ شمسی ۱۱۵۲۰ شماره منتشر کرده و از همه جواناتر روزنامه
ندای ایران نوین ، که تا همان تاریخ ۸۱ شماره انتشار داده بود .
در بین روزنامه های عصر اطلاعات و کیهان گاه آگهی های دو یا سه رنگ
چاپ میکنند . هر زمان که پادشاه یا رئیس جمهوری به ایران سفر کند پرچم
آن مملکت و یا مطالبی در حد اکثر سه رنگ با عکس درباره آن به چاپ می رسانند .
از روزنامه های صبح فقط مهر ایرانست که دو یا سه رنگ در آن جلب
توجه میکند . البته چه در مورد نشریات صبح و چه عصر رنگهای ثابت برای
خوش نما جلوه دادن صفحه روزنامه در این درجه بندی منظور نگردیده است .
از لحاظ تعداد صفحات روزنامه باید گفت که حداقل آن چهار است ،
بهر قطع که باشد . کما اینکه چند سال قبل روزنامه فرمان که از چندی پیش
همراه با يك عده دیگر از مطبوعات منتشر نمیشود بقطعی بسیار کوچک انتشار
می یافت .

روزنامه های اطلاعات و کیهان در ایامی که در رقابت خصمانه بودند
سعی میکردند با افزودن صفحه مشتری بیشتری بیشتر بخود جلب کنند . ولی از زمانیکه
طرفین از درآشتی درآمدند این نوع رقابت از بین رفت .
حد اکثر صفحات روزنامه های یومیه کنونی شانزده است که استثنائی
است و اطلاعات و کیهان بطور معمول در دوازده صفحه ظاهر میشوند .
روزنامه پیام امروز در هشت صفحه انتشار می یابد . ولی صفحات وسط
آن یعنی ۷۰۶ و ۷۰۳ تماماً یا آگهی است و یا گاه خبرهایی در باره حوزه
طرف علاقه مدیر آن ، یعنی استان فارس . روزنامه پست تهران متغیر است
و با آنکه اساس کار آن هشت صفحه است اما چه بسا که در چهار صفحه هم
دیده شده .

در بین روزنامه‌های صبح مهرايران مرتباً در هشت صفحه منتشر میشود. کادر تحریری آن گاه ابتکاراتی در صفحه بندی و تنظیم خبر از خود نشان میدهند. اغلب روزهای شنبه و روز بعد از تعطیل نیز منتشر میشود. این امر بستگی بروحیه مدیر و موقعیت زمانی و خبری دارد.

روزنامه حزبی ندای ايران نوین چند ماه اول در چهار صفحه منتشر میشد. بعد بهشت صفحه افزایش یافت و گاه بعد سابق عقب نشینی میکند.

مسئله عکس و آگهی روزنامه‌های روزانه موضوع قابل عکس و آگهی مطالعه‌ای است. روزنامه‌های ثروتمند چون اطلاعات و کیهان و مهرايران از این نظر نگرانی زیاد ندارند بخصوص که بدستگاههای تهیه سریع کلیشه‌مجهزند. ولی چاپ عکس برای سایرین مسئله است و بهمین ملاحظه تعداد عکس در آنها خیلی کم است و یا محدود بکلیشه‌های معدود از شخصیت‌های داخلی و برخی از مقامات خارجی.

در دو روزنامه بزرگ عصر معمولاً يك و گاه تا چهار عکس از خبرهای روز دیده میشود. برای اطلاع از نسبت عکس به مطالب چاپ شده بدینست باین آمار نمونه از چند روزنامه یومیه توجه کنید که مربوط به هفته چهارم مهر ماه ۱۳۴۳ است:

اطلاعات ده در صد - کیهان سیزده درصد - پست تهران نیم درصد - پیغام امروز يك پنجم يك درصد - آژنگ يك درصد - صدای مردم دودرصد - کوشش يك دهم يك درصد - مهرايران هشت درصد - ندای ايران نوین يك تا دودرصد، بطور متوسط.

در روزنامه‌هایی که بزبان غیر فارسی منتشر میشوند تعداد و وسعت عکس جالب است. کیهان اینترنشنال در این قسمت از رقیب خود یعنی تهران جورنال پیشی گرفته و نه فقط میزان درصد آن بیشتر است بلکه بهتر و روشنتر چاپ میشود؛ شاید بدان سبب که نوع کاغذش بهتر است. نسبت عکس بمطلب در روزنامه کیهان اینترنشنال ۰.۱۶٪ است و در تهران جورنال ۰.۱۱٪. از نظر آگهی‌های غیر دولتی نیز، مثل عکس، هیچگونه تناسب ثابت و متوازی بین روزنامه‌های یومیه وجود ندارد.

برای درك این موضوع لازمست بآمار نمونه دیگری توجه کنید که از همان تاریخ ذکر شده از چند روزنامه صبح و عصر بعنوان نمونه، بطور متوسط تهیه شده است :

اطلاعات ۰/۰۵۴ - کیهان ۰/۰۵۲ - پست تهران ۰/۰۱۵ - پیام امروز ۰/۰۳۲ - آژنگ ۰/۰۲۳ - بورس ۰/۰۵۶ - صدای مردم ۰/۰۳۷ - کوشش ۰/۰۳۷ - مهر ایران ۰/۰۴۵ - ندای ایران نوین ۰/۰۲۶

نوع آگهی بین روزنامه‌های صبح و عصر تفاوت بسیار دارد. آگهی روزنامه‌های صبح اکثراً دولتی و خیلی کم، تجارتي و غیردولتی است .

حال آنکه قسمت اعظم آگهی‌های روزنامه‌های عصر را باسثنای پست تهران اعلانات تجارتي و بخصوص سینماها و شرکت‌های هواپیمائی و روغن‌سازی تشکیل میدهد .

از نظر قیمت آگهی، دو روزنامه اطلاعات و کیهان در جدولی کاملاً جدا از دیگران قرار دارند. زیرا نه فقط نرخ آگهی‌های عادی آنها بالاتر است بلکه نرخ آگهی‌های دولتی نیز برای این دو بیشتر از سایر روزنامه‌ها و مجلات میباشد. از آغاز دوران آشتی بهای آگهی‌های تجارتي در اطلاعات و کیهان مشابه شده است . بعلاوه روزنامه‌های عصر از نظر «رپورتاژ» یعنی آگهی بصورت خبرولی بدون شماره آگهی وضعشان خیلی بهتر از روزنامه‌های صبح است . زیرا نه فقط از حیث ستون زیاد است بلکه از نظر تعداد و تنوع نیز چشم‌گیر میباشد .

رپورتاژ موضوعی است که سابقاً در مطبوعات ایران معمول

رپورتاژ

نبود ولی بین پنج تا سه سال اخیر روز بروز زیادتر شده

بطوریکه اگر دلالان رپورتاژ در پنج سال قبل برای يك

روزنامه بزرگ از سه نفر تجاوز نمیکردند امروزه دست زیاد شده و بصورت حرفه‌ئی در آمده که درآمدش هم برای روزنامه خوب است و هم برای تهیه کننده . جریان کار در این زمینه بجائی رسیده که بعضی از خبرنگاران رغبت زیاد به تهیه رپورتاژ از خود نشان میدهند، تا بدین ترتیب قلت دستمزدها نه را جبران نمایند .

در کشورهای که مطبوعات تیراژ خود را در هر شماره ذکر میکنند این اقدام به دو علت صورت میگیرد که یکی وجود قانون است، و دیگری افتخار نشریه. هر دو این عوامل در ایران موقوف است. چه، نه قانونی برای ذکر تیراژ وجود دارد، و نه تعداد نسخ منتشره وسیله ایست برای سربلندی ناشر.

تیراژ در ایران يك مسئله محرمانه و خصوصی تلقی میشود. هیچ مدیری مایل نیست آنرا افشاء کند. یگانه سند قانونی که در زمینه مقررات تیراژ وجود دارد تصویب نامه مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۴۱ شمسی است که میگوید: « هیأت وزیران در جلسه ۲۵ اسفند ۱۳۴۱ خود تصویب کردند ... انتشار روزنامه یا مجلاتی که امتیاز آن برای تهران داده شده است در صورتیکه تیراژ روزنامه کمتر از سه هزار و تیراژ مجله کمتر از پنج هزار باشد ممنوع خواهد بود روزنامه ها و مجلاتی که امتیاز آن برای شهرستانها داده شده است از مقررات مذکور در لایحه قانونی مستثنی میباشند. »

در اسفندماه ۱۳۴۱ استفاده ای که از این لایحه بعمل آمد، لغو امتیاز قریب به هفتاد روزنامه و مجله بود توسط وزیر مشاور وقت. از آن پس مفاد لایحه عملاً بکار بسته نشد.

مطبوعات ایران را از نظر تیراژ میتوان به چند گروه تقسیم نمود: الف) دو روزنامه بزرگ عصر چاپ تهران. ب) مجلات هفتگی. پ) روزنامه های صبح و هفته نامه ها. ت) مجلات ماهانه و ث) روزنامه های شهرستانها. ولی هیچگونه نظامی در این تقسیم بندی نمیتواند وجود داشته باشد. توضیح زیر این موضوع را روشن میسازد:

الف - تیراژ دو روزنامه بزرگ عصر از تقریباً دو سال پیش قوس نزولی پیمود. پیش از آن تاریخ رقابت قابل ملاحظه بین آنها وجود داشت و برد، در يك حد وسیع، با روزنامه کیهان مینمود. بطوریکه تیراژ خود را تا ۱۲۰ هزار نسخه در روز رساند. در همان حال روزنامه اطلاعات بیش از هفتاد هزار نسخه بچاپ نمیرساند.

ولی بعلمی، که در جای خود در این کتاب آمده است، رقابت جای خود را به سازش داد و اثر فوری اش از نظر تیراژ آن بود که تعداد نسخ چاپ

شده هر دوروزنامه سقوط کرد. در دورانی که شاخص زمانی این کتاب محسوب میشود هیچ يك از این دو روزنامه خبری عصر بیش از چهل هزار نسخه چاپ نمیکردند.

ب - اختلاف سطح بین حداکثر و حداقل تیراژ مجلات هفتگی بسیار زیاد و ارقامی بین ۳۵ هزار تا دو هزار نسخه است.

از نظر گروه بندی میشود گفت که تیراژ اول با مجلات کودکان و بانوان است (بین ۲۵ تا ۳۵ هزار نسخه در هفته) بعد مجلات خانواده (بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نسخه در هفته) آنگاه مجلات اقتصادی، و آنگاه آنهایی که رُست سیاسی دارند (بین سه تا پنج هزار نسخه) سایر نشریات اختصاصی و عمومی هر يك بسختی بیش از سه هزار نسخه بچاپ میرسند.

پ - روزنامه‌های صبح و هفته‌نامه‌های تهران از حیث تیراژ تقریباً در يك ردیف کلی بین دو تا پنج هزار نسخه قرار دارند. با توجه باینکه اکثریت با آنها ایست که پانزده هزار نسخه جا میگیرند.

ت - مجلات ماهانه بطور کلی بین يك تا سه هزار نسخه تیراژ دارند باستثنای دو ماهنامه که یکی از آنها تیراژش حتی از هشتصد نسخه هم کمتر و دیگری از شش هزار نسخه بیشتر است.

ث - اختلاف سطح نزد روزنامه‌های شهرستانها بسیار است، بطوریکه حد اکثر آن به چهار هزار نسخه میرسد، و حداقل در حدود رقم چهارصد دست و پا میزند. معذک اکثریت با آنها ایست که حداقل یک هزار نسخه بچاپ میرسند.

همانگونه که گذشت، بدست آوردن رقم دقیق تیراژ بتفکیک کار سهلی نیست و نگارنده بیش از هشت ماه وقت صرف کرد تا بتواند آثار صفحه بعد را تهیه کند. در این نمودار حداقل و حداکثر کل تیراژ آمده و آنگاه حد متوسط آن با رقم باسوادان کشور نسبت گرفته شده است.

چنانکه در نمودار ملاحظه میکنید در روز بطور متوسط ۱۵۶۰۰۰ نسخه روزنامه یومیه منتشر میشود. و چون آنرا با رقم باسوادان کشور قیاس کنیم باین نتیجه میرسیم که بطور متوسط برای هر ۲۹ نفر باسواد يك روزنامه انتشار مییابد. رقم مزبور برای هفته‌نامه‌ها، مجلات هفتگی و مجلات

ماهانه یا ماهنامه‌ها بترتیب ۳۲ ، ۲۸ و ۹۸ نفر است. (۱)
 هنگام تهیه این کتاب از قریب به یکصد نفر آشنا با امور مطبوعاتی
 خواهش کردم در باره علل پائین بودن سطح تیراژها نظر کنند . سببهای
 هشگانه زیر مهمترین نکات است که ذکر کردند و شما بنسبت اهمیت قرائت
 میکنید :

۱ - پائین بودن سطح مندرجات مطبوعات بخصوص مجلات هفتگی

نمودار تعداد تیراژ نشریات تفکیک نسبت آنها با افراد باسواد کشور

نوع نشریه	حد اکثر تیراژ	حد اقل تیراژ	متوسط تیراژ	نفر نشریه
روزانه	۱۸۶...	۱۲۶...	۱۵۶...	۲۹
هفته‌نامه	۱۵۱...	۱۲۱...	۱۳۶...	۳۲
مجله تفکّی	۱۷۶...	۱۳۵...	۱۵۵...	۲۸
مجله ماهانه	۵۶...	۳۶...	۴۶...	۹۸

۱ - جمع کل با سوادان کشور ۴/۳۵۳/۶۸۸ نفر در سال ۱۳۴۱
 شمسی. طبق جدول شماره سه نشریه نتایج مقدماتی آمارگیری نمونه‌ای اجتماعی
 ونفوس : مورخ آذرماه ۱۳۴۲ ، آمار عمومی .

۲ - تردید نسبی خواننده در قبول مندرجات

مطبوعات بخصوص روزنامه‌ها

۳ - افراط در تعریف و تحسین از کابینه‌ها

۴ - عدم توجه کافی مطبوعات بمشکلات مردم

۵ - ضعف بنیه مالی مردم برای خرید روزنامه

و یامجله *

۶ - کمبود تعداد باسوادان با در نظر گرفتن وسعت

کشور و مشکلات توزیع مطبوعات

۷ - دخالت دادن نظرات شخصی در مسائل عمومی

۸ - کم حوصلگی ایرانی در امر خواندن هر نوع

مطبوعه ، بطور کلی .

بعلل هشتگانه فوق مسائلی از قبیل ازدیاد روزافزون روزنامه‌ها و

مجلات خارجی در ایران ، بهبود برنامه‌های شبکه رادیوهای کشور ، ورود

تلویزیون در زندگی خانواده‌ها در تهران و خوزستان ، ازدیاد تدریجی

کتابهای جیبی ، فروش کیلویی کتاب و حتی رونق بلیت‌های بخت آزمایی را

باید افزود و مورد مطالعه قرارداد ، زیرا در این زمینه بی‌اثر نیستند .

بهر حال پائین بودن سطح تیراژ مسئله‌ایست که مطبوعات ما نمیتوانند

نسبت بآن بی‌اعتناء و بی‌تفاوت بمانند . اما رسیدگی باین موضوع نیز مادام

که وحدت نظر نسبی در امر مطبوعات ، بمفهوم کلی آن ، بین مدیران و ناشران

حاصل نیاید امکان پذیر نخواهد بود .

* قیمت روزنامه یومیه بین دو تا چهار ریال . قیمت مجله هفتگی

وماهانه بین ده تا بیست ریال . کارمندی باماهی پنج هزار ریال حقوق ماهانه

ناچار است ۰/۲۶٪ حقوق خود را صرف کند تا بتواند بطور مرتب يك روزنامه

یومیه و يك مجله هفتگی اکتیاع کند .

روزنامه‌های صبح تهران

روزنامه‌های صبح تهران بطور کلی سیاسی تلقی میشوند . این واقعیت فقط مربوط بامروز نیست بلکه در سال‌های بین ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ که روزنامه‌هائی بنام ارگان احزاب و دستجات چپ و راست در تهران انتشار مییافت صادق بود : گو اینکه مطبوعات حزبی درعین حال خبرهای غیرسیاسی ، مخصوص خود را نیز به چاپ می‌رساندند .

جنبه خبری قیاس نیست اما بعضی از آنها دارای خبرهای مخصوص هستند که اکثراً طرف استفاده روزنامه‌های عصر قرار میگیرد و اینها چون جا بیشتر دارند و دستشان در بزرگ کردن خبر باز است لذا همان اخبار را با تفسیر و توجیه بیشتر به چاپ می‌رسانند .

خبرهای اختصاصی در روزنامه‌های صبح محدود به دو روزنامه است و در بقیه کمتر چنین چیزی به چشم می‌خورد . یا اگر هم وجود داشته باشد در تجسم و بزرگ جلوه دادن آن سلیقه‌ئی که لازم است بکار نمی‌رود .

مسائل و سرمقاله‌ها روزنامه‌های بامداد تهران بمطالب روز و اجتماعی توجه کافی میکنند و هر يك از آنها اغلب بموضوعی بطور کلی علاقه و میل خاص نشان میدهند . چنانچه روزنامه‌آژنگ مسائل فرهنگی و مذهبی - روزنامه مهر ایران مسائل مربوط به خوزستان و حوادث - روزنامه بورس بسبب طبیعتش مسائل اقتصادی - روزنامه صدای

مردم برای تنوع و کثرت خبرها - روزنامه ندای ایران نوین اخبار مفصل حزبی و روزنامه کوشش خبرهای رسمی دولتی پخش شده از رادیو ایران را پیش از همگان به چاپ رسانده و یا مورد بحث قرار میدهند .
 سرمقاله‌های روزنامه‌های صبح اکثراً تأیید سیاست دولت در جنبه‌های گوناگون آنست و هرگاه روزنامه‌ئی با اقدامی از دولت توافق نداشته باشد دولت را شدیدتر از روزنامه عصر، باستثنای پیغام امروز، مورد حمله و یا راهنمایی قرار میدهد .

روزنامه‌های صدای مردم و کوشش کمتر از همکاران صبح خود سرمقاله دارند . گو اینکه سابقاً سرمقاله‌های صدای مردم وزن و صدای زیاد داشت . روزنامه بورس سرمقاله‌اش اقتصادی است و سعی میشود مطالب مستدل باشد . سرمقاله‌های آژنگ و مهر ایران ، و همچنین تفسیرهای مخصوصی که تاچندی قبل در آژنگ منتشر میشد، خواننده کم ندارد و در محافل رسمی و نزد خواص با توجه و اهمیت تلقی میگردد .

نکته جالب در این زمینه آنست که کابینه‌ها علیرغم پشتیبانی پشتیبانی دولت بیشتری که از روزنامه‌های صبح میبینند توجهشان بآنها به مراتب کمتر از مطبوعات عصر است . در واقع میشود گفت که در ده سال اخیر روزنامه‌های صبح بیشتر بداد کابینه‌ها رسیده‌اند تا کابینه‌ها بداد ایشان . منظور، در يك سطح وسیع‌تر، آنست که مقامات دولتی از وزیر گرفته تا مدیر کل به چاپ خبرها و مطالب مربوط به خود به روزنامه‌های صبح توجه بیشتر دارند . زیرا این مطالب در روزنامه‌های عصر نه فقط کمتر چاپ میشود بلکه خلاصه است و بعلاوه چون تعداد صفحات و مطالب آنها بیشتر است باصلاح ساده خبر در آنها کم میشود . حال آنکه چاپ کامل يك مصاحبه و دوسه تیر چند ستونی با حروف بزرگ خواننده بیشتری را در روزنامه‌های صبح جلب میکند .

از مطبوعات صبح تهران روزنامه‌های آژنگ و بورس و هیأت تحریری مهر ایران هیأت تحریری منظم دارند . و از این سه ، روزنامه مهر ایران بسبب قدمت ، ثروت مدیر ، چاپخانه مجهز و همچنین منطقه وسیعی چون استان خوزستان برای توزیع از دو

روزنامه دیگر پیش است . به‌بارت دیگر تعداد اعضاء هیأت تحریری آن بیشتر است .

هیأت تحریری روزنامه ندای ایران نوین را اعضاء حزب تشکیل میدهند .

از روزنامه‌های صبح، صدای مردم ، کوشش و مهرایران دارای چاپخانه هستند . قدیمی ترین روزنامه یومیه صبح کوشش است که سنوات انتشار آن از روزنامه اطلاعات نیز بیشتر میباشد و از همه جوانتر روزنامه ندای ایران نوین ارگان حزب دولت است .

مطبوعات صبح تهران معمولاً چهار صفحه‌ای است باستثنای مهر ایران که در هشت صفحه منتشر میشود و روزنامه بورس نیز به‌عنوان کم و زیاد بودن آگهی چه بسا که در هشت صفحه انتشار مییابد .

این روزنامه‌ها در هفته پنج شماره (یکشنبه تا پنجشنبه) روزهای انتشار چاپ میشوند و روزهای جمعه و شنبه منتشر نمیگردند .

تمام آنها مستقل (باستثنای ندای ایران نوین و مهرایران) و میانه رو ، متمایل بر راست هستند . در جمع آنها ، روزنامه‌های مهر ایران و ندای ایران نوین حزبی‌اند که اولی بعنوان ارگان حزب مردم تلقی میگردد . با آنکه این حزب از زمانی که کابینه اسدالله علم سقوط کرد فعالیت زیاد ندارد معذک کلیه خبرهای مهم آن در مهر ایران منعکس میگردد .

در بین روزنامه‌های صبح، آژنگ و مهر ایران علاوه بر خبرهای اختصاصی دارای تفسیر سیاسی نیز هستند و در هر شماره يك تا سه ترجمه از مطبوعات خارجی در آنها بچشم میخورد .

هیچ يك از روزنامه‌های صبح تهران دستگاه گیرنده خبر ندارند. از این رو منبع اخبار خارجه آنها خبرگزاری پارس است . گاه نیز بطور استثناء خبری از بولتن سفارتخانه‌ها و مؤسسات دیگر، منتشره در تهران ، طرف استفاده آنها قرار میگیرد .

از نظر خبرهای داخلی آنها که دارای هیأت تحریری هستند مستقل اند و بقیه بولتن خبرگزاری پارس و گاه روزنامه‌های عصر را طرف استفاده قرار میدهند.



صفحه اول روزنامه مهر ایران در تاریخ چهارشنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۴۳
آنچه در این صفحه از نظر شما میگذرد برابر با تقریباً یک سوم قطع واقعی
آن روزنامه است.

ساعات کار ساعت کار روزنامه‌های صبح از چهار بعد از ظهر شروع میشود و معمولاً تا ساعت نه ادامه دارد. صفحات داخلی در حدود ساعت ده و یازده زیر چاپ میرود و آنها که برای کسب تازه‌ترین خبر تا ساعت یازده کار میکنند دو صفحه اول و آخر خود را بین ساعت یک تا دو بعد از نصف شب بزرگ چاپ میفرستند.

روزنامه‌های فارسی صبح تهران را از یک حیث سه دسته تقسیم بندی تقسیم میتوان کرد. (۱) اقتصادی که فقط یک روزنامه است بنام بورس. (۲) حزبی، که دو روزنامه است یکی ندای ایران نوین ارکان حزب کابینه‌ای که روی کار است و دیگری مهر ایران ارکان حزب مردم و (۳) بقیه روزنامه‌های صبح که بترتیب حروف الفباء عبارتند از آژنگ صدای مردم و کوشش.

روزنامه اقتصادی بورس نخستین نشریه اقتصادی روزانه در ایران است که نخستین شماره آن ۱۸ تیر ۱۳۴۰ منتشر شد.

از دو روزنامه حزبی، ندای ایران نوین صرفاً به مقالات حزبی و سخنرانیهای مقامات آن اختصاص دارد. در عین حال مقدار کمی خبرهای داخل و خارج و گاه تفسیری درباره مسائل خارجی در آن بچاپ میرسد. روزنامه مهر ایران هم خبرهای اتفاقی حزب مردم را بچاپ میرساند.

برای مطالعه جنبه‌های مختلف روزنامه‌های صبح دو نشریه مطالعه و مقایسه مهر ایران و کوشش، از این جهت که مهر ایران بعلت فوق‌الذکر ذو الحیاتین است و دیگری قدیمی‌ترین روزنامه

تهران میباشد، انتخاب میشود.

روزنامه مهر ایران در هشت صفحه انتشار مییابد و هر صفحه آن هفت ستون دارد. قطع آن ۳۵ در ۴۸ سانتیمتر است و تیرهای صفحات اول و هشتم قسمتی رنگی و اکثراً قرمز بچاپ میرسد. قسمت بالای صفحه اول مخصوص تیرهای سراسری و مهمترین اخبار داخلی و خارجی است.

در نیمه بالای همین صفحه و در نقاط مختلف صفحه هشتم عکس‌های خبری روز، به نسبت اهمیت آنها، بچاپ میرسد. در صفحه اول معمولاً آگهی خیلی کم دیده میشود.

صفحه دوم مخصوص برنامه سینماها و مطالب سرگرم کننده است
آگهی ها از این صفحه بعد درج میگردد .

صفحه سوم برای تفسیرهای سیاسی خارجی است که معمولاً از مآخذ
غربی ترجمه شده . درعین حال کتابی به صورت پاورقی و همچنین جدول
سرگرمی در آن چاپ میشود .

صفحه چهارم مطالب مربوط به مذاکرات مجلسین سنا و شورا ، مقاله های
حسنعلی جعفری یعنی جالب ترین مقاله های انتقادی و اجتماعی مهر ایران است
که غالباً بطعنه نوشته میشود ، و قسمتی از اخبار .

صفحه پنجم اختصاص دارد به «بقیه ها» صفحه ششم مخصوص خبرهای
شهرستانهاست که اکثراً درباره خوزستان همراه با عکس های خبری است .
در صفحه هفتم نیازمندیها بصورت آگهی های کوچک و همچنین خبرها و
تفسیرهای ورزشی دیده میشود . صفحه هشتم نیز ویژه خبرهای داخله و حوادث
با عکس میباشد .

از نظر نسبت مطالب بیکدیگر ، این حد متوسط را می توان قائل شد .
سر مقاله ۰/۲ - حوادث ۰/۱۳ - خبرهای داخلی ۰/۵ - خبرهای خارجه
۰/۲ - تفسیرهای سیاسی خارجی ۰/۴ - مطالب ورزشی ۰/۵ - مقالات
مختلف ۰/۲۴ - نسبت آگهی های غیر دولتی دو به یک است .

روزنامه مهر ایران بعنوان نشریه ای که حوادث را بزرگ کرده و کاملتر
از همکاران خود با عکس منعکس میسازد نیز شناخته شده است .
این روزنامه در سالهای گذشته مدتی يك مجله هفتگی هم داشت که
چون نتوانست با سایر مجلات هفتگی رقابت کند تعطیل شد .

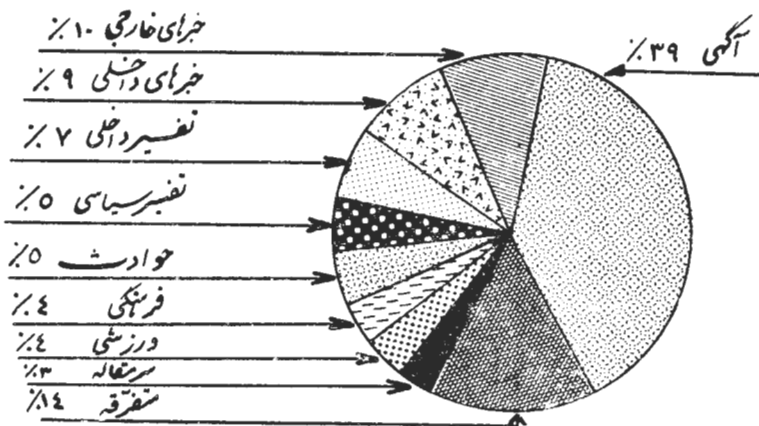
روزنامه کوشش ، همانند مدیر آن ، سالخورده ترین و آرام ترین
مطبوعه است . صبحها در قطع بزرگ ۵۱ در ۳۹ سانتیمتر ، با هر صفحه
هشت ستون بچاپ میرسد .

عکس بندرت در آن دیده میشود و سرمقاله نیز کمتر مینویسد . خبرهای
مربوط با ایران نزدیک به چهل درصد مطالب آنرا تشکیل میدهد . ترجمه
بصورت تفسیر و یا مقاله در باره مسائل خارجی در حدود ۰/۴ است .
پاورقی بصورت داستان مسلسل ۰/۳ - مقالات در تفسیر مسائل اجتماعی

داخلی و گاه نیش دار ۰/۱۰ - خبرهای مربوط به مجلسین ۰/۰۴ - خبرهای شهرستانها ۰/۰۲ و بقیه آگهی و مطالب مختلف است .

روزنامه کوشش هم اکنون چهل و پنجمین سال انتشار خود را میگذراند. تا قبل از حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ از روزنامه‌های بنام تهران بود و بخصوص داستانها و ترجمه‌های ذبیح‌الله منصوری مشتریان ثابت برای آن بوجود آورده بود .

مؤدار مندرجات یک روزنامه تومیه صبح تفکیک نوع



در تهران سه روزنامه صبح بزبانهای فرانسه و انگلیسی منتشر میشود که ژورنال دو تهران بزبان فرانسه و تهران جورنال و کیهان اینترنشنال بزبان دیگر است .

روزنامه‌های غیر فارسی

از این سه نشریه ژورنال دو تهران قدیمی ترین روزنامه بیک زبان خارجی در ایران و یکی از سلسله انتشارات مؤسسه اطلاعات است . این روزنامه مدعی است که قدیمی ترین نشریه فرانسه زبان در شرق نزدیک و خاورمیانه

میباشد در صورتیکه در شهر استانبول (ترکیه) روزنامه‌ئی بهمین زبان بنام استانبول منتشر میشود که از عمر آن بیش از هفتاد سال میگذرد . *

ژورنال دو تهران تا ده سال پیش تیراژ قابل ملاحظه داشت ولی از وقتیکه دو روزنامه بزبان انگلیسی انتشار یافت بمیزان قابل ملاحظه‌ئی جای آن گرفته شد .

ژورنال دو تهران با آنکه برای انتشار خبرهای روز و سیاسی کوشش زیاد از خود نشان میدهد ولی بمقیده خوانندگانش ارزش فرهنگی و ادبی آن بیشتر است .

بخصوص مطالبی را که در باره مسائل مختلف ایران از جمله ایلات و عادات و آداب کشور از مجله‌های فارسی زبان ترجمه میکند خواننده بسیار دارد .

صفحه اول آن مخصوص مهمترین خبرهای روز است . از بقیه صفحات میتوان گفت شماره سه اهمیتی بیشتر دارد و اساس صفحه پندی آن هفتگی است : بدین معنی که يك روز در باره ادبیات ، روز دیگر در باره علوم و روز سوم در باره مطلبی همطراز آن دو در آن بچاپ میرسد .

زاویه دید هیأت تحریری آن فرانسوی است و اختلاف آن با روزنامه‌های انگلیسی زبان تهران از این حیث کاملاً مشهود است .

در معرفی کتب بخصوص کتاب‌های فرانسوی برای خود جا باز کرده است . ژورنال دو تهران قریب بدو سال قبل موفق بدریافت جایزه از کشور فرانسه شد . این امر سبب تحیر خوانندگان ایرانی آن گردید ، در صورتیکه ارزش فرهنگی‌اش چنین افتخاری را برای آن آورد .

ادامه این روزنامه ، تا جائی که نگارنده احساس میکند ، برای مؤسسه اطلاعات از نظر مالی باری گزاف است ومسئله حیثیت چنین امری را الزام آور ساخته است .

ژورنال دو تهران چند نویسنده فرانسوی زبان و مترجم دارد ولی

* احمد شهیدی سر دبیر ژورنال دو تهران در اوائل فروردین ماه ۱۳۴۴ بمن اظهار داشت که چند ماه است روزنامه مزبور تعطیل گشته .

بجرات میشود گفت روش محافظه‌کاری افراطی احمد شهیدی از اسباب بقاء آنست. اما چون زبان فرانسه در ایران، در مقام قیاس با بیست سال قبل، رو بنا به‌دی است طبیعی است که از گسترش این روزنامه میکاهد و مانع توسعه‌اش میشود. انتقال زبان خارجه از فرانسه بانگلیسی در ایران تا بحال بطور کلی اثرات مشهود در ژورنال دو تهران داشته‌کما اینکه نه فقط از صفحات آن کاسته بلکه يك بار بعنوان آزمایش مدتی عصرها منتشر میشد ولی از تفاوت زمان انتشار نیز تغییری در وضع آن حاصل نیامد.

از دو روزنامه انگلیسی زبان صبح، تهران جورنال دارای

تهران جورنال سابقه بیشتر است. نخستین شماره آن در فروردین ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافت.

استنباط عمومی خواننده از این روزنامه آنست که هیأت‌های تحریری آن که معمولاً هر یکی دو سال یا در همین حدود عوض میشوند سعی دارند کم و بیش قیافه نیویورک‌هرالد تریبون بآن بدهند. کما اینکه گاه مقالاتی هم از بعضی از نویسندگان همان روزنامه در تهران جورنال ملاحظه میشود. روزنامه‌ئی است که پیش از آنکه قضاوت ایرانی را در باره آن بخواهیم باید گفت بسلیقه و « مزه » آمریکائی تهیه میشود. بهمین سبب در جمع ایرانیان انگلیسی دان گل نکرده است.

بعلاوه باید اذعان کرد که از نظر ادبی و دستور زبان انگلیسی، مقداری از اخبار و مقالات آن، بخصوص آنچه مربوط بایران است و از فارسی ترجمه میشود، انگلیسی سلیس و روان نیست.

تهران جورنال از لحاظ انتقاد فیلم و خبرهای مجالس و ضیافت‌ها بسیار جالبست و از این نظر بر رقیب خود برتری دارد. انسان باخواندن این ستون گاه تصور میکند شخصاً در يك مجلس یا ضیافت حضور داشته‌زیرا نه فقط مطالب خوب پرورانده میشود بلکه آنچه را که شخص انتظار دارد در اینگونه محافل ببینید یا بشنود در ستون مربوطه مییابد.

خبرها و بعضی از مطالب تهران جورنال بیشتر خام است و چنین مینماید که هیچ يك از اعضاء هیأت تحریری بدقت روی آن کار نکرده است بلکه فقط عنوانی برای آن انتخاب کرده و خبر را برای حروفچین ارسال

داشته است. تا چند سال پیش اغلاط املائی و گاه تکرار يك سطر در آن دیده میشد ولی تازگیها خواننده کمتر باین نوع اشتباه بر میخورد.

قیافه ظاهری صفحه اول تهران جورنال گیرنده نیست. اعضاء هیأت تحریری آن نیز باین امر اذعان دارند. کوششهای متعددی که در این راه مبذول گشته همراه با دوره‌های موجود روزنامه بهترین شاهد است و این ادعا را براحتی ثابت میکند.

مطالب عمومی و مقاله‌های اساسی که بتازگی در تهران ج-ورنال مشاهده میشود نشانه آنست که سعی میشود خود را بپای رقیب رساند. اما خیلی‌ها معتقدند توفیق در این امر باین سهولت و باین زودی‌ها عملی نخواهد بود.

روزنامه دیگر انگلیسی زبان تهران، کیهان اینترنشنال
کیهان اینترنشنال از انتشارات مؤسسه کیهان است. نخستین شماره این روزنامه در اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ انتشار یافت. از

حیث صفحه بندی، انتخاب حروف برای تیتراژ، انتخاب جمله برای عنوان مطالب و جایگزینی عکس‌ها در هر صفحه، روزنامه‌ای است بسیار عالی که از هر حیث با روزنامه‌های انگلیسی و امریکائی برابری میکند. در حالیکه قیافه تهران جورنال گرفته و کدر بنظر میرسد، ظاهر این روزنامه بخصوص صفحه اول آن طور است که خواننده را در يك نگاه شاد و راغب بقرائت میسازد.

تقسیم بندی مطالب نیز ثابت است و طی چند سالی که از عمر آن می‌گذرد خواننده را خوب عادت داده است چه مطلبی را کجا بیابد. مقالات اقتصادی صفحه دوم و خبرهای ورزشی صفحه آخر آن خواننده بسیار دارد. بعلاوه مقالات نویسندگانی از جمله گریگوری لیمّا اعتبار عمومی به کیهان - اینترنشنال داده است. مقالات امامی نیز جالب است مشروط بر آنکه گاه در توجیه مطلب و تحسین از شخص مورد نظر خود غلو نکند.

شائول بخاش عمیق مینویسد و نشانه تیزبینی اوست و کاظم زرنگار نیز در تفسیر مسائل خاورمیانه تبحر یافته. جالبست که در بین مطبوعات ایران کیهان اینترنشنال، بعد از پیغام امروز، باین گونه مسائل بیش از دیگران توجه دارد.

سرمقاله هر دو روزنامه انگلیسی ترجمه سرمقاله‌ئی است که شب گذشته در روزنامه‌های فارسی زبان مؤسسه آنها به چاپ رسیده باشد . بعضی‌ها کیهان اینترنشنال را از پاره‌ئی جهات همانند دلیلی اکسپرس لندن میدانند . ولی نحوه تفسیر مطالب و حوادث مهم کشور بمراتب جامع‌تر از دلیلی اکسپرس است .

مزیت این روزنامه به رقیب خود آنست که خبرها را خوب « ادیت » میکند و بطرزی در می‌آورد که خواننده را بخود بکشد . تعداد و وسعت عکس‌های آن از روزنامه‌های غیر فارسی دیگر بمراتب بیشتر است و حتی هیچ‌یک از روزنامه‌های فارسی زبان هم بپای آن نمیرسد .

دو روزنامه انگلیسی زبان صبح تهران در هشت صفحه انتشار می‌یابند و گاه بسبب پیش آمد حوادث و وقایع مهم ، کیهان اینترنشنال در دوازده صفحه هم دیده شده است . با اینکه روزنامه‌های صبح فارسی در هفته پنج شماره انتشار میدهند ولی روزنامه‌های غیر فارسی در شش شماره یعنی همه روزه باستثنای جمعه‌ها ظاهر میشوند .

بدنبال این بحث لازم است بطور اختصار اشاره شود که شیوع زبان انگلیسی در ایران و وجود عده قابل ملاحظه‌ئی خارجی که بکسب و کار و یا بخدمت دولت اشتغال دارند دامنه روزنامه‌های انگلیسی زبان را وسیع ساخته است .

از نظر هیأت تحریری باید گفت که سردبیر هر دو روزنامه انگلیسی زبان ، خارجی هستند . سردبیر کیهان اینترنشنال دلفورس نام دارد و سردبیر تهران جورنال جی‌راس . از اعضاء هیأت تحریری نیز عده‌ئی خارجی میباشند .

در کیهان اینترنشنال خارجی غربی بیشتر میبینیم ، حال آنکه در تهران جورنال چند شرقی ، از جمله پاکستانی ، سابقه خدمت دارند .

شاید خالی از لطف نباشد اضافه شود که اکثر حرفچین‌های روزنامه های غیر فارسی به زبانی که برای آن کار می‌کنند آشنائی ندارند و حروف را فقط از لحاظ قیافه ظاهری میشناسند . این امر گاه سبب ارتکاب اشتباهاتی بخصوص در زیر نویسه‌های عکسها از طرف متصدی صفحه میشود .

چنانچه مثلاً عکس پلنگی را میبینید که بانوئی آنرا بداخل آب برده وزیر آن نوشته شده: سه تن از بانوان قهرمان شنای المپیک. و زیر عکس سه بانوی قهرمان این جمله چاپ شده: برای نخستین بار يك بانوی روسی توانسته است پلنگی را بآب داخل کند!

این قسمت، به روزنامه آلیک با اشاره‌ئی کوتاه به دومجله

آلیک

ماهان که هر سه بزبان ارمنی انتشار مییابند: وهمچنین به

نشریه‌ئی که بزبان آشوری در تهران منتشر میشود اختصاص

دارد. و چون از مطبوعات غیر فارسی سخن بمیان است در این قسمت از کتاب جای گرفته‌اند. سه نشریه ارمنی زبان عبارتند از آلیک (روزانه) «لوس آبر» (ماهان برای بچه‌ها) و آرمنوهی (ماهان - اجتماعی) «آلیک» نام روزنامه‌ئی است که یومیه (عصرها) در تهران منتشر میشود و برخلاف روزنامه‌های صبح در هفته شش شماره (باستثنای جمعه‌ها) و اعیاد و تعطیلات که تعطیلات خاص ارمنه را نیز باید بدان افزود انتشار مییابد.

بهمین سبب میزان انتشار آن بنسبت ایام سال کم است چنانچه در سال گذشته فقط ۲۶۵ شماره داشت.

آلیک يك روزنامه از ردیف مطبوعات قطع بزرگ و چهار صفحه‌ئی است که گاه اکثراً پنجشنبه‌ها بسبب تراکم مطلب بطور استثناء در شش صفحه ظاهر میشود.

مطالب آن باستثنای اخبار روز طوری تنظیم میشود که بیشتر جنبه سرگرم‌کننده و اطلاعی دارد. بهنگام تصادف با اعیاد و روزهای مهم مطالبی تفسیر مانند بچاپ میرساند.

جنبه خبری آن بسیار ضعیف است. منبع اخبار خارجه آن خبرگزاری پارس است و اخبار داخله‌اش از آن خبرگزاری وهمچنین از روزنامه‌های صبح و عصر تأمین میگردد. از اینرو خبرهائی که معمولاً یکی دو روز قبل در سایر نشریات بچاپ رسیده در آن ظاهر میشود.

علت دیر بودن اخبار و توجه بیشتر بمطالبی که جنبه خبری ندارد شاید مجهز نبودن چاپخانه باشد و یا شاید احتیاطات وملاحظاتى که خاص ناشران این یگانه روزنامه یومیه ارمنی زبان ایران است.

در بعضی از شماره‌های آلیک گلچینی از مطالب مهم مطبوعات فارسی بخصوص مجلات هفتگی بچشم میخورد. بهمین ترتیب است مطالبی بمنظور آشنا شدن خواننده با نوابغ و بزرگان ایران. برای شناساندن و معرفی شخصیت‌های ارمنی و آثار آنها نیز کوشش میشود.

توجه آلیک بداستان کوتاه بیش از حد يك روزنامه روزانه است. این نول‌ها بعقیده خوانندگان اکثراً جالب است بخصوص داستانهائی که ندرتاً رنگ فانتزی بخود میگیرد.

از چهار صفحه روزنامه آلیک يك صفحه آن مخصوص آگهی‌های مختلف منجمله آگهی‌های تسلیم است. این روزنامه آگهی دولتی تقریباً ندارد. نکته جالب درمورد آلیک اینست که سرمقاله‌های آنرا ترجمه سرمقاله‌های روزنامه اطلاعات تشکیل میدهد و هرگاه ترجمه دقیق و تحت‌اللفظی هم نباشد روح آن منعکس است.

آلیک از لحاظ فروش در تهران دامنه فروش وسیع‌تری دارد تا در سایر نقاط ایران چنانچه دو سوم آن در تهران بفروش میرسد. در بین شهرهای ایران آبادان از نظر خرید آلیک در درجه اول قرار گرفته. بعد اصفهان و بدنبال آن تبریز می‌آید.

روزنامه آلیک از جمله انتشارات مؤسسه‌ئی است بهمین نام. ارامنه‌ئی که سالها قبل از ایران مهاجرت کرده‌اند نسبت باین مؤسسه توجه دارند و بخصوص آنهائی که در آمریکا هستند در امر کمک به آن در مقام اول قرار میگیرند. اعضاء هیات تحریری آلیک افرادی پرکارند، زیراصدی نودکار آنها ترجمه است و هرگاه سریع و دقیق نباشند نمیتوانند روزنامه‌هائی را که از حیث زبان در نوع خود یگانه است مرتب انتشار دهند.

از نظر گروه بندی خواننده میتوان گفت که سالمندان ارمنی یا لااقل آنهائی که با از چهل فرا نهاده‌اند بیشتر آنرا میخوانند تا جوانان. شاید بدان سبب که جوانها همیشه بدنبال چیزهای تازه هستند.

هنگام بحث از روزنامه آلیک، گو اینکه هدف این کتاب

چند نشریه

نوشتن تاریخچه مطبوعات نیست، شاید بی‌مناسبت نباشد ذکر شود که تا قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تعداد بیشتری

نشریات ارمنی در ایران منتشر میشد: از آن جمله بود مجله هفتگی «وراز نوند» بمعنی «تولد مجدد» و نشریه فکاهی «چاخ آول» بمعنی گل و جارو که مطالب خود را در طنز و انتقاد فکاهی بچاپ میرساند. بعضی از فانتزی نویس های آن، امروزه گاه در آلیک مطالبی برشته تحریر میکشند.

باستثنای آلیک فعلاً دو نشریه ماهانه دیگر بزبان ارمنی در تهران انتشار مییابد که یکی «لوس آبر» (مخصوص بچه ها) است حاوی مطالب فکاهی ساده و داستانهای اخلاقی و دیگری «آرمنوهی» که اکثراً افراذهیات تحریری آنرا فارغ التحصیل های مدارس ارمنی زبان تشکیل میدهند. مندرجات این مجله بطور کلی جنبه اجتماعی، انتقادی و ارشاد دارد.

انجمن آشوریهای تهران نیز مجله مخصوصی انتشار

بزبان آشوری میدهد. نام آن «نشریه اخبار انجمن آشوریهای تهران»

است که در حدود یکسال و نیم از آغاز انتشار آن

میگذرد. این نشریه به دو زبان فارسی و آشوری است بقطع ۲۹ در ۲۲،

در ۱۴ صفحه و معمولاً بین دو تا چهار صفحه آن بفارسی است. هیچگونه مقاله

یا تفسیری در آن بچاپ نمیرسد بلکه چنانچه از اسم آن برمیآید «خبرنامه»

است و فعالیت های آشوریان را اطلاع میدهد. از نظر تاریخ انتشار

دارای نظم نیست و از اینرو در تقسیم بندیهای مختلف این کتاب منظور

نگردیده است.

روزنامه های یومیه عصر

در تهران چهار روزنامه یومیه فارسی بهنگام عصر انتشار مییابد که عبارتند از اطلاعات ، پست تهران ، پیغام امروز و کیهان . از این چهار نشریه ، روزنامه های اطلاعات و کیهان نه فقط با همکاران زمان انتشار، بلکه با هیچ يك از سایر مطبوعات ایران قابل قیاس نیستند : چه از حیث تیراژ ، چه از نظر هیأت تحریری ، چه از لحاظ ماشین آلات چاپ و وسعت دستگاه و چه بعلت ایجاد نسبی افکار عمومی در مسائل غیر سیاسی . فقط در قسمت اخیر ، یعنی ایجاد افکار عمومی است که مجله خواندنیها طی چهار سال اخیر بعنوان يك رقیب در برابر آنها عرض اندام میکند .

اطلاعات و کیهان دو روزنامه خبری هستند که جنبه سیاسی راهم بیدک میکشند . این دو ، در شرایط فعلی ، بزرگترین روزنامه های ایران تلقی میشوند . سازمانهای دولتی و مؤسسات تجاری برای آنها نفوذ قائلند و طبیعی است که این امر سبب میشود هر دو آنها از مزایایی افزون از سایر همکاران برخوردار باشند .

روزنامه اطلاعات ، سالخورده ترین نشریه روزانه منظم در ایران ، سعی میکند در لباس يك روزنامه نیمه رسمی ، ناشر افکار دولت ظاهر شود . خوانندگان اکثراً سرمقاله های آنرا نظر دولت تلقی میکنند . نحوه تنظیم اخبار و تلفیق کلام نیز در سایر قسمت ها این تصور را کم و بیش تأیید میکند . عبارت دیگر ، اطلاعات با اینکه بظاهر غیر حزبی و بیطرف است ولی

نشریه محافظه کاریست که صلاح را در حرکت محتاط بموازات سیاست و مشی کابینه‌ها تشخیص داده است .

روزنامه کیهان ، که هنوز سالهای دهه دوم حیات مطبوعاتی را طی میکند ؛ در شرایط غیر عادی اما با انتخاب يك روش مشخص کار خود را شروع کرد . سالها بعنوان يك روزنامه ملی ولیبرال استنباط میشد . بخصوص از سال ۱۳۳۷ شمسی زمانی محدود مورد توجه بسیار مردم قرار گرفت . این روزنامه بارها کوشیده تا با روش مردم پسند تدوین اخبار و مطالب ، با نحوه خاص برداشت مسائل ، نقطه‌ها و زوایای دید ملی در تفسیر امور ، بر یگانه رقیب ، یعنی روزنامه اطلاعات ، فائق آید . در این مشی گاه حتی بطور کامل بخواسته‌های کابینه‌ها گردن نهاده و خود را بی تفاوت جلوه داده است .

تیراژ آن تا دو سال قبل مرتباً قوس صعودی میپیمود چنانکه تا تقریباً یکصد و بیست هزار نسخه هم رسید . و این زمانی بود که رقابت کیهان در شرایط و امکانات نامساوی با روزنامه اطلاعات بشدت خود رسیده بود . تا این زمان بین این دو روزنامه بزرگ عصر رقابت شدید وجود داشت تا بحدی که خبرنگاران شهرستانی آنها در اختراع و ابداع خبر رسمی میکردند از یکدیگر سبقت جویند .

کاسه رقابت حرفه‌ای آنها بالاخره در حدود سه سال پیش لبریز شد . يك سلسله حملات شدید و دور از انتظار بیکدیگر به عمل آوردند ، و همانوقت بود که دست خبرنگاران شان در شهرستانها باز شد .

روزنامه اطلاعات در این امر یعنی تبلیغ علیه رقیب از کیهان پیشی گرفت تا آنجا که سلسله مقالات مخالف خود را بصورت جزوه‌ئی جداگانه چاپ کرد و نگارنده این جزوه را در همان زمان ، که در لندن بودم ، قرائت کردم .

اما بدنبال این طوفان ، آرامش برقرار شد و میانجیگری بعضی از کاملین قوم برای آشتی مؤثر افتاد . از آن پس روز بروز تشابه خبری این دو روزنامه نه فقط در موضوع بلکه در نحوه تحریر و تجزیه و تحلیل بیشتر گشت و آگهی‌ها و قیمت سطری آنها نیز متشابه گشت .

رقابت سابق کیهان با اطلاعات امروز جای خود را به تبعیت از



صفحه اول روزنامه اطلاعات مورخ پنجشنبه سیام مهرماه ۱۳۴۳. این عکس برابر با تقریباً یک سوم قطع اصلی روزنامه اطلاعات است

اطلاعات داده است و چنانکه گفته شد تشابه آنها در چاپ اخبار و تلقی مسائل و مطالب آنچنان زیاد است که بقول بعضی از دوستان این هر دو روزنامه یکی هستند که با دو اسم چاپ میشوند. نخستین اثر فوری سازش اطلاعات و کیهان سقوط تیراژ روزنامه اخیر الذکر بود.

قبل از آنکه به بحث در باره دو نشریه دیگر عصر بپردازیم به نحوه گردش خبر در هیات تحریری، نوع تیتراژ، آگهیها، نسبت مندرجات روزنامه. های اطلاعات و کیهان، مطالب خارجی در هر يك از آنها و بالاخره باین امر توجه میکنیم که چرا در ایران هیچ روزنامه‌ای تاکنون نتوانسته بیش از يك بار در روز انتشار یابد.

مطالب داخلی را خبرنگاران دو روزنامه در تهران و یا

تهیه خبر

شهرستانها تهیه میکنند. هر يك از این دو نشریه عصر سرویس‌های خبری خارجه و داخله مشتمل بر اقتصادی، سیاسی، پارلمانی، اداری، ورزشی و غیره دارند که هر يك از آنها يك دبیر دارد و بنسبت اهمیت و کار سرویس تعدادی خبرنگار زیر نظر وی کار میکنند. قسمت عمده خبرها را خبرنگارانی که بخارج از اداره میروند تهیه می‌کنند. بقیه خبرها تلفنی کسب میشود و دبیر سرویس نیز اشتباهات احتمالی خبرنگار و یا تأیید مقامات را بوسیله تلفن بدست می‌آورد. در باره خبرهای داخله کمتر تفسیری در این دو روزنامه دیده میشود مگر سرمقاله که بحثی جداگانه است.

هر دو روزنامه مهمترین خبر داخلی خود را در ستون اول صفحه آخر قرار میدهند مگر عکس خبری که مربوط به اعلیحضرت شاهنشاه باشد که طبیعی است در صفحه اول قرار می‌گیرد.

از نظر مندرجات صفحات باید گفت که نیمه بالای صفحه اول

جای هر خبر

اختصاص دارد بیک تیتراژ سراسری که اکثراً در باره خبرهای خارجی است مگر آنکه اتفاقی خیلی مهم در داخله

روی دهد، چون قتل نخست وزیر.

در زیر آن نام روزنامه می‌آید همراه با تیتراژ مهمترین خبرهای روز و احتمالاً چند سطر در باره هر يك و قسمتی از سرمقاله (کیهان). نیمه پائین



صفحه اول روزنامه کیهان مورخ پنجشنبه سیام مهر ماه ۱۳۴۳ این عکس تقریباً يك سوم قطع اصلی روزنامه کیهان است

صفحه اول را آگهی پرمیکند .

در صفحه دوم روزنامه اطلاعات معمولاً ستون اول مختص سرمقاله است و بقیه صفحه را همیشه آگهی‌های درگذشت و تسلیت و معمولاً اعلانات فرهنگی پرمی‌کند .

روزنامه کیهان گاه سرمقاله را در صفحه دوم منعکس می‌سازد و یا در صفحه ماقبل آخر . بهر حال وضع صفحه دوم کیهان از نظر آگهی همانند اطلاعات است . در صفحه سوم و چهارم هر دو روزنامه مخصوص خبرها و تفسیرهای خارجی است .

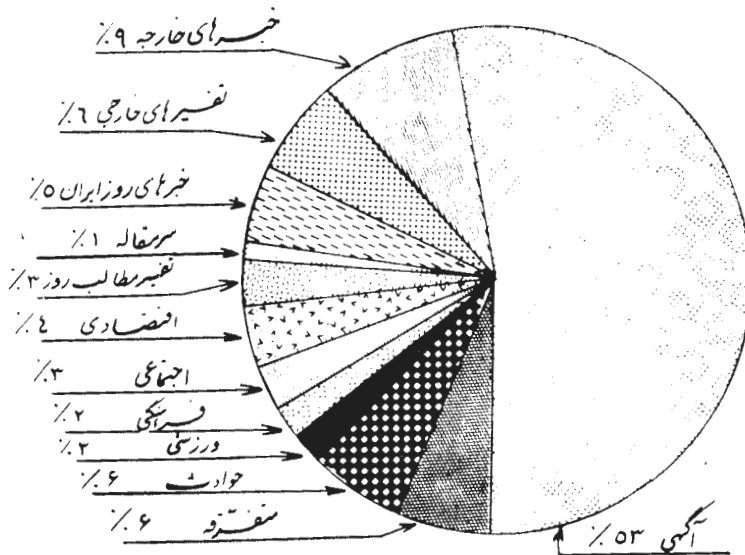
از چهار صفحه آخر ، صفحه ۱۲ یا ۱۶ (بنسبت صفحات روزنامه) مخصوص خبرهای داخلیست . صفحه ماقبل آن دنباله خبرها و مصاحبه‌ها است . در صفحه سوم از آخر خبرهای قتل و حوادث روزخوانده میشود و صفحه قبل از آن نیز برای دنباله خبرهاست .

در حقیقت هر شماره روزنامه را باید دو قسمت دانست . یکی چهار یا هشت صفحه داخلی که معمولاً شب قبل از انتشار از نیمه شب زیر چاپ میرود تا برای فردا آماده باشد . و دیگری هشت صفحه اول و آخر روزنامه که از ساعت ۱۲ ظهر زیر چاپ میرود . هزارهای اول مخصوص شهرستانهاست که بوسیله ترن یا سرویس‌های غیر دولتی اتوبوس فرستاده میشود ، و آنگاه تا حدود ساعت سه هر گاه خبر تازه و مهمی رسیده باشد صفحه اول و آخر کمی تغییر میکند و بقول فرنگیها چاپ دوم از ساعت چهار بعد از ظهر حاضر میشود و یکساعت بعد توزیع آغاز میگردد .

میزان آگهی هر شماره بقیه پورسانت‌های است که در صفحه ۳ ذکر شده البته باید مطالب رپورتاژی را نیز ضمیمه آن دانست . کم و زیاد بودن آگهی بستگی تام بوضع روز دارد . مثلاً میزان آگهی در هفته‌های ماقبل انتخابات و همچنین بسبب انتصابات مهم و تبریکات ، بسیار زیاد است . در مواقع دیگر در حد نسبتاً ثابت باقی می‌ماند . اما این نکته را باید توجه داشت که زیاد شدن آگهی در ازدیاد صفحات اثر ندارد بدین معنی که روزنامه‌های مزبور با ازدیاد آگهی بصفحات خود نمی‌افزایند بلکه جای مطالب و مقالات را میگیرند .

نسبت مندرجات بیکدیگر نزدیک نیست . در خبرهای داخلی آنچه را که یکی صلاح با انتشار نداند ، دیگری از چاپ آن امتناع می‌ورزد . در اخبار خارجی با اینکه روزنامه‌کیهان میزان بیشتری بچاپ می‌رساند ولی بنظم روزنامه اطلاعات نیست . روزنامه اطلاعات بسبب مدیریت و اداره بهتر توأم با سابقه‌ای طولانی ، مطالب و صفحات خود را بمراتب بهتر ، از کیهان تنظیم می‌نماید . بعبارت دیگر جای هر خبر یا مطلبی ثابت است و خواننده میدانند آنچه را که طالب است در چه ستونی می‌تواند بیابد . حال ببینیم که نسبت در صد مطالب و مندرجات این دو روزنامه خبری عصر بطور متوسط چیست :

نمونه مندرجات یک روزنامه یومیه بنقلیک نوع



موسوع	اطلاعات	کیهان
سرمقاله	۱٪	۱٪
خبرهای روز	۷٪	۶٪
تفسیر مطالب	۴٪	۳٪
اقتصادی	۶٪	۴٪
اجتماعی	۳٪	۲٪
فرهنگی	۱٪	۳٪
جنايات و حوادث	۷٪	۶٪
ورزشی	۱٪	۱٪
خبرهای خارجی	۶٪	۷٪
تفسیر مسائل خارجی	۵٪	۸٪
تساویر خبری روز	۳٪	۶٪
منفرقه	۳٪	۳٪

بقیه در صد را آگهی ، اعم از تجاری یا دولتی ، تشکیل میدهد.

حال بمطالب خارجی ، اعم از خبر یا تفسیر در روزنامه

مطالب خارجی اطلاعات و کیهان توجه کنیم .

منابع خبری برای پرشدن ستونهای مربوط باین قسمت

یکی خبرهای خبرگزاریهای جهان است و دیگری روزنامهها و مجلاتی که از اروپا و آمریکا میسرند .

هر دو روزنامه مجهز بدستگاههای گیرنده خبر « تله تایپ » هستند و معمولاً خبرگزاریهای آسوشیتدپرس ، رویتر ، یونایتدپرس ، فرانسه و آلمان را مشترك میباشند.

گروه مترجمان خبرهای مهم را ترجمه میکنند و در اختیار دبیر سیاسی میگذارند . تشخیص اهمیت خبر و تلفیق آنها با اوست . و باز هم اوست که تیتراژ سراسری صفحه اول را مینویسد و با سردبیر روزنامه تبادل نظر میکند این نوع تیتراژ در روزنامه اطلاعات بستگی بیشتر بروح خبر دارد و در روزنامه کیهان که باصطلاح لیبرال است بیشتر هیجان انگیز مینماید .

روزنامه اطلاعات در عین حال يك تفسیر حوادث سیاسی روز جهان دارد که کیهان فاقد آن است. تفسیرهایی که تا پیش از یکسال و نیم پیش داریوش همایون در روزنامه اطلاعات مینوشت وزن و خواننده بسیار داشت. از روزی که او از همکاری با اطلاعات منصرف گشت این قسمت از روزنامه مزبور اهمیت خود را از دست داد.

قسمت دیگر مطالب خارجی دو روزنامه اطلاعات و کیهان منابع تفسیرهایی است که از منابع خارجی ترجمه میشود. این منابع را به نسبت مملکتی که از آنها می آیند به چهار قسمت تقسیم میتوان کرد که بترتیب حروف الفباء فارسی عبارتند از آلمان، آمریکا انگلیس و فرانسه. از چند کشور دیگر نیز مجله و روزنامه به ایران می آید ولی کمتر دیده شده که مطلبی از آنها در این دو روزنامه یومیه عصر منعکس باشد.

از چهار مملکت فوق نشریات آلمانی در روزنامه های عصر مشتری زیاد ندارد و فقط گاه مطالبی از دایولت و اشپیکل در کیهان دیده میشود. از نشریات آمریکایی هرالد تریبون، نیویورک تایمز، و مجلات تایم و نیوزویک طرف توجه هستند. هرالد تریبون بسبب تفسیرهای سیاسی والت ریلیپمن و دو مجله اخیرالذکر بسبب چاپ کردن آخرین اخبار مخصوص خارجه از نظر امریکائیان.

از نشریات انگلیس این روزنامه ها و مجلات هستند که برای ترجمه از مقالات آنها استفاده میشود: تایمز، سندی تایمز، آبرزور، اکونومیست، دیلی اکسپرس و سندی اکسپرس.

از مطبوعات فرانسه سه نشریه لوموند، اکسپرس هفتگی و فیکارو گاه مطالبی دارند که بمذاق دو روزنامه عصر ما شیرین می آید و ترجمه میشود تا انتشار یابد.

در این زمینه باید یادآور شد که مسئله زبان حائز اهمیت زبان و منطقه است. زمانی زبان فرانسه در ایران شایع بود. ولی از روزی که متفقین ایران را اشغال کردند رفته رفته زبان انگلیسی رواج یافت و عمومیت پیدا کرد. چون مترجمان ما اکثراً جوان

هستند طبیعی است که انگلیسی آموخته‌اند .

مترجم فرانسه و آلمانی بطور کلی کم داریم و مترجم زبانهای روسی و عربی بسیار نادر هستند . بهمین میزان توجه باین نوع انتشارات ناچیز است . با در نظر گرفتن این علل، جهت کلی خبرها ، تفسیرهای سیاسی و مقالات سیاسی خارجی دو روزنامه عصر، مغرب زمین و اکثراً اروپای غربی، امریکا و افریقا و پاره‌ئی مسائل آسیائی است بنسبت اهمیت . چنانچه هرگاه حوادثی در کره روی دهد خبرهای سیاسی قاره آسیا در محور آن خواهد بود و یا این روزها که ویت نام خطر روشن کردن جرقه يك جنگ بزرگ را بوجود آورده كفه آن سنگین تر است .

اکنون بدفعات انتشار و طبیعت روزنامه‌های بزرگ عصر

فقط يك مرتبه از این حیث میپردازیم .

در بسیاری از کشورهای اروپائی روزنامه صبح مخصوص انتشار مطالب سنگین سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی همراه با تفسیرهای روز است دربارۀ مسائلی که پیش می‌آید. در عین حال خبرهای شب گذشته نیز در صفحه و در ستونهای مخصوص بچاپ میرسد .

حال آنکه روزنامه‌های عصر بطور کلی دارای جنبه قوی خبری‌اند که نه تنها اخبار داخلی و خارجی را انتشار میدهند بلکه صفحاتی دارند برای هدایت و راهنمایی مردم از نظر احتیاجات پزشکی و تفریحی و امثال آن . مثلاً اگر کسی بیماری دارد میتواند با خواندن ستون مربوطه بیمار خود را به پزشك یا بیمارستان لازم انتقال دهد . یا هر گاه جوانی میخواهد بسینما رود با مراجعه بستون سینما و تأثر فیلم یا نمایشنامه‌ئی را انتخاب میکند و بدان میرود . یا اگر تازه واردی قصد میکند شب را در کاباره‌ای صرف کند این عمل را براحتی با قرائت ستون مربوطه انجام میدهد .

ولسی طبیعت روزنامه‌های عصر ما از این حیث با مطبوعات همساعت اروپائی خود مغایر است . این امر عیب نیست بلکه یکی از مختصات مطبوعاتی محیط ماست .

روزنامه‌های بزرگ عصر در عین حال که خبرهای روز را انتشار میدهند ، و گاه در میزان اخبار لازم بچاپ، بحال و اسباب مختلف امساك

میورزند ، مقالات سنگین و تفسیرها ، بالاخص در باره مسائل خارجی ، نیز چاپ میکنند .

اقدام سنگین آنها سبب شده در وضعی نباشند که بتوانند روزنامه را بیش از یکبار انتشار دهند. مگر آنکه حادثه فوق العاده مهمی روی دهد . و تازه آنها بصورت فوق العاده است و نه يك شماره خاص روزنامه .

طی بیست سال اخیر گمان ندارم فوق العاده‌هایی که هر يك از دو روزنامه اطلاعات و کیهان منتشر کرده‌اند از بیست تجاوز کرده باشد .

شماره فوق العاده در مطبوعات ما آنچنان نشریه‌ئی است که اکثراً در دو صفحه و گاه در چهار صفحه منتشر میشود تا مردم را در جریان آخرین خبر حادثه مهمی که روی داده بگذارد . برای آنکه خوانندگان عادی از آنچه در فوق العاده منعکس شده بی خبر نباشند عین آن با کمی اختلاف در شماره عادی منتشر می‌گردد .

عدم انتشار يك روزنامه در چند نوبت طی يك روز در ایران ، یا بهتر بگوئیم در تهران ، علت‌های دیگر هم دارد که مهمترین آنها اول ضعف بنیه مالی خریدار است و دوم مسئله بیسوادی که در مطبوعات ما بطور کلی اثر بسیار زیاد دارد .

از طرف دیگر عادت مردم بخريد روزنامه نیز از نظر ساعت حائز اهمیت است . چندین سال قبل روزنامه بامشادتشکیلاتی بوجود آورد و ترتیب کار را طوری داد که روزنامه چاپ شده قبل از ساعت دو بعد از ظهر یعنی بهنگام تعطیل شدن ادارات دولتی در اختیار خریدار باشد . ولی این طرح باموفقیت مواجه نگشت و روزنامه بامشاد علیرغم داشتن يك هیات قوی و زرنکه خبری دچار شکست مالی گشت .

روزنامه‌های بزرگ ، شاید بسبب این ملاحظات ، تاکنون اقدامی برای انتشار چند چاپ در روز مبذول نداشته‌اند : گویانکه از لحاظی میتوان گفت که اینها دارای دو چاپ و گاه دارای سه چاپ هستند. زیرا چند هزار اول که مخصوص شهرستانهاست اغلب در صفحات اول و دوم و دو صفحه آخر با آنچه عصرها در تهران انتشار مییابد تفاوت‌هایی دارد و آنها هم بسبب خبرهای تازه‌ئی است که احتمالاً بین ساعت دوازده تا دو بعد از ظهر کسب میشود .

از این رو بعضی از این صفحات تغییر مییابد و چه بسا خبری که مثلاً در صفحه آخر چاپ شده برداشته میشود و خبر تازه تر که مهمتر هم هست جای آن را میگیرد .

موضوع دیگری که از نظر دفعات انتشار باید یاد آور شد اینست که در حدود هشت سال پیش (۱۷ شهریور ۱۳۳۵) روزنامه اطلاعات يك نشریه صبح بهمین نام ترتیب داد .

ولی چون رقیب تازه و ثروتمندی برای روزنامه‌های صبح بوجود آمده بود مدیران آن روزنامه‌ها دست بکار شدند و بهرنحو بود مدیر اطلاعات را از ادامه کار منصرف ساختند: گویانکه اطلاعات صبح با موقعیتی که از آن انتظار میرفت وبا تیراژی که هیات تحریری میپنداشت مواجه نگشت . نشریه صبح اطلاعات اگر اشتباه نکنم فقط چهار شماره منتشر شد .

هريك از این دو روزنامه دارای صفحه مخصوص شهرستانها صفحه شهرستان هستند که برای تهران منتشر میشود . در همان صفحه برای هر شهرستان خبرهای مخصوص آن انتشار مییابد .

بعبارت دیگر ، برای مثال از شماره روز شنبه آنچه به اصفهان میرود صفحه شهرستانش مخصوص اخبار اصفهان است و آنچه به آذربایجان میرود خبرهای استان‌های سوم و چهارم را از نظر خواننده میگذراند .

تا قبل از سال ۱۳۲۰ این کار معمول نبود و تا جایی که نگارنده اطلاع دارد نخستین نشریه‌ئی که صفحات داخلی خود را بر اساس جغرافیائی مملکت تنظیم میکرد روزنامه هفتگی و پریماهوی مرد امروز بمدیریت مرحوم محمد مسعود بود . از آن پس بعضی از روزنامه‌ها از آن تبعیت کردند . برخی از مطبوعات حزبی نیز تا قبل از سال ۱۳۳۲ چنین میکردند .

از نظر تعطیلات باید گفت که روزنامه‌های عصر همه روزه تعطیلات بااستثنای جمعه منتشر میشوند . تعطیلات بزرگ و مهم نیز

روز استراحت عده‌ئی از اعضاء هیات تحریری است زیرا روزنامه اطلاعات و کیهان در بعضی از ایام تعطیل عمومی بااستثنای جمعه نیز انتشار مییابند . ایسن عمل گاه جنبه تجلیل از آن روز را دارد . ولی بالمآل مسئله مالی امروز آگهی‌هایی که باید انتشار باید در آن بی‌اثر نمیتواند باشد .

چنانچه گذشت ، علاوه از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان دو روزنامه دیگر هم عصرها در تهران منتشر میشود که بترتیب حروف الفبا عبارتند از پست تهران و پیغام امروز .

با اینکه در این کتاب توجه خاص بیک روزنامه و یا مجله‌ای نشده است ، ولی قدرت مقاومت این دوشریه همزمان اطلاعات و کیهان بادورقیب ثروتمند و پرامکان ، الزام یک بحث کلی وزود گذر را درباره آنها دیکته میکند .

از زمانی که همکاری دسته جمعی مسعودی‌ها در مؤسسه

پست تهران اطلاعات پایان یافت ، محمدعلی و قاسم مسعودی جبهه جدا

گرفتند و در فرصتی که مناسب یافتند ، یعنی سیام‌امرداد

۱۳۳۲ دوز بعد از حوادث ۲۸ امرداد ، نخستین شماره روزنامه خود را

بنام پست تهران انتشار دادند .

هفته اول بعد از ۲۸ امرداد ، تهران از حیث روزنامه خالی بود چندین

روز حتی اطلاعات و کیهان هم منتشر نشدند . میدان برای روزنامه پست تهران

باز بود ، بطوریکه تیراژش در آن ایام تا تقریباً ۲۵ هزار نسخه در روز

رسید . ولی از وقتی که دو روزنامه مزبور مجدداً انتشار یافتند و بعد از مدتی یک

رقیب کوچک قطع دیگر یعنی پیغام امروز ، بجراید عصر افزوده شد رقم فوق

قوس نزولی پیمود . روزنامه پست تهران را خیلی‌ها تصور میکردند یارای

ایستادگی در برابر رقیب‌های سرسختی مثل دو روزنامه بزرگ عصر نخواهد

بود . اما چون این روزنامه برای مسعودی‌های انشعابی جنبه حیثیت دارد

لذا بحفظش کوشیدند و علیرغم ضررهای سنگین مالی طی ده دوازده سال

اخیر نگاهش داشته‌اند .

روزنامه پست تهران بارها حرکتی از خود نشان داده و دست‌با بتکاراتی

زده ولی چون قدرت ایستادگی برای ادامه این ابتکارات وجود نداشته‌لذا

استفاده واقعی از آنها در جهت توسعه روزنامه و افزایش تیراژ بهیچ وجه

بعمل نیامده است .

از نظر صفحات باید گفت که با چهار صفحه شروع شد . سال دوم

به هشت صفحه افزایش یافت و بتدریج تا دوازده صفحه هم رسید . اما باز

کم شد و به چهار صفحه محدود گشت . اکنون در هشت صفحه منتشر میشود .

در سال ۱۳۳۶ روزنامه پست تهران مجله‌ئی بهمین نام منتشر کرد ولی بیش از ده شماره بیرون نداد. گویا بعزت عکسی که روی جلد چاپ کرده بود توقیف شد و دیگر کسی بفکر انتشار مجدد آن نیفتاد.

ابتکار دیگر روزنامه پست تهران این بود که مدتی هفت شماره در هفته منتشر میشد. عصر روزهای جمعه شماره مخصوص میداد و صفحات را تا بیست هم رساند. ولی این يك نیز در محاق تعطیل افتاد.

قاسم مسعودی که مردی دوست‌یاب است اغلب بتقاضای جوانانی که آرزو داشته‌اند نشریه‌ئی بوجود آورند جواب مثبت داده است. در نتیجه مجله‌های جدول و داستان ادبی و نشریه مخصوص دخترها و پسرها و امثال آن بصورت ضمیمه پست تهران، طی ده سال اخیر، منتشر شد. از این‌ها هم هیچ يك مداوم و منظم نبود و همگی تعطیل شد.

ولی مسلمست که این جریان‌ها در جهت مثبت افتخاری برای روزنامه پست تهران بشمار نمیرود. تعطیل شدن هر يك را عده‌ای بعنوان نشانی از عقب‌نشینی تدریجی پست تهران تلقی میکنند.

از ابتکارات جالب روزنامه پست تهران انتشار روزنامه‌ئی بود بهمین نام بزبان انگلیسی. چند تن از جوانانی که در امریکا تحصیل کرده بودند بانتشار آن پرداختند. ده پانزده شماره اول بیشتر خنده دار بود تا جدی. منظور طبیعت مطلب نیست. بلکه مثلاً چاپ شدن حروف انگلیسی از راست بهچپ و یا اغلاطی که از درهم بودن حروف بوجود می‌آمد سبب تفریح خواننده میشد. رفته رفته خوب شد، اما نتوانست از نظر فروش برای خود جا باز کند و بسر نوشت سایر نشریات مستقیم یا ضمیمه پست تهران دچار گردید. روزنامه پست تهران با چاپخانه و هیأت تحریری و یکصد و يك نمایندگی در شهرستانها که دارد اگر صبحها منتشر میشد براحتی میتوانست موفق باشد.

از نظر فروش باید گفت که در تهران خریدار زیاد ندارد، ولی وضعیت در شهرستانها بهتر از پایتخت است.

علت عدم موفقیت آن در تهران بی‌نظم بودن ساعت انتشار و محدود بودن منطقه توزیع است. و چون از زمانی که شروع شد تا بحال تعداد

زیادی رئیس هیات تحریری عوض کرده و اعضاء هیات تحریری آن به استثنای دو یا سه نفر مرتب تغییر یافته‌اند لذا به اصطلاح معروف گل نکرده است. روزنامه پست تهران را تا حدی آبونمان‌های آن، بیشتر در شهرستانها نگاهداشته است و تعداد قلیلی از شماره‌های آن بوسیله پست به اروپا برای دوستان مسعودی فرستاده میشود.

مندرجات پست تهران را به صفحات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مطالب روز و صفحه شهرستانها میتوان تقسیم کرد.

صفحه اقتصادی آن از سایر صفحات قوی‌تر و مطمئن‌تر است. صفحه شهرستان آن از نظر سرعت خبر از صفحه رقیب خود در دوروزنامه اطلاعات و کیهان پیش است.

از چهار روزنامه یومیه عصر، روزنامه پیغام امروز در

پیغام امروز

حالیکه از لحاظ قدمت و تیراژ قابل قیاس با اطلاعات

یا کیهان نیست در ردیف پست تهران هم قرار نمیگیرد.

نخستین شماره آن سوم بهمن ۱۳۳۸ در هشت صفحه (قطع ۳۰ در

۲۴ سانتیمتر) انتشار یافت و تاکنون بهمان اندازه، روش و نسق مرتباً منتشر شده است.

خوانندگان آنرا گروه خاصی تشکیل میدهند. اوائل انتشار در

دانشگاه و بخصوص نزد جوانان جای مناسبی برای خود باز کرده بود. نشریه

هفتگی آن در تابستان ۱۳۴۱ که در حدود شش ماه با فواصل زمانی نامنظم

انتشار مییافت در این امر نقش مؤثر بازی کرد.

پیغام امروز را شاید بتوان يك مطبوعه پاسیفیست، ولی نه بمفهوم محدود

کلمه، دانست. از نظر سیاست داخلی لیبرال و تا حدی رک گوست. سرمقاله

های آن اصولی‌تر از سایر روزنامه‌های عصر است. گو اینکه اطناب در

آن زیاد بچشم میخورد ولی بهر حال در هر شماره هدف و منظور خاصی را

مطرح و توجیه میکند.

تفسیرهای سیاسی آن را خوانندگان پیغام امروز مهمترین قسمت

روزنامه میدانند. اکثر قریب باتفاق آن دور محور خاورمیانه و مسائل مربوط

بآن است. در این قسمت، از نظر سیاست خارجی مستقل است و چون ملاحظات

سایر روزنامه های عصر را ندارد با در نظر گرفتن کلیات و اصول مملکتی بی پروا تر قلم میزند .

تیراژ آن بطور کلی در سطح معین باقی مانده ولی از زمان انتشار تا کنون چند شماره در ۱۲ هزار و دو یا سه شماره را حتی تا بیست هزار نسخه بچاپ رساند . معذک در حال عادی از این حیث همطراز بعضی از روزنامه های صبح تهران است .

از لحاظ تقسیم بندی مطلب میتوان آنرا بطور متوسط بدین شرح مجسم کرد: سرمقاله ۰/۲۵ - تفسیر سیاسی تحت عنوان پنج پنج ۰/۲ - خبر های اقتصادی ۰/۶ - خبر های داخلی حداکثر ۰/۴ - خبر های جهان ۰/۲ - اخبار مخصوص استان فارس ۰/۶ و بقیه را تا حدی مطالب کوتاه توأم با آگهیها تشکیل میدهد .

در گذشته، پیغام امروز دوره های متنوع داشت همراه با يك هیأت تحریری خوش ذوق ، اگر چه متغیر . ولی هر چه بیشتر فشار مالی زیاد شد از تنوع مطلب و بحث های هنری و فلسفی و اجتماعی آن کاسته گشت تا حدی که امروز هیأت تحریری آن را يك گروه سه نفری مرکب از مدیر ، سردبیر و خبرنگار تشکیل میدهد . ولی گاه مقالاتی از غیر این سه نفر در روزنامه بچاپ میرسد که اختلاف سبک نویسندگی و نوع انشاء مؤید این حقیقت است . در این روزنامه گاه فانتزی نویسی جای جدی نویسی مطالب اصولی را از لحاظ سبک میگیرد . بعبارت دیگر مسائل جدی روز بظن نمودار میگردد که جالب است و نشانی از ذوق سردبیر .

هفته نامه ها

هفته نامه های ایران مولود حوادث بعد از شهریور ۱۳۲۰ هستند که در سالهای اول اشغال ایران از طرف نیروهای متفقین ، آرام بوجود آمدند ، و بناگاه زیاد شدند .

انتشار آنها علل مختلف دارد که اهم آن احساس احتیاج بوجود این نوع مطبوعات بود از طرف کابینه های وقت : بمنظور مبارزه بسا مخالفین و ابراز وجود در جبهه گیری و جبهه سازی برابر ایشان .

هر کابینه ای که روی کار می آمد بچند دوست خود اجازه انتشار روزنامه مبداد . کابینه میرفت ، ولی روزنامه باقی میماند . بدین سبب تعداد هفته نامه تا نیمه اول مرداد ۱۳۳۲ بنهایت درجه خود رسید .

بعد از ۲۸ مرداد آن سال نیز متدرجاً تعداد قابل ملاحظه ای هفته نامه انتشار یافت ، تا اینکه جهانگیر تفضلی ، سه نوز روز پیش که وزارت اطلاعات را بر عهده داشت ، در حدود ۷۰ روزنامه را تعطیل کرد . اکثریت رادر جمع آنها ، هفته نامه ها داشتند .

فعلا این هفته نامه ها در تهران انتشار مییابند : اتحاد ملی - اتحادیه - اراده آذربایجان - بامشاد - پیک ایران - تاج ورزشی - توفیق - جوانمردان - دنیا - دیپلومات - سحر - فردا - کیهان ورزشی - ندای حق .

هفته نامه های تهران را بدو گروه مشخص می توان تقسیم کرد . (۱) مطبوعات چهار تا هشت صفحه ای که از لحاظ ظاهر شبیه روزنامه های یومیه اند . (۲) هفته نامه های بیش از چهار صفحه .

گروه اول يك سرمقاله دارد ، به تفسیرهای سیاسی و

گروه اول

حوادث جهان توجه نمیکند و متقابلاً جا را بمطالب داخلی

میدهد. چه بسا که در هر شماره یکی دوستون به خطرات

آخرین مسافرت مدیر اختصاص دارد ! زیرا مدیران این نوع روزنامه‌ها

اکثراً آزادتر از سایر مدیران جراید هستند بهمین سبب راحت‌تر میتوانند

دعوت سفارتخانه‌ها و مؤسسات خارجی را برای بازدیدهای مطبوعاتی

بپذیرند .

در این گروه غالباً خبرهائی بچاپ میرسند که روزنامه‌های یومیه تهران

بدان توجهی ندارند و یا اگر هم خبری در طراز مطبوعات روزانه بچاپ

رسانند با تفسیر و مفصل‌تر است . بعبارت دیگر زمان بآنها اجازه میدهد

که برای خبر خود زمینه کافی بدست آورند . این سلسله خبرها معمولاً تحت

عناوین مختلفی چون « شنیدنیها » « میگویند » « آیا میدانید » و امثال آن

قرار میگیرد .

از این گروه هر يك ، یکی از خبرهای جنجالی هفته را میگیرد و

بزرگ میکند. بهمین سبب میتوان گفت علیرغم این حقیقت که هفته‌نامه‌ها از حیث

جا يك پنجم روزنامه یومیه دستش باز است ولی در مقابل خبرهای مخصوصش

جامع و جمیع و جمع و جور است !

صفحه بندی هفته‌نامه‌های گروه اول تقریباً يك نواخت است . تیتراها

در بعضی‌ها خیلی درشت و بین چهار تا حتی هشت ستونی دیده میشود. در بعضی

دیگر اساس صفحه بندی برج زدن است که خواننده را از خود فراری میدهد.

خوانندگان این نوع هفته‌نامه‌ها گروه مخصوصی هستند

خواننده و فروش که از نظر سن میتوان آنها را بین ۳۵ تا چهل بیابالا

دانست . جوان‌ها بطور کلی باین نوع روزنامه توجه زیاد

از خود نشان نمیدهند .

از نظر فروش باید گفت که سهم روزنامه فروش در عرضه کردن بعضی

از آنها بسیار است. گاه دو سه نفر با هم در خیابان براه میافتند و با فریاد -

های پی‌درپی برای عناوینی چون اعلامیه دولت - حادثه در فلان محله -

مقررات جدید نظام وظیفه و امثال آن توجه عابریں را بخود جلب میکنند.

این گروه از هفته‌نامه‌ها معمولاً به قتل و آدم‌کشی توجه نسبی دارند. بعضی از آنها سعی میکنند به مقالات خود روح سیاسی بدهند. میزان عکس در آنها هم از نظر تعداد و هم از حیث وسعت، بسیار کم و ناچیز است. در این جمع، هفته‌نامه اتحاد ملی برای تجسم جنبه‌ها نمونه گروه و دریافت نسبت مطالب با یکدیگر انتخاب شده است.

هفته‌نامه اتحاد ملی در شش صفحه بقطع 35×57 سانتیمتر و هر صفحه هشت ستون انتشار مییابد. صفحات اول و آخر آن در قسمت فوقانی و گاه در سمت راست حاشیه‌ئی رنگی بصورت متن دارد.

در صفحه اول، سمت چپ نام روزنامه، خلاصه مهم‌ترین مطالب هر شماره با حروف درشت بچاپ میرسد. این خلاصه معمولاً طوری انتخاب میشود که خواننده را بیافتن اصل خبر و خواندن آن راغب سازد.

نسبت مطالب و مقالات بدین شرحست: سرمقاله 0.7% - خبرهای تفسیر شده 0.15% - شنیدنیها 0.3% - مقالات مختلف که گاه بنوبه خود نوعی تفسیر جریان‌ات مملکتی است 0.27% - آگهی 0.48% .

در مقام قیاس با روزنامه‌های روزانه، باید گفت که هفته‌نامه‌ها آگهی دولتی بیشتر میگیرند. و میزان آگهی دولتی بستگی بنفوذ مدیر و برش روزنامه او دارد. صدی‌نود آگهی‌های این هفته‌نامه‌ها دولتی است و بقیه آگهی‌های ملی متعلق بتجارخانه‌ها و مؤسسات فروشنده. در بین این گروه جنبه سیاسی روزنامه دیپلمات و اراده آذربایجان زیاد است.

در پایان این قسمت باید گفت که هر يك از این هفته‌نامه‌ها فورم و شخصیت مخصوص بخود دارد. چنانچه خبرهای سیاسی دیپلمات - تفسیرهای مخصوص اراده آذربایجان - خاطرات مدیر هفته‌نامه دنیا - مطالب فرهنگی هفته‌نامه فردا - مقالات ادبی پیک ایران در جمع هفته‌نامه‌های گروه يك تقسیم بندی ما کم نظیر است.

هفته‌نامه اتحادیه نیز خبرهای مربوط به کارمندان جزء و افراد پلیس و رفتگران را چاپ میکند، زیرا خود را ارگان اتحادیه این صنوف دولتی اعلام کرده است.

با تمام این احوال بعضی از هفته نامه‌ها بطور کلی در وضعی قرار دارند که انتشار و عدم انشار آنها از نظر مردم بی تفاوت است .

هفته نامه‌های این گروه بواقع حدفاصلی هستند بین روزنامه-

گروه دوم های یومیه و مجلات هفتگی. تعریف عمومی که کشورهای

مترقی از هفته نامه دارند در مورد آنها صادق است

گواینکه گاه بسبب نوع مطالبی که درج میکنند و گاه بعلمت شکلی که بظاهر خود میدهند میتوان عنوان موقت دیگری بآنها داد .

در بین مطبوعات ، این گروه بیش از سایر همکاران خود در فکر-

پیشرفت و تنوع هستند : هم از حیث ظاهر و صفحه بندی وهم از حیث مطلب ،

این امر شاید یکی از علل ایجاد محبوبیت برای آنها باشد .

هفته نامه‌های گروه دوم در عین حال بطور کلی تخته پرش نویسندگان

و شعرای جوان هستند ، برای ترقی و شهرت . زیرا چه بسا که مسئله‌ای را

میگیرند و با چاپ یکی دو مقاله ایجاد بحث می کنند . اینگونه اقدامات

گاه با اصطلاح مطبوعاتی سروصدای زیاد بوجود می‌آورد . بطوریکه نه فقط از

شهرها بلکه بعید نیست از دهات دور افتاده نیز برای سردبیر نامه برسد و

آموزگاری که در گوشه‌ئی نا آشنا بتدریس مشغول است از ابراز عقیده در-

باره بحث کوتاهی نورزد . این نوع بحث‌ها معمولا بین شعرای جوان و نو-

پرداز و همچنین درباره شخصیت‌های غیر سیاسی معاصر بیشتر مشاهده میشود .

هفته نامه‌های گروه دوم از نظر نوع مطالب بیشتر باین

مسائل و مطالب مسائل توجه دارند : مسائل اجتماعی و روز- مسائل سیاسی

و مهم جهان - هنر (شعر و عکاسی و نقاشی و تئاتر) و

مسائل داخلی . این گروه از روزنامه‌های هفتگی بطور کلی سعی دارند جریانات

فرهنگی اروپا را نیز بایران بشناسانند .

مجلات اروپائی و کتبی که در این زمینه بایران میرسد از منابع مهم

آنها در این قسمت است زیرا اغلب به ترجمه و بچیت درباره آنها میپردازند .

بطور کلی میشود گفت سیاست و هنر دو نقطه مهم توجه اینگونه نشریات

است، و چون غالباً بدست گروه جوان اداره میشود ، مستند بارقام و

حقایق است .

در هفته‌نامه‌های این گروه، در مقام قیاس با گروه اول شعر بیشتر به چاپ میرسد. صدی ۷۵ اشعار، آثار شعرای جوان و بالاخص نوپردازان است. هر يك از این نوع هفته‌نامه‌ها دوتا سه نویسنده مشخص دارد که بعنوان ستون نشریه به حساب می‌آیند و بقیه صفحات هفته‌نامه را نویسندگان مختلف پرمیکنند که، همانند شماره‌های نشریه، متنوع اند.

از نظر خواننده باید گفت که نوع مطالب و بالاخص مقالات سیاسی و هنری، توأم با نحوه صفحه بندی و سلیقه‌ای که در آن اغلب از طرف سردبیرها بکار میرود گروه جوان را بخود جلب میکند. از نظر طبقه بندی سن خواننده میشود گفت افراد کمتر از چهل ساله مشتریان دائم هستند و بخوبی درک میشود که چون فردی يك شماره را خرید خریدار شماره‌های آینده نیز میشود.

ولی عیب بزرگ و عمومی این گروه آنست که تشکیلات شهرستانی آنها از نظر توزیع بسیار ضعیف است. توزیع آنها در خارج از تهران یا بوسیله پست است و یا توسط نمایندگان مجلات هفتگی که در استان ها دارای سابقه نمایندگی و توزیع چند ساله اند.

صفحه بندی و بطور کلی «میزان پاژ» این گروه مطبوعات نو و جوان پسند است. قطع، غالباً شکیل و کوچکتر از روزنامه‌های روزانه یا هفتگی است. با اینکه عکس زیاد ندارند ولی متقابلاً طرحهای متناسب و کلیشه‌های تزئینی صفحات را طوری جلوه میدهند که خواننده از مشاهده صفحه و قرائت مطلب احساس خستگی نکند.

در این گروه هفته‌نامه بامشاد برای نشان دادن مطالب و نسبت نمونه گروه آنها برگزیده شده است.

قطع، ۲۹×۴۲ سانتیمتر. دارای شانزده صفحه که هر صفحه هفت ستون دارد. چهار صفحه داخلی روزنامه مخصوص آگهی-های دولتی و ملی است. از نظر ستون باید افزود که تمام صفحات يك نواخت نیست، و بنسبت اشبون، برخی از صفحات چهار یا پنج ستونی دیده میشود. این هفته‌نامه بعد از هر ده شماره شکل تازه‌ای بصفحه اول و تا حدی بنوع مطالب خود میدهد.

واقعی که صحیحه قتل کنایه آنکه ارشد

[illegible]

در تار و پود استایلینسبیو همان حرفهای تکراری ما

در صفحه اول، از اغلب محتویات مهم هفته‌نامه با تیترهای ریز و درشت یاد میشود. سرمقاله غالباً در يك ستون در انتها الیه سمت راست روی يك تومپلات رنگی قرار میگیرد. سمت چپ، نیمه پائین به يك کاریکاتور سیاسی اختصاص دارد و معمولاً همیشه یکی از کارهای محسن‌دولو کاریکاتوریست معروف ایران دیده میشود.

از نظر نسبت مطالب بیکدیگر این ارقام را حد متوسط میتوان پنداشت، گوايند گاه يك مطلب مهم هفته ممکنست جای بیشتری بخود اختصاص دهد و از نسبت سایر مطالب بکاهد: سرمقاله ۰/۰۲ - عکس ۰/۰۷ - شعر ۰/۰۳ - تفسیر مسائل سیاسی ۰/۰۹ - بحث درباره مکتبهای سیاسی و اجتماعی جهان ۰/۰۶ - خلاصه جریانات مجلسین شورا و سنا سواى آنچه در روزنامه‌های یومیه میآید ۰/۰۶ - معرفی شخصیت‌های خارجی و یا مقالات و کتب و آثار آنها ۰/۰۸ - کاریکاتور ۰/۰۹ - مطالب ورزشی اکثراً بصورت بحث‌های انتقادی ۰/۰۲ - مسائل اجتماعی ۰/۰۸ - مسائل فرهنگی بخصوص راجع به ایران گاه بصورت حاد و انتقاد مستدل ۰/۰۱۸ - بررسی مطبوعات خارجی ۰/۰۳ و بقیه را مطالب متفرق و آگاهی تشکیل میدهد. صفحه آخر بامشاد بکاریکاتور-های جالب درباره مسائل سیاسی و اجتماعی روز، گاه همراه با يك شعر در وضع روز اختصاص دارد.

مجلات هفتگی

در ایران بیست و سه مجله هفتگی منتشر میشود که فقط سه مجله آن متعلق به شهرستانهاست. تقسیم آنها به مجلات تهران و مجلات شهرستانها مفهومی نمیتواند داشته باشد. آنچه در ایالات بچاپ میرسد کم و بیش، ولی در سطحی پایین تر، نظیر مجلات هفتگی پایتخت است. از اینرو با تجزیه و تحلیل هفتگی های تهران مسائل مربوطه شهرستانها را نیز خود بخود مورد بحث قرار داده ایم.

مجلات هفتگی جای لازم خود را در اجتماع بدست آورده وعده ای از آنها، بخصوص مجلات مخصوص خانواده، در محیط خود مستقر شده اند. این نوع مجلات اکثراً در درجه اول وسیله سرگرمی و گذراندن وقت هستند. جنبه های سیاسی و یا اجتماعی آنها در مرحله بعد قرار میگیرد. قبل از گروه بندی مجلات باید دانست که بطور کلی نه مردم از يك مجله به تنهایی راضی اند و نه مدیران و اعضاء هیأت تحریری با آنچه انتشار میدهند قانع.

در محافل مطبوعاتی که بنشینید ملاحظه میکنید که از تقلیل تدریجی تیراژ مجلات نسبت بده سال قبل صحبت میشود. حتی میپرسند در حالیکه تعداد باسوادان کشور نسبت با زمان افزایش یافته چرا باید از تیراژ مجلات کاسته شده باشد؟ در اینصورت آیا مجلات ماقوس نزولی می بینمایند؟ جواب نگارنده باین سؤال آنست که در چنین موردی نباید تیراژ هر مجله را به تنهایی مورد توجه قرار داد. بلکه درست آنستکه تیراژ کلی را منظور کنیم.

یعنی ببینیم مثلاً تهران امروز نسبت به چند سال قبل چند مجله بیشتر دارد . در این موقع است که رقم جالب یعنی افزایش نسبی بدست میآید .

در شرایط عادی و محیط آرام تیراژ ثابت میماند . زیرا خبر حاد و جنجالی برای بحث و نشر کمتر یافت میگردد . ولی اینراهم نمیتوان تصدیق نکرد که هیچ يك از مجلات هفتگی ما تا بحال یا بصرافت نیفتاده ، و یا نتوانسته در يك جریان طویل‌المدت «تث» خاصی را بمردم عرضه دارد ، و بدین ترتیب تا حد قابل ملاحظه تیراژ خود را زیاد کند و از دیگران پیشی گیرد . بخوبی میشود درباره هر يك از این عبارات يك رساله

گروه بندی نوشت ولی هدف نگارنده تذکر نکات در هر چند جمله است . تفسیر را برعهده آنهایی میگذارم که فرصتی بیشتر

دارند و مایل به اطناب .

مجلات هفتگی تهران ، از حیث موضوع ، باین شرح گروه بندی میشوند . مجلات هفتگی - کودکان - اقتصادی - بانوان - آنهایی که ژست سیاسی دارند - سینمایی و بالاخره مجلات عمومی که عبارت مجله خانواده تا حدی در مورد بعضی از آنها مصداق دارد .

مجلاتي که در هفته منتشر میشوند زیر یکی از این تقسیم بندیها قرار میگیرند باستثنای خواندنیها که در هفته دو نوبت منتشر میشود و وضع خاص آن اجازه میدهد جداگانه بآن پردازیم .

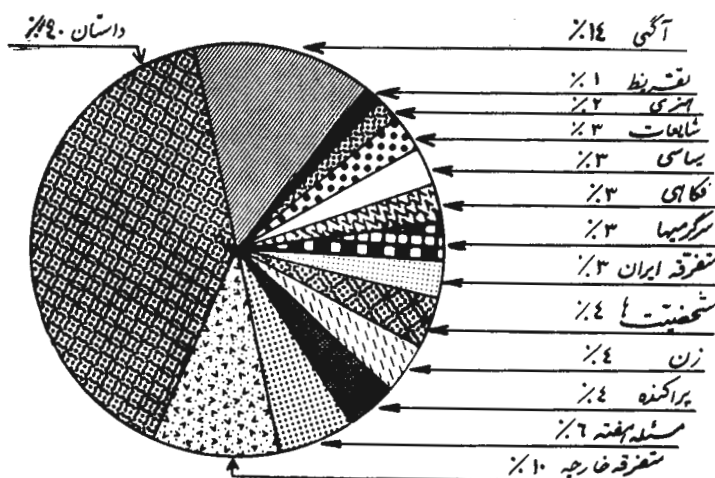
از نظر جنبه‌های ظاهری میشود گفت مجلات هفتگی بقطع‌های کوچک (مجلات کودکان) متوسط (بانوان و اقتصادی) و بزرگ (عمومی، خانواده و سیاسی) منقسم‌اند . تعداد صفحات باگذشت زمان در تمام آنها متدريجاً روبافزایش است . زیرا مجلات ما یکی از عوامل رقابت را افزودن صفحه میپندارند ، حال آنکه این امر از يك طرف سبب میشود مطالب درجه‌سه و یا بقول سردبیرها «صفحه‌پرکن» زیاد شود ، و از طرف دیگر بدبینی‌خواننده را بوجود آورد . زیرا وجود اینگونه مطالب ارزش مجله را تقلیل میدهد و از نظر اقتصادی خواننده را وادار باین تفکر میکند که مجلات باید قاعدتاً سود سرشار ببرند که این چنین براحتمی بر صفحات خود میافزایند ، بدون آنکه قیمت تکفروشی را زیاد کنند .

روی جلدها بلااستثناء رنگی است . حتی مجله جیبی مشیر
 نیز راضی نیست روی جلد يك رنگ داشته باشد . عكسهای
 روی جلد کم و بیش یکنواخت و موسمی است بدین معنی
 که مدتی همه آنها عکس هنرپیشه‌ها را روی جلد می‌گذارند . مدتی بتصویر
 زنان زیبا توجه میکنند و زمانی ممکنست تلفیقی از حوادث هفته مربوط بمقاله‌ئی
 که در باره آن دارند بچاپ رسانند . در جمع مجلات هفتگی ، روی -
 جلد های فردوسی و تهران صورت بیشتر از سایرین با مسائل سیاسی روز منطبق است .
 مسئله همانندی نسبی روی جلد نکته‌ئی است از يك حقیقت بزرگ دیگر .
 بدین معنی که مجلات بطور کلی از نظر محتوی نه زیاد بدنبال خواننده و میل
 آنها هستند ، و نه چنانکه گفته شد « تز » مشخصی دارند که خواننده را
 بدنبال کشند . بلکه همینکه يك هفته مجله‌ای مطلبی نوگذازد از هفته بعد
 دیگران تعقیبش میکنند . یا عبارت دیگر تقلید در مرزهای محدود مجلات
 دوران تسلسل دارد . بهمین علت ظاهری هم هست که عده‌ئی میگویند مجلات ما
 یکنواخت و خسته کننده اند .

محتوی مجلات هفتگی را ، صرف نظر از يك تقسیم بندی عمومی
 در باره ایران و خارجه ، از لحاظ موضوع باین شرح
 میتوان تقسیم کرد . سرمقاله - خبرها و تفسیرهای سیاسی
 ایران و خارجه - مطالب هفته - داستانهای مسلسل - ناول هفته - شایعات -
 بانوان - ترجمه‌ها - شعر و ادب - ورزشی - سینمایی - سرگرمی‌ها و مسابقات -
 پاسخ بنامه‌های خوانندگان - آگهی و مطالب « صفحه پرکن » .
 از نظر موقعیت مطلب در هر شماره بطور کلی میتوان گفت که صفحات
 وسط مخصوص داستانها است - صفحات اول را شایعات - اکثراً سیاسی -
 خبرها و مطالب هفته تشکیل میدهد و سایر مطالب در بقیه فورمها به تشخیص
 و سلیقه سردبیر پخش میشود . تفسیرهای سیاسی یا در صفحات چهارم و پنجم
 و یا در دو صفحه ماقبل آخر میآید .

روی جلد عکس رنگی و پشت جلد اکثراً يك آگهی بزرگ رنگی تجارتي
 است . در جمع مجلات فقط اطلاعات هفتگی است که مرتباً یکی دو تابلوی
 نقاشی رنگی در داخل بخواننده میدهد . بقیه نیز گاه فصلی و اغلب سالی

نمودار مندرجات یک مجلهٔ فرهنگی تبلیک نوع



یکبار چنین میکنند ، زیرا هزینه زیاد بر میدارد .
 میزان عکس نه فقط در تمام شماره‌های يك مجله ثابت نیست بلکه
 نسبت آن نیز در مورد مجلات مختلف متفاوت است . معمولاً مجلات بزرگ -
 قطع عکس‌های بیشتر دارند تا آنهایی که از حیث قطع کوچک‌اند .
 باستانهای داستانهای مسلسل ، کلیه مطالب معمولاً مصور و چند عکسی
 است . امکانات مالی مجله در این امر نقش بزرگ دارد . جالب اینست که
 باستانهای تصویر شخصیت‌ها ، هیچ عکسی دوبار حتی برای یکسال تکرار نمیشود .
 منبع ترجمه‌ها مجلاتی است که همه هفته از اروپا و
 منابع ترجمه امریکا می‌رسد . نکته قابل ملاحظه آنکه چون منابع مشترک
 است گاه اتفاق می‌افتد عکسی را مثلاً از مجله پاری ماچ
 ویا لایف دو مجله چاپ میکنند ، ولی با زیر نویس‌های متفاوت . زیرا یا
 یکی از دو مترجم مفهوم اصلی زیر نویس اصلی را درک نکرده ویا دیگری

خواسته ابتکار بخرج دهد و لذا آنرا بخیال خود بمذاق ایرانی تغییر داده است. این اختلاف در متن ترجمه مقالات نیز به چشم میخورد. در مورد سایر مطالب باید گفت که تهیه رپورتاژ از وقایع هفته معمولاً تیراژ میآورد. ولی داستانهای مسلسل و نول هفته است که آن تیراژ را نگاه میدارد.

طنز نویسی در مجلات هفتگی تهران تعمیم ندارد و مخصوص طنز، سیاسی چند مجله است، بیشتر بدان سبب که نویسنده این سبک زیاد نیست. آنچه فعلاً مشاهده میشود اکثراً از خسروشاهانی است که خواننده بسیار دارد، گویانکه بهنگام صحبت از این بحث - هر قدر هم کوتاه - نمیتوان در تاریخ طنز نویسی مطبوعاتی معاصر از اشخاصی چون ایرج پزشک‌زاد - اسمعیل پورسعید - پرویز خطیبی و مهدی سهیلی یاد نکرد. در این جمع نوشته‌های ایرج پزشک‌زاد در گروه تحصیل کرده‌ها و روشنفکران محبوبیت دارد. نخستین آثار اسمعیل پورسعید طبقه خاصی از اجتماع را که سابقاً لوطی عنوان میشدند بصورت قهرمان داستان درآورد.

در تفسیرهای سیاسی برای مجلات، متخصص فن یا بعبارت دیگر کسی را نداریم که در این رشته تحصیل کرده باشد. آنهایی که بهچنین کاری دست میزنند اکثراً بدنبال ذوق و روشن بینی خود رفته‌اند و بر اثر ترجمه و قرائت مجلات خارجی بیش از دیگران واردند. از این گروه میتوان از فرامرز برزگر - تورج فرازمند، منوچهر کمالی و تا حدی فرج‌اله صبا یاد کرد. ولی اشخاص دیگری هم هستند که برای مجله خود تلفیقی از نشریات خارجی تحت عنوان مسائل سیاسی هفته تهیه می‌کنند. از روزی که مجله‌های تایم و نیوزویک در تهران بازار مساعد یافت کار اینگونه افراد راحت شد.

در امر مطالب خارجی مجلات باید دانست که از حیث موضوع نشریات ما با نشریات خارجی در ظاهر تفاوت ندارد. زیرا مجلات ما آئینه فارسی آن نشریاتند. اما اکثراً آئینه‌ای کدر و یا شکسته. زیرا در درجه اول ترجمه‌ها اکثراً دقیق نیست، و در مرحله بعد چون تعداد صفحاتی که مجلات ما میتوانند بآن مطالب اختصاص دهند محدود است لذا اغلب دیده میشود سروه مطلب را هم میاورند. معالوصف در مورد رپورتاژهای بزرگ

و مصور که در بعضی از مجلات هفتگی کشورهای غربی ظاهر میشود، مجلات ما استثنائاً سعی میکنند اصالت را حفظ کنند.

داستان‌ها، بطور کلی اعم از مسلسل یا کوتاه، که در اصطلاح **داستان کوتاه** مطبوعاتی مانوول عنوان شده، ستون اصلی مجلات هفتگی را تشکیل میدهد. معذک توجه مجلات باین امر یکسان

نیست. چنانکه سپیدوسپاه بیش از سایر همکاران بآن اهمیت میدهد. مجله بسبک کنونی از سالهای بلافاصله قبل از جنگ بین‌المللی دوم در تهران آغاز شد. اگر حافظه یاری دهد باید بگویم که نخستین مجله در این امر «راهنمای زندگی» بود که بدنبال آن اطلاعات هفتگی آمد.

از آن زمان تاکنون داستانها بطور کلی دستخوش چند تحول قابل ملاحظه قرار گرفته، در سالهای اول سردبیرها فقط نوول‌هایی رامیپذیرفتند که از مجلات خارجی ترجمه شده باشد. بعد از چند سال داستانهای فارسی مورد قبول بود. آنگاه داستان‌هایی سبک شد که نویسنده‌اش ایرانی باشد ولی اسامی قهرمانان فرنگی! بعد ترجمه مدروز شد، اما در یک حدمشخص و محدود. بالاخره بوضع کنونی رسیده که اکثریت را نوشته و آثار نویسندگان ایرانی تشکیل میدهد؛ با در نظر گرفتن این حقیقت که نوول‌های ترجمه شده نیز خواننده قابل ملاحظه دارد.

از نظر گروه بندی خواننده باید گفت که داستان‌های مسلسل **خواننده و موضوع** را اکثراً اشخاص بیشتر از چهل ساله و خانم‌ها میخوانند. جوانان طرفدار نوول هستند.

از نظر موضوع میتوان افزود که جنبه‌های بدبینی در داستانهای کوتاه بسیار زیاد و قوی است و چون خوانندگان این نوع آثار اکثراً جوان‌ها هستند لذا در این راه نوعی گمراهی تدریجی بوجود میآید. با چند معلم انشاء دبیرستانها که صحبت میکردم اذعان داشتند نوول‌های مجلات اثر محسوس در انشاء دانش آموزان دارد.

نوول‌ها بطور کلی دارای يك «تم» اصلی است که رفته رفته خسته کننده شده، گو اینکه ممکنست برای هر نسلی که بالامیآید تنازگی داشته باشد. مضمون داستان‌ها بدو گروه منقسم است: یکی اصیل و دیگری بقیه که یا اقتباس شده

از فیلم‌هاست، یا نول‌های خارجی و یا آنکه نویسنده مضامین داستان‌های سالهای گذشته را میگیرد، تغییراتی در آن میدهد و آنگاه برشته تحریر میکشد. داستانهای اصیل ایرانی را که طی سه یا چهار سال اخیر عده بسیار محدودی از نویسندگان عرضه میکنند باید از

مشکل

گروه دوم کاملاً مجزا دانست. تردیدی نیست که داستان‌نویسی در ایران بصورت يك «حرفه» خاص و شناخته شده، ولی نو، درآمده است. نویسندگان آنرا از لحاظ سن باید بین حسینقلی مستعان (بالای ۵۵) و فریده گلبو (پائین ۲۵) دانست. از این گروه بالاخره چند نفری خواهند درخشید. مجلات میدانی وسیع و بلامعارض در اختیار این گروه قرار داده‌اند اما اسباب تأسف است که اکثر آنرا عجله در کار برای رساندن مطالب به چاپخانه دامنه ابتکار و نیروی دید و تخیل اکثر قریب باتفاق داستان نویس‌ها را محدود ساخته است.

مسئله قلد حق الزحمه هم سبب شده است نویسنده برای کسب درآمد بیشتر و گذران زندگی کوشش زیادتر کند و بجای يك نشریه به دو یا بیشتر مجله مطلب دهد. این پرکاری از اصالت موضوع و ابتکار در ایجاد آثار طراز اول کاسته است.

مجلات از نظر تقسیم‌بندی در اهمیتی که برای داستان‌قائل مجلات و داستانها هستند تفاوت‌های محسوس با یکدیگر دارند که باین شرح خلاصه میشود: مجلات اطلاعات هفتگی و اطلاعات بانوان

نویسندگان مخصوص بخود بیشتر دارند، حال آنکه در عده‌ای از مجله‌ها نویسندگان مشترک‌اند منتها با اسامی و عناوین مستعار. در مجله روشنفکر داستان‌ها را بیشتر جوانان مینویسند و نشر برخی از نویسندگان آن با سایرین متفاوت است. در سپید و سیاه نثرهای مختلف دیده میشود. این مجله بداستان‌هائی که در آن از قتل و جنایت صحبت شود بی‌اعتناست و تاکنون، طولانی‌ترین داستان، نادر، طی دوازده سال اخیر مرتب در آن انتشار یافته‌است. داستان‌های مجله تهران‌مصور با نوشته‌های حسینقلی مستعان شهرت زیاد یافت، و آثار صدرالدین‌الهی و منوچهر مطیعی روح تازه بآن داد.

از نظر سبك باید گفت كه هیچ يك از این داستان‌ها جنبه ادبی

ندارد . نباید هم داشته باشد . بعضی از نویسندگان متوجه نشرهای نامانوس هستند و یا شاید بشود گفت که نشر آنها دوراز ذهن است . حال آنکه عده‌ای معدود بسیار روان مینویسند . نکته‌ای که طی دوسه سال اخیر نسبتاً بیش از سابق بچشم میخورد محاوره در داستان است . در حالیکه فقط چند نفر از نویسندگان این روش سعی دارند کلمات را بروشی که در مکالمه بکار میرود روی کاغذ آورند ، بقیه بی‌توجه مینویسند .

قابل ملاحظه آنکه در گروه بندی نویسندگان و مترجمان

گروه بزرگ می‌بینیم گروه داستان نویس بزرگتر از دیگران است . بهمین

جهت نگارنده از ذکر نام عموم معذور است . ولی چند نامی

را که بیش از دیگران در مجلات هفتگی بچشم میخورد بدون تقدم و تاخر ذکر میکنم : کلنار معتمدی - زینارضوی - مهشید در گهی - ژیل‌اسازگار - لعبت والا - فریده گل‌سرخ - پوران بهمن (آثارش اگر چه عشقی است ولی بیشتر روح خانواده دارد) حسینی مستعان (پرکارترین نویسنده داستانهای طولانی) صدرالدین الهی (بی‌پرده مینویسد) نصرت رحمانی (گروه قهرمانان او را اکثراً دراویش و اوباش تشکیل می‌دهند . نویسنده صفات خاص آنها را میگیرد و بداستانسرایی میپردازد) منوچهر مطیعی (اکثر آثار او درام است) عباس پهلوان (بمسائل زندگی توجه بسیار دارد ولی کم مینویسد) حمزه سردادور (نویسنده داستانهای حماسی و ایرانی مربوط بگذشته) فرج‌الله صبا (که بنام مستعار هامون داستان مینویسد و نشر او بسیار روان است) و همچنین پرویز نقیبی - صادق جلالی - داریوش آریا - ارونقی کرمانی - پرویز لوشانی - ایرج مستعان و نادر همدانی . نکته‌ای را که در پایان این مطلب میشود افزود آنستکه نام خاطره پروانه (خواننده هنرهای زیبای کشور) نیز مدتیست بالای بعضی از داستانها در مجله تهران‌منصور می‌آید و بعنوان نویسنده معرفی میشود ، ولی این موضوع سروصدای مطبوعاتی براه انداخته . عده‌ای میگویند این آثار از او نیست و درعین حال آنها را به حسینی مستعان نسبت میدهند . چون نگارنده هیچگونه اطلاع موثقی در این امر ندارد از ابراز نظر خودداری میکند . ولی داستان بجای دیگری نوشتن و یا بنام دیگری نوشتن در مجلات تهران موضوعی

نیست که با جریان نویسنده‌گی خاطره پروانه شروع شده باشد. بعلاوه داستان-نویس‌های ما اغلب کارهای بهتر را بنام خود و کارهای درجه دوم را با نام مستعار انتشار میدهند.

اکنون دو مجله را بعنوان نمونه انتخاب میکنیم و بتجزیه مندرجات مجلات و تحلیل مندرجات آنها میپردازیم. این دو، یکی سپید و سیاه است و دیگری روشنفکر که اگر چه از حیث قطع تا حدی همانندند ولی از نظر محتوی تفاوت محسوس در آنها مشاهده میشود. درحالی که اولی بسبب داستانهای بلند و نوول شهرت گرفته دیگری از نظر رپورتاژها و اخبار پشت پرده و همچنین سرمقالات آن معروف است و فقط يك مجله خانواده نیست بلکه جنبه نیمه سیاسی هم دارد.

سپید و سیاه = قطع ۳۳ × ۲۵ سانتیمتر با ۵۶ صفحه و هر

صفحه پنج ستون. شماره مورد بحث ما مورخ جمعه ۲۴

يك نمونه

مهر ۱۳۴۳ بشماره ۵۸۰ است.

در قسمت بالا، روی جلد، نام مجله بدورنگ سیاه و سفید قرار گرفته و تمام بقیه صفحه را يك عکس رنگی از بانویی زیبا که گویا هنرپیشه است پر کرده. صفحه دوم را مقاله درباره طب قدیم و معرفی شیخ الرئیس ابوعلی- سینا بخود اختصاص داده است (چهار درصد) در صفحه سوم گفتگوهای درگوشی یا بعبارت دیگر شایعات و خبرهایی تحت عنوان يك هفته در کشور بچاپ رسیده (سه درصد) صفحات چهارم و پنجم مطالبی درباره ژاپن دارد بسبب مسابقات المپیک در توکیو (۷ درصد) مطالب متفرق راجع به ایران از صفحه شش شروع میشود (۳/۵ درصد).

مطلب سیاسی درباره انتخابات انگلستان صفحه هفتم قرار دارد (۲/۵ درصد) مطالب متفرق خارجی از صفحه هشتم شروع میشود (۱۰ درصد) مطالب هنری صفحه نهم (دو درصد) فکاهی صفحه دهم (چهار درصد) داستان‌ها از صفحه پانزدهم آغاز میشود (۴۰ درصد) مطالبی در باره زن از صفحه شانزدهم (۴ درصد) مطالبی دنباله‌دار از سخنان حضرت علی بسه زبان فارسی و انگلیسی و عربی (کمتر از يك درصد) روزنامه خوانندگان متشکل از شعر و عکس (سه درصد).

«کتابخانه سپیدوسپاه» در تقریظ یا انتقاد کتب که اکثراً تعریف است در صفحه ۳۶ به چشم میخورد (کمتر از یک درصد) سرگرمی‌ها در صفحه ۴۷ (دو درصد) «از همه چیز» یا عبارت دیگر مطالب متفرقه ولی گردآمده در یک جلد در صفحه ۵۴ (۳ درصد) بقیه را، همراه با پشت جلد رنگی، آگهی‌ها تشکیل میدهند. این مجله آگهی دولتی ندارد.

نسبت عکس‌ها باستثنای تصاویر تبلیغاتی و اعلان ۲۸ درصد مطلب را تشکیل میدهد. عبارت دیگر در مجموع بیش از ۱۶ صفحه از تمام مجله عکس-هائی است مربوط به مقالات و مطالب

از نه داستان مسلسل و ناول که در این شماره به چشم میخورد پنج داستان اثر نویسندگان ایرانی است و چهار داستان ترجمه از منابع خارجی. از مطالب متفرق خارجی ۳۷ درصد آن مربوط به هنرپیشه‌های غیر ایرانی و زندگی آنهاست.

روشنفکر = قطع ۳۴ × ۲۵ سانتیمتر با ۵۶ صفحه و هر یک نمونه دیگر صفحه پنج ستون. شماره مورد بحث مورخ پنجشنبه ۲۳ مهر بشماره ۵۷۶ میباشد.

روی جلد نیم تنه یک دختر ژاپونی رنگی روی زمینه زرد به چاپ رسیده. نام مجله و تاریخ و شماره آن بالاسمت راست و دو تیتربزرگ یکی سراسری درباره ژاپن، و دیگری در سمت چپ و پایین، راجع به مهمترین مقاله این شماره روی جلد آمده است.

در صفحه دوم خبر مهم هفته به چاپ رسیده است (۳ درصد) صفحات سوم و چهارم درباره ژاپن است (۴ درصد) شایعات در صفحه پنجم قرار دارد (یک و نیم درصد) صفحات ششم و هفتم را نامه‌های مردم بصورت انتقادات مختلف پر کرده (سه درصد) در صفحه بعد مقاله‌ای قرار دارد که روی جلد برای آن تبلیغ شده (ورزشی است) و همراه با سایر مطالب ورزشی این شماره (۱۰ درصد).

بیوگرافی شخصیت‌های ایرانی صفحه نهم (چهار درصد) مطالب مختلف خارجی و ترجمه شده (۱۰ درصد) شعر در صفحه ۲۷ (سه درصد) رپورتاژ در باره وقایع داخلی از صفحه ۱۶ (بعد ۵ درصد) خاطرات

شخصیت‌های ایرانی صفحه هفدهم (سه درصد) داستان‌های مسلسل و ناول‌ها از صفحه هجدهم (۳۳ درصد) فکاهی صفحه ۲۴ و همچنین نامه‌های رسیده صفحه سی‌ام، نهضت ازدواج سهل و آسان صفحه سی‌ویکم و سرگرمی‌ها صفحه سی‌وششم (هریک دو درصد) بقیه آگهی است. این مجله نیز آگهی دولتی ندارد. نسبت عکس باستثنای تصاویر تبلیغاتی و آگهی‌ها ۲۱ درصد مطلب را تشکیل می‌دهد. بعبارت دیگر در مجموع بیش از دوازده صفحه از ۵۶ صفحه عکس‌هایی است که بمقالات و مطالب مربوط می‌شود.

از هفت داستان مجله پنج داستان اثر نویسندگان ایرانی و بقیه ترجمه است. و از مطالب متفرقه بیش از شصت درصد راجع بزنت است.

وزن مجله روشن‌فکر روی بیوگرافی‌هایی است که در آن بچاپ می‌رسد و از شخصیت‌های ایرانی در طبقات مختلف اجتماع تاکنون افرادی چون میرزاده عشقی، عارف، ستارخان، امیرکبیر و مدرس معرفی شده‌اند. افتخار این سلسله بیوگرافی‌ها نصیب پرویز نقیبی است که مدتی نیز بامضاء مستعار «آهنک» نظیر آنها را برای مجله سپیدوسپاه برشته تحریر می‌کشید.

اکنون که بموضوع مجلات هفتگی پایان می‌دهم لازم به تذکر است که مجلات بطور کلی توسط سردبیرها اداره می‌شود و مدیران چه بسا که در امور آن دخالتی نمی‌نمایند. بعضی از آنها در کناره‌گیری خود تا بعدی پیش‌رفته‌اند که حتی اطلاع ندارند چه مطالبی در مجله بچاپ می‌رسد. ولی این آزادی عمل همیشه مورد احترام سردبیرها بوده است.

مسئله دخالت کلی سردبیرها تا اندازه‌ئی است که در بسیاری از مجلات هفتگی حتی امور مالی مربوط بحقوق الزحمه نویسندگی و حقوق ترجمه به تشخیص ایشان است. باین موضوع در قسمتی که راجع به دستمزد مطبوعات بحث شده اشاره رفته است.

مجله خواندنیها از سه نظر با سایر مجلات تفاوت محسوس

خواندنیها

دارد. جنبه ظاهری‌امر، قطع آن است. علت دوم تعداد دفعات انتشار آن در هفته است که مجلات بطور کلی یک بار منتشر میشوند ولی خواندنیها دو شماره در هر هفته، و دلیل سوم که عوامل مذکور را تحت الشعاع قرار می‌دهد اهمیت سیاسی آن است. این

ارزش از زمانی آغاز شد که علی اصغر امیرانی مدیر مجله در هر شماره مقاله‌ای تحت عنوان کلی «بدون رتوش» که در حقیقت سرمقاله تلقی می‌شود، برشته تحریر کشید.

سرمقاله‌های تند، بموقع، مستدل، صریح و ندرتاً دوپهلوی خواندنیها. با اینکه در شماره‌های نخست مقداری شایعات و انتقادات برای خود بوجود آورد - رفته رفته بجائی رسیده است که افکار عمومی می‌سازد. این امر در مملکتی که افراد ملت آن روحیه اجتماعی ضعیف دارند و در اعتقادشان بمطبوعات بعقل مختلف رخنه وارد آمده، حائز اهمیت بسیار است. وقتی ارزش چنین مهمی بیشتر ثابت می‌گردد که بدانیم هیچ يك از مطبوعات ما تاکنون نتوانسته با يك سرمقاله باندازه خواندنیها افکار عمومی بوجود آورد. هر نسخه خواندنیها بطور متوسط شش خواننده دارد ولی برای سرمقاله‌های آن رقم مزبور به هشت تا ده نفر میرسد.

خواندنیها که زمانی مجموعه‌ای بود از اخبار و مقالات مختلف منتشره در جراید و مجلات، امروز بصورت مجله‌ای مخصوص خواص، طبقه بالای دستگاه مملکتی و محافل سیاسی داخلی و خارجی مقیم ایران درآمده است. این مجله با قطع ۱۶/۵ در ۲۴ سانتیمتر و پنجاه و چهار

محتوی و نسبت صفحه که صفحات آن اکثراً سه ستونی و فقط چند صفحه

دو ستونی است، از حیث مندرجات به هفت گروه تقسیم بندی

میشود (۱) مسائل روز، اخبار و شایعات که مقاله بدون رتوش و تفسیر سیاسی نیمه هفته نیز همراه آنست، ۱۹ درصد (۲) مطالب اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی، ۱۷ درصد (۳) سرگذشت های تاریخی بخصوص مطالبی در باره زندگی شخصیت های مذهبی اسلام، ۱۳ درصد (۴) مقالات تاریخی و ادبی، هفت درصد (۵) دانستنیها و مطالب علمی و طبیی، ۲۱ درصد (۶) داستان، ۱۱ درصد (۷) خواندنیهای گوناگون، ۵/۵ درصد و آگهی در حدود شش درصد.

نسبت عکسها به مندرجات بطور متوسط نزدیک به چهار درصد است. معمولاً عکس خبری کم دارد. تصاویر آنرا صحنه های مصور مربوط با اختراعات و اکتشافات و یا عکس های مقاله کارگاه «نمدمالی» تشکیل میدهد. روی جلد معمولاً چهار رنگ است و عکس آن اگر تصویری موازی حوادث

روز نباشد از ستارگان سینما - ولی نه عریان - است . نام مجله در بالاسمت راست است که يك ماه و چهار ستاره فوق آن قرار دارد . شماره مجله ، سال و تاریخ در پائین صفحه اول سمت چپ میآید .

در صفحه دوم معمولاً تفسیر وقایع سیاسی جهان بقلم محمود طلوعی سردبیر مجله چاپ میشود . صفحه سوم و چهارم مخصوص مقالات بدون رتوش است و از صفحه پنجم مطالب مختلف آن به ترتیبی که گذشت شروع میشود . میزان مقالات اقتباس شده از سایر مطبوعات - اعم از روزنامه ، مجله و کتاب جدیداً انتشار - در خواندنیها رو بتقلیل است و اکنون بین ۲۵ تا ۲۹ درصد مجله را تشکیل میدهد . از نظر نقل مطالب باید گفت سعی اینست که مندرجات جالب مطبوعات کم تیراژ و یا مجلاتی گرفته شود که توزیع وسیع ندارند و یا از نظر اختصاصی بودن مجله در دست گروه معینی دیده میشوند . بعلاوه در درج و یا نقل مطالب متدرجاً توجه بمسائل علمی و فنی است ، بمنظور آشنا ساختن مردم به آنچه در جهان میگردد . حال آنکه در گذشته دور کفه مطالب سرگرم کننده و زود گذر سنگین تر بود .

چهار گروه از مندرجات خواندنیها دارای خوانندگانی خواننده بیشتر بیش از سایرین است . بعد از سرمقالهها نوبت بمقالهائی در طنز تحت عنوان « در کارگاه نمذ مالی » میرسد که با اینکه بدون امضاء است ولی نوشته یکی از باذوقترین نویسندگان جوان ، خسرو شاهانی ، است . این مقالهها دارای خوانندگانی از تمام طبقات اجتماع است و عده آنرا چاشنی مجله میدانند .

گروه دیگر مندرجات پر خواننده خواندنیها ترجمه های ذبیح الله منصوری است که تاکنون نقش يك ستون محکم از بنیان مجله را برعهده داشته .

تفسیرهای سیاسی نیز خواننده خاص دارد و چون تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی خارجی بیطرفانه صورت میگیرد اهمیت قابل ملاحظه بهمزده است . آگهی در مجله خواندنیها بسبب بالا بودن نرخ کم است و بعلاوه آگهی مشروبات الکلی و یا اعلانی با زن عریان در آن بچاپ نمیرسد . این ژست بسبب تظاهر بتدین نیست بلکه يك عقیده کلی از طرف گردانندگان مجله است . فروش خواندنیها در تهران کمی بیش از شهرستانهاست . در خارج از

کشور نیز يك مجله شناخته شده است. در ممالك آلمان ، فرانسه ، انگلیس و آمریکا فروش دارد . قریب به شش درصد مجله در خارج فروش میرسد . هیات تحریری آنرا يك گروه چند نفری تشکیل میدهد . در گذشته سردبیر و اعضاء هیات تحریری نسبتاً زود تغییر می یافتند. اما بیش از پنج سال است که تغییر قابل ملاحظه در این قسمت داده نشده و شاید افزایش آرام ولی مطمئن تیراژ خواندنیها طی سالهای اخیر بهمین سبب باشد .

مجلات ماهانه

در ایران سی و سه مجله ماهانه با شکل مختلف انتشار میابد که فقط سه مجله متعلق بشهرستانهاست. و چون تشریح مجلات چاپ تهران نشریه های متشابه را در شهرستانها نیز شامل میشود ، مجلات ماهانه پایتخت را مورد بحث قرار میدهیم .

در تهران مجموعاً سی مجله ماهانه مرتب و غیرمرتب منتشر میشود که از نظر موضوع بدین شرح قابل تقسیم اند: ادبی و اجتماعی ، نه - علمی ، چهار - بهداشتی ، نه - کشاورزی ، يك - اقتصادی ، يك - حقوقی ، يك - موسیقی ، يك - شکار ، يك - متفرقه سه .

اسامی مجلات ماهانه پایتخت بدین قرار است :

ادبی واجتماعی	علمی	بهداشتی	بقیه
آرش	دانشمند	بهداشت روانی	بورس
ارشاد	دنیای علم	بیوشیمی	توفیق
ارمنان	سخن	پزشك خانواده	دهقان روز
اندیشه و هنر	یکان	تندرست	حقوق امروز
بدیع		داروپزشکی	راهنمای کتاب
سخن		رامین	سپاهان
مسائل ایران		زیبائی و زندگی	شکار و طبیعت
مهر		سلامت فکر	موزيك ایران
ینما			هوخت

نشریات دانشکده‌ها و بانکها و مؤسسات وابسته بدولت و حتی مؤسساتی که مجله خود را بعنوان تبلیغ منتشر میکنند و در اصطلاح انگلیسی آنها را « هاوس مگازین » گویند در این ردیف منظور نشده است .

قطع مجلات ماهانه بطور کلی در حد کتب معمولی است .

قطع و صفحه برای مثال قطع مجله ادبی سخن ۱۶/۵ در ۲۳/۵ سانتیمتر است .

در این میان قطع مجله ماهانه بورس، و مجله دهقان روز که سعی دارد قیافه هفتگی بخود گیرد استثناء است . هر دو اینها بقطع مجلات متوسط هفتگی با اختلاف تعداد صفحات منتشر میشوند .

مجلات مرتب ماهانه بین شصت تا یکصد صفحه دارند، حال آنکه مجلات نامرتب از نظر تاریخ انتشار، ممکنست گاه تا دویست و پنجاه صفحه داشته باشند (آرش شماره هفت) .

تعداد عکس در این مجلات با استثنای مجله‌های بهداشتی بسیار نادر است . چه بسا که يك مجله در چند شماره حتی يك عکس هم چاپ نمیکند . زیرا تهیه کلیشه برای آنها يك مسئله مهم اقتصادی است .

میزان فروش این نوع مجلات ، با استثنای یکی که بعلت مداومت جای خود را باز کرده ، کمتر از دوهزار است . چه ، مجله ماهانه بطور کلی يك نشریه تخصصی است و نه همگانی . بهمین جهت گروه مخصوصی آنرا اکتیاع میکنند .

در جمع نشریات نامرتب ماهانه مجلاتی وجود دارد که بین پانزده تا سی سال از تاریخ انتشار نخستین شماره آنها میگذرد . این نوع مجلات اغلب چند سالی مرتب منتشر شده اند . بعد مدتی در محاق تعطیل افتاده اند و آنگاه بار دیگر روی میز فروشنده کنار خیابان دیده شده اند . چه بسا از این نوع مجلات که بسبب درگذشت صاحب امتیاز چند صباحی انتشار نیافته و بعد یکی از وراث امتیاز را بنام خود در آورده و به انتشار آن همت گماشته است . زیرا مطابق قانون مطبوعات امتیاز نشریه یکی از چیزهاییست که وارث برده میشود، مگر در مواردی، و یا برای نشریه‌ئی که همان قانون منع کرده باشد.

انتشار مجله ماهانه (باستثنای مجلات بهداشتی) سود
ایرانی و مجله ادبی مالی ندارد . يك مسئله حیثیتی است که برای مدیر یا ناشر

ایجاد پرستیژ میکند و او را به «حساب» میآورد . بهمین
ترتیب علاقمندانی هم که برای این نوع مجلات مقاله مینویسند و یا ترجمه
میکنند معمولاً انتظار دریافت مزد ندارند . اینها در حقیقت افرادی هستند
که دوستدار نویسندگی و تحقیق و خدمتند . البته از اینطریق کسب شهرت
میکنند و رقمی به ارقام شخصیت خود در اجتماع میافزایند .

هزینه اصلی این نوع مجلات خرید کاغذ و چاپ و اداره مجله و کارمندان
معدود آن است که مقداری از آن از طریق فروش بدست میآید و بقیه ضرری
است که ناشر از جیب میپردازد .

این امر در مورد مجلات ادبی در ایران حائز کمال اهمیت و توجه
است . زیرا ایرانی طبعاً ادب دوست و شاعر مسلک است . کمتر ایرانی هست
که تعداد قابل ملاحظه‌ای از ابیات و اشعار قدما را از بر نداند و در مذاکرات
روزانه خود بخصوص برای تأیید کلام از آنها استفاده نکند . ولی همین فرد
معروف بآداب دوستی در خرید مجلات ادبی ممسك میشود و حاضر نیست حتی
بیست ریال در ماه در این راه خرج کند !

ضریب خواننده مجلات ماهانه معمولاً بیش از نشریات
ضریب خواننده روزانه و هفتگی است ، بدین معنی که هر يك از شماره‌های

این نوع مجلات بطور متوسط هشت خواننده دارد . حال
آنکه ضریب خواننده روزنامه یومیه بطور متوسط سه و مجله هفتگی پنج است .
تفاوت دیگری که بین مجلات ماهانه از یکطرف و سایر نشریات از
طرف دیگر مشاهده میشود ، این است که در مورد گروه دوم روز یا هفته فروش
معین و محدود است . حال آنکه مجله ماهانه در يك فاصله زمانی طولانی‌تر
بفروش میرسد و معمولاً بین سه هفته تا دوماه است . شاید نامنظم بودن تاریخ
انتشار يك عامل مهم در این امر باشد .

از نه مجله ادبی و اجتماعی فقط سه مجله است که از بدو
انتشار منظم و بدون تعطیل انتشار یافته و عبارتند از سخن -

چند نکته

مسائل ایران و یغما .

انتشار يك مجله ماهانه و يا على الاصول يك نشریه ادبی، چنانچه گفته شد، نوعی فداکاری است. زیرا نه فقط ضرر مالی دارد بلکه همیشه مورد انتقاد منقدین قرار میگیرد.

هرگاه این نوع انتقادات جنبه اصولی داشته باشد سبب پیشرفت مجله است و گرنه جز بازی با احساس و اثر گذاردن روی اعصاب، سودی از آن عاید نمیگردد.

نویسندگان این نوع مجلات غالباً افراد طراز اول، مطالعه کرده و دقیق هستند و سطح زبان نزد آنها بالا است علیهذا افرادی که حتی سوادى برابر سیکل دوم دبیرستان داشته باشند از فهم کلی مطالب و مندرجات مجلات ادبی محرومند.

در این میان باید اذعان کرد که مجله سخن به لغات و جملات از نظر دستوری توجه بسیار دارد. هرگاه يك بار اشتباهی روی دهد و یا مثلاً اسامی خاص بروشی که در زبان اصلی تلفظ میشود مذکور افتد حال آنکه در فارسی تلفظ خاصی برای آنها داشته باشیم در شماره بعد تصحیح میشود.

در مجلات ادبی و اجتماعی، بطور کلی طی پنج سال اخیر، ترجمه بیشتر بچشم میخورد تا تألیف. از نظر تقسیم بندی مندرجات به ایرانی و خارجی اکثریت از آن دسته دوم است. این امر بعقیده نگارنده برای مجلات ادبی نوعی عیب در يك حد معین است. در صورتیکه همین موضوع در مورد مجلات علمی و بهداشتی قابل تشویق است. زیرا در علوم هنوز خیلی چیزها هست که باید از خارج بیاموزیم.

حال به تجزیه و تحلیل يك شماره از مجله سخن بعنوان

نمونه

نمونه‌ئی از مجلات منظم ماهانه ادبی و اجتماعی میپردازیم.

قطع ۱۶/۵ در ۲۳/۵ سانتیمتر. روی جلد سهرنگ. نام مجله

برنگ قرمز، سمت راست بالا، بچاپ رسیده و کنار آن عبارت «مجله ادبیات و دانش و هنر امروز» بچشم میخورد. روی جلد نام همکاران آن شماره بترتیب حروف الفباء آمده، و در پائین شماره و دوره و تاریخ و قیمت دیده میشود.

صفحه دوم، فهرست مندرجات است. سخن از جمله مجلاتیست که شماره

صفحات آن مسلسل است و هر شماره از عدد يك ببعد شروع نمیشود . مقاله اول معمولاً بقلم صاحب امتیاز ، پرویز ناتل خانلری ، استاد دانشگاه و وزیر اسبق فرهنگ است . نویسنده در هر شماره جزئی از دستور زبان فارسی را مطرح میکند . در مملکتی که ادب آن طی پنجاه سال اخیر دستخوش تحولات زیاد شده و بخصوص ورود لغات خارجی، هم بسبب تحصیل کردن عده زیادی از جوانان در خارجه و هم بعلمت رسوخ اجباری لغات علمی و فنی - و طی ده سال اخیر، نظامی - قابل ملاحظه است، چاپ چنین مقالاتی حائز اهمیت و مذاقه میباشد .

باستثنای مقاله اول مجله بچهار قسمت اصلی منقسم است .

چهار قسمت (۱) مقالات و ترجمه ها (۲) در جهان دانش و هنر (۳) کتبای تازه (۴) سخن و خوانندگان .

قسمت اول حاوی مقالات ادبی و تحقیقی و گاه تاریخی و نقد ادبی است . نسبت ترجمه ها یا مقالات خارجی با آنچه در باره فارسی است ۳۵ درصد و نسبت شعر به نثر ۵ درصد است . از نظر سبک شعر میشود گفت که مجله سخن به نوپردازان معاصر بطور کلی اعتقاد چندان ندارد . ولی از آثار آثاری که در حد فاصل سبک قدیم و جدید قرار دارند گاه چند نمونه ای بچاپ میرساند . در مورد داستان ، سخن از نشریات همکار خود پیشی قابل ملاحظه گرفته است . چاپ آثاری از معروف ترین داستان سرايان معاصر ایران شهرت زیاد برای سخن بوجود آورده و نول هایی هم که از آثار نویسندگان خارجی ترجمه و چاپ میکند همردیف سایر داستانهای آنست . برخی از مندرجات سخن که بوسیله استادان فن برشته تحریر کشیده میشود مورد استفاده و استناد دانشجویان و حتی دانشماران برخی از مراکز تدریسی دانشگاه تهران ، از جمله مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی وابسته به دانشکده ادبیات ، است .

سخن به فولکلور ایران نیز توجه میکند . گاه اشعار اصیل محلی را بزبانی که در محل تکلم میشود با حواشی لازم از نظر خوانندگان خود میگرداند . قسمت دوم مجله در باره جهان دانش و هنر است که اختصاص دارد بخبارهای ادبی ، نمایشنامه ها و موفقیت هایی که در زمینه دانش و هنرچه در ایران و

چه در خارجه، کسب گردیده است. در این قسمت آنچه مربوط به خارج است بمندرجات مربوط بایران میچربد. قسمت دوم بطور کلی یازده درصد از مجله را تشکیل میدهد.

قسمت سوم مربوطست بکتابهای تازه: بعبارت دیگر، باخرین کتابهای ادبی و سنگینی که در ایران انتشار یافته. صفحات مخصوص قسمت سوم بنسبت کم یا زیاد منتشر شدن کتاب متفاوت و بین هفت تا ده درصد مجله است. آخرین قسمت مندرجات مجله (بین دو تا هفت درصد) خلاصه نامه‌هایی است که از خوانندگان دریافت شد. گاه انتقادات شدید بر مندرجات شماره قبل مجله در این قسمت بچشم میخورد. ولی اکثراً نوعی تصحیح است که در رد اشتباهات احتمالی گذشته بچاپ میرسد.

در برخی از شماره‌های سخن، تحت عنوان نگاهی به مجله‌ها، مختصری درباره سایر مجلات - چه تقریظ و چه انتقاد - مطالبی بچاپ میرسد که بیفایده نیست.

میزان آگهی در این مجله بسیار کم است و از چهار درصد آگهی و عکس مندرجات تجاوز نمیکند. آگهی‌ها معمولاً در آخر مجله روی صفحات اضافی است و اکثراً مربوط به کتب و نشریات جدید. مجله سخن بندرت شماره مخصوص انتشار میدهد. در گذشته گاه يك اثر هنری را رنگی بصورت ضمیمه چاپ میکرد. ولی مدتیست که این موضوع عملی نمیشود.

عکس در مجله محدود است. باستثنای يك یا دو تصویر در قسمت اول، قسمت دوم آن همراه با کلیشه‌های كوچك مشاهیر و یا آثار هنری، آنهم بقطع كوچك، میباشد.

مجله سخن در سالهای اخیر ترقی و رونق ده سال قبل خود را نداشته است. علت این امر شاید تراکم امور مدیر و شاید انتشار برادر دوقلوی آن «سخن علمی» باشد: و شاید نوتر خواستن مطالب باشد از طرف خوانندگان. نکته دیگر قابل تأسف برای سخن اینست که بتازگی در برخی از شماره‌های آن غلط چاپی زیاد یافت میشود.

خریداران سخن را اکثراً استادان دانشگاه، دبیران ادبیات و همچنین

علاقه‌مندان با ادبیات تشکیل می‌دهند. فروش آن در شیراز، بعد از تهران، بیش از سایر نقاط است. برای مستشرقین و آشنایان زبان فارسی در کشورهای خارجی عنوان یک نشریه مستند را دارد و در فرانسه و انگلیس و هند بیش از سایر ممالک بفروش میرسد.

اکنون مندرجات و طبیعت آن گروه از مجلات ماهانه ادبی نمونه گروه مطرح میشود که از نظر انتشار منظم نیستند. در این مورد مجله آرش را انتخاب میکنیم و در پایان این قسمت به چند مجله بعنوان نمونه گروه‌های دیگر اشاراتی میرود.

قبل از بحث در باره آرش باید بطور کلی گفت که عشق به ادبیات عامل اصلی انتشار این نوع مجلات است، هم از طرف ناشر و هم از طرف نویسندگان و مترجمان. تنها کاری که مجله برای نویسنده مقاله میکند آنست که یک شماره مجانی در اختیار او میگذارد!

مجله آرش، که نخستین شماره آن در آبانماه ۱۳۴۰ شمسی منتشر شد، نمونه جنگی از ذوق و علاقه افرادی است که خدمت ادبی را بخاطر پول انجام نمیدهند.

از این مجله تا مهرماه ۴۳ هفت شماره انتشار یافت. در این مدت دو شماره مختص نیمایوشیج بود و دیگری مخصوص دوران کوتاهی از ادبیات آمریکا، بین دو جنگ بین‌المللی اول و دوم.

قطع مجله ۱۴/۵ در ۲۱ سانتیمتر و تعداد صفحات آن تغییر میکند. تاکنون بین ۹۲ تا ۲۵۰ بوده است. حروف آن، برخلاف بسیاری از مجلات ماهانه، متفاوتست و برای هر چند مقاله نوعی حرف انتخاب میشود.

روی جلد نام مجله و شماره آن، بدون ذکر تاریخ، در بالا دیده میشود. زیر آن اسامی نویسندگان و مترجمان مقالات آمده و سه کلیشه کوچک «نظر قربانی» برای تزئین در کنار آنها بچاپ رسیده است. پشت روی جلد فهرست مندرجات با نام نویسنده و شماره صفحه قرار گرفته است. مندرجات آخرین شماره مجله را که باشعری از نیمایوشیج شروع میشود بشش گروه کلی میتوان تقسیم کرد. شعر و مسائل راجع به نظم ۱۶٪ - نوول ۳۶٪ - که یک ثلث آن ترجمه از منابع خارجی است - نمایشنامه ۱۷٪ - که یک سوم

آن ترجمه است - بحثی در باره بعضی از نویسندگان ایران منتخب بسلیقه نویسنده مقاله ۰/۰۶ - مطالب متفرق ۰/۰۲۲ - آگهی ۰/۰۲ و عکس در حدود یک درصد .

آرش بطور کلی بادیات معاصر، شعر و داستان و نمایشنامه،

اختلاف

تکیه دارد . در مورد اول معتقد بسبک نیمایوشیج است و

علاوه از چاپ آثار منتشر نشده او اشعار آن گروه از شعرا

را انتشار میدهد که معتقد به نیمایوشیج باشند . از نظر یک قیاس کلی بین دو مجله سخن و آرش میتوان گفت که آرش در شعرا از همکار منظم ادبی خود جدیدتر فکر میکند و شعرای نوپرداز بیشتر میدان میدهد . بعبارت دیگر آرش معتقد شعر نو است و سخن تقریباً نیست . حال آنکه سخن بداستان نو بیشتر میدان میدهد تا آرش، و از این نظر خیلی از آن پیش است.

شاید دور از مطلب نباشد اگر ذکر شود داستان نویسی کوتاه در ایران میراثی ندارد . بدین معنی که ما آنرا ، بالاخص طی چند دهه اخیر، همانطور که هست از اروپا قبول کرده ایم . و شاید بهمین دلیل عبارت « سبک نو » به اینگونه نوشته ها تعمیم داده میشود . موسسات وابسته بمقامات امریکائی در ده سال اخیر سعی کرده اند ادبیات امریکا را هر چه بیشتر در ایران بشناسانند . این اقدام از طریق ورود کتب آمریکائی، پرداخت دستمزد خوب برای ترجمه آنها و چاپ اینگونه آثار صورت گرفته است .

ولی در مورد شعر میراثی گرانقیمت داریم تا بحدی که شاعران نوپرداز نیز نمیتوانند رابطه معنوی خود را با گذشته دور گسسته بدانند .

اظهار نظر در باره سبک مجله آرش بطور کلی قطعی نمیتواند

روش

باشد . زیرا سبک خاصی ندارد . ولی کموشش میکند که تلاش های تازه را - هر قدر پراکنده و کم - عرضه کند .

در بسیاری از ناول های منتشر شده در این مجله قالب صادق هدایت محسوس است . در عین حال مشهود است که آثار همینگوی در نوشته های بعضی از نویسندگان متفرق این مجله مؤثر افتاده .

یک وجه ممیز مجله آرش از سایر مجلات ماهانه گروه ادبی واجتماعی، در نشر نمایشنامه های فارسی یا بعبارت دیگر نمایشنامه هائی است که از آثار

نویسندگان جوان معاصر میباشد. بسیاری از این آثار تاکنون از تلویزیون ایران در تهران پخش شده، و اگر نفوذی در رادیو ایران نداشته بدان سبب است که رادیوی مزبور يك گروه نمایشنامه نویس معین دارد و آثار نویسندگان دیگر را - هر قدر هم که جالب باشد - معمولاً پخش نمیکند.

نویسندگانی که نمایشنامه‌های آنها تاکنون بیش از دیگران در این مجله انتشار یافته بدون تقدم و تاخر عبارتند از بهرام بیضائی - بهمن فرسی - گوهر مراد - علی نصیریان.

نخستین شماره این مجله در يك هزار نسخه منتشر شد و در حدود شصت و شش شماره آن بفروش رفت. چاپ آن فعلاً به یک هزار و پانصد نسخه رسیده و در حدود ۱۲۰۰ شماره فروش دارد.

گروه خریداران آنرا جوانان و آشنائی تشکیل میدهند که مایلند در زمینه ادب معاصر بر اطلاعات خود بیفزایند. گروه بندی مزبور از نظر سن بین ۲۵ تا ۴۵ قرار دارد. اکثر فروش آن در تهران است. در بین شهرستانها آبادان مقام اول را از حیث خرید دارد. بعد شیراز است و سوم رشت. تعداد معدودی از شماره‌های آن در بعضی از کشورهای اروپائی از جمله فرانسه و آلمان و بلژیک و انگلیس و همچنین امریکا بفروش میرسد. مجله آرش اگر چه صاحب امتیاز و مدیر دارد ولی با اطمینان میشود گفت که انتشار آن بهمت و حوصله سیروس طاهباز بسته است.

در پایان بحث مجلات ادبی و اجتماعی باید کلیاتی هم در گروه‌های دیگر باره اندیشه و هنر - مهر - و مسائل ایران بعنوان نمونه گروه‌های مختلف مذکور افتد.

اندیشه و هنر که ترجیح دارد آنرا يك نشریه فصلی بنامیم تاکنون پنج دوره منتشر کرده است. در دوره اول بمسائل اجتماعی و فلسفی، در دوره دوم بمسائل سیاسی، در دوره سوم به مطالب هنری، در دوره چهارم بمسائل مختلف و در دوره اخیر به شعر و ادبیات توجه بیشتر داشته است. در این دوره شعر و ادبیات جدید منظور است.

مجله مهر با تاریخی طولانی تر از بسیاری از مجلات ماهانه به چشم میخورد. ولی مدتها انتشار نمیافت. دوره جدید آن که در سال جاری آغاز گشت برخلاف

گذشته که به ادبیات میپرداخت به فلسفه علاقمند دیده میشود. روی جلد، زیر نام مجله عبارت «مجله عرفانی - فلسفی - حکمت الهی - علوم انسانی» خوانده میشود. تاکنون دو شماره بصورت فصلی انتشار داده است. سبک نویسندگی در آن متنوع است و با اینکه اکثر مقالات آنرا متخصصین برشته تحریر میکشند ولی مقالات سبکی که بیشتر همانند انشاء دانش آموزان دبیرستان است از ارزشی که شعار مجله بدان میبالد کاسته است.

مجله مسائل ایران يك نشریه منظم اجتماعی وابسته به جمعیتی است بهمین نام. گاه سمینارهایی از طرف جمعیت تشکیل میشود و مسائل مورد بحث در آن مجله منعکس میگردد. جای چنین نشریه‌ئی در عالم مطبوعات ایران خالی بود که مسائل ایران آنرا پر کرده. مقالات آن مربوط به مشکلات و مسئله‌های مختلف‌یست که اجتماع امروز ما با آن مواجه است.

انتشار مجلات علمی در مطبوعات ما يك اصل تازه و ماهنامه‌های علمی امیدبخش است. ایران در دایرة المعارف‌ها و کتب مختلف و همچنین در افکار عمومی تاکنون بعنوان يك کشور ادب-پرور و شاعر مسلک معرفی شده است. ولی گسترش مطبوعات، وارد شدن رادیو و تلویزیون و وسائل مخابرات و مواصلات بمعنی اعم در زندگی مردم و اطلاع یافتن از آخرین اختراعات و اکتشافات همراه با درخشان بودن پیشرفت‌آنهائی که بعلوم و فنون معتقدند، توجه جوانان ما را به میزان قابل ملاحظه‌ئی از ادبیات بسوی علوم جلب کرده است.

آمارهای فرهنگی و بالخصوص اعلام نتیجه مسابقات کنکور دانشگاه‌ها با ذکر تعداد داوطلبان رشته‌های مختلف تحصیلی حقیقت فوق را بخوبی نشان میدهد و ثابت میکند سال بسال رقم‌آنهائی که متوجه علوم هستند رو به افزایش است و متقابلاً از جوانهائی که هوادار شاعری و فلسفه هستند میکاهد.

با در نظر گرفتن این حقایق میشود گفت آینده مجلات علمی ما روشن است و اقدام ناشران این گونه مجلات، صرف نظر از استفاده مالی خدمتی شایسته - در يك جریان طویل‌المدة - بنسل جوان کنونی و آینده است.

در تهران چهار مجله علمی منتشر میشود که بسبب تنوع مطالب و اختلاف سبک و سلیقه نویسندگی و همچنین تهیه مطلب و تنظیم آن شامل تقریباً تمام

طبقات مردم و گروه‌های مختلف اجتماع می‌گردد .

قدیمی‌ترین اینها - اگر چه خودجوانست - مجله سخن

سر مشق علمی است که توسط يك هیات تحریری مرکب از استادان

دانشگاه و دانشمندان اداره میشود .

قطع و شکل ظاهری آن همانند مجله سخن ادبی است. صاحب امتیاز

هر دو یکی است .

مطالب مجله سخن علمی سنگین و سطح آن بالا است . نه فقط بعلوم

بطور کلی توجه دارد بلکه سعی میکند علوم جدید و بالخصوص آنچه را با

کشفیات ماوراء جو، اقامار مصنوعی و کیهان نوردی امروز ارتباط دارد بخواننده

عرضه کند . این مطالب بهیچوجه جنبه خبری ندارد ، بلکه دارای ارزش

علمی و فنی است .

اکثر مقالات مصور است و بدین ترتیب خواننده را با تصویر مطالبی

که قرائت میکند در تماس میگذارد . این مجله مورد استفاده و استناد استادان

دانشگاه و دبیران دبیرستانها بهنگام تدریس در کلاس درس میباشد .

تعداد صفحات در هر شماره با شماره‌های گذشته متفاوتست . حد

متوسط آن یکصد است و چون يك مجله تخصصی است فروش عمومی ندارد.

برای اداره آن علاوه از فروش و اشتراك عادی از اصل « همت عالی »

استفاده میشود .

متقابلاً مجله ماهانه دانشمند (نشریه ماهانه مجله هفتگی

برای دانشجویان صبح امروز) - بهمان قطع مجله سخن علمی - با عرض

کمتر ولی نامحسوس - مطالب علمی را بزبان ساده شرح

میدهد و آنها را طوری تنظیم میکند که طرف استفاده عموم باشد .

بهمین جهت دارای فروشی بیشتر از سخن است . در صفحه بندی مجله

نیز ابتکاراتی بکار میرود تا خواننده را از یکنواخت بودن صفحات نجات دهد.

این مجله دارای تصویر و طرحهای نسبتاً زیاد است . صدی نود و

پنج مطالب آن ترجمه از مجلات علمی خارجی همسطح خود میباشد . هیأت

تحریری ثابت ندارد و چون چنانچه گفته شد مطالب آن ساده تنظیم میشود

تاکنون توانسته‌اند از دانشجویان دانشگاه‌ها را بترجمه و تهیه مطلب راغب سازد.

در يك طرف هر صفحه يك ستون اشبون سه قرار گرفته كه مطالب کوتاه علمی در باره شخصیت‌های جهان و اختراعات و امثال آن را از نظر خواننده میگذراند. آنچه این مجله لازم دارد یکی دقت بیشتر در تنظیم مطالب و عکس‌ها با یکدیگر است و دیگری کوشش در تمیز بچاپ رسیدن آن.

مجله ماهانه دیگر علمی چاپ تهران «یکان» یا مجله ریاضیات است (قطع ۲۲ در ۲۸ سانتیمتر با ۵۸ صفحه) که فقط شش شماره آن تاکنون بچاپ رسیده زیراهنوز نخستین سال انتشار خود را با تمام نرسانده است. ولی با دو مجله فوق‌الذکر متفاوت میباشد، هم در قطع و هم در نوع مطالب و نحوه بیان.

از مندرجات این مجله بخوبی مشهود است که گروه خاصی از اجتماع دانش‌آموزان دبیرستان و دانشجویان سالهای اول دانشکده‌های غیر ادبی-را منظور دارد. کلیه موضوعات طرف استفاده این گروه است. مسائل و مطالب ریاضی، در حد تحصیل، در آن مطرح است. حل مسائل و نحوه برطرف کردن مشکلات تحصیلی نیز در آن مورد بچاپ میرسد.

مجله دنیای علم - چهارمین نشریه علمی ماهانه - پس از بیان و تشریح سه مجله فوق جنبه خاص دیگری برای بحث ندارد.

در تهران هشت مجله ماهانه بهداشتی منتشر میشود که مجلات بهداشتی دوران انتشار منظم هیچ‌یک از آنها از جمع انگشتان دو دست تجاوز نمیکنند. علت اصلی افزایش تعداد آنها بخصوص طی پنج سال اخیر وجود آگهی‌های گرانقیمت داروئی است که این مجلات بتدریج بخود اختصاص داده‌اند. بازرگانان و مؤسسات واردکننده دارو که سابقاً از راه توزیع «اشانتیون» بین پزشکان و آگهی‌های متفرق تبلیغ میکردند، امروزه قسمت اعظم تبلیغ خود را بسبب قانون از طریق این نوع مجلات عملی میسازند.

دائرة توزیع اکثر اینگونه نشریات طبّی محدود به دانشکده‌های مربوطه و گروهی از پزشکان است که نسخ متعدد بسیاری از آنها را مجاناً دریافت میدارند. گفته میشود که صدی نود و پنج باین دائرة اختصاص دارد و بقیه بخارج از محیط پزشکی.

تفاوت محسوس ظاهری نشریات ماهانه بهداشتی را با سایر مجلات ماهانه باین شرح خلاصه میتوان کرد (الف) بدی کاغذ (ب) تنظیم ناصحیح مطالب (پ) عدم رعایت اصول صفحه بندی (ت) وجود اغلاط انشائی و (ث) عدم اعتماد عده‌ئی از پزشکان بمندرجات بعضی از این مجلات. بمعینه این پزشکان چون برخی از مقالات را افراد غیر مسئول مینویسند و یا ترجمه میکنند بواقعیت امر توجه ندارند و چون بهداشت مسئله‌ئیست که با زندگی مردم سروکار دارد لذا موضوع از هر حیث قابل توجه و امعان نظر میباشد وبدون تردید باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

ناشران این مجلات متقابلاً معتقدند که سایر نشریات حق ندارند در باره امور بهداشتی بحث کنند: زیرا نویسندگان عادی جراید دارای اطلاعات پزشکی نیستند و بعید نیست اشتباه احتمالی آنها موجب ناراحتی‌های زیاد برای خوانندگان گردد.

نکته قابل ملاحظه دیگر در مورد مجلات بهداشتی اینست که انسان بهنگام مقایسه مقالات چند نشریه بهداشتی در باره يك موضوع بنگات ضد و نقیض برمیخورد و آنوقت است که نمیداند کدام يك را باور کند. شاید با توجه باین امور است که بعضی از ناشران مجلات بهداشتی دست بکار ایجاد کانونی شده‌اند تا متدرجاً اینگونه نقائص را برطرف کنند.

قدر مسلم اینکه دولت یا دانشگاه و یا يك مقام صلاحیتدار دیگر باید بر مندرجات آن مجلاتی که صرفاً بخاطر سود آگهی‌های تجارتي انتشار میابند قبل از توزیع صحه گذارد.

زبان مجلات بهداشتی تا حدی با سایر نشریات متفاوتست. زیرا طبیعی است که لغات و عبارات پزشکی در مقالات زیاد به کفار میرود.

این مجلات را از يك نظر به سه گروه میتوان تقسیم کرد. (الف) مجلاتی که مسائل و موضوع‌های پزشکی و داروئی در آنها مطرح است. (ب) مجلاتی که به بهداشت روانی توجه بیشتر دارند و (پ) مجلاتی که خانواده را از نظر بهداشت هدف قرار داده‌اند.

نویسندگان این مجلات را دو گروه تشکیل میدهند که یکی پزشکان هستند و دیگری دانشجویان دانشگاهها.

برای اطلاع بیشتر از محتوی این نوع مجلات دوشریه
يك نمونه را بعنوان مثال تشریح میکنم :

ماهانامه دارو پزشکی : قطع ۲۳ در ۱۶ سانتیمتر با ۱۹۴ صفحه . روی جلد سه رنگ که نام مجله با ذکر شماره و سال و تاریخ (بفارسی و لاتین) در بالا آمده است . فهرست مندرجات در حاشیه راست قرار دارد . معمولاً يك عکس رنگی بقیه روی جلد را پر میکند . صفحه دوم و چند صفحه بدنبال آن آگهی دارویی است و آنگاه مندرجات اصلی شروع میگردد . از همین جاست که شماره صفحه بچشم میخورد زیرا آگهی‌ها نه فقط شماره صفحه ندارد ، بلکه جزء صفحات اصلی نیز محسوب نمیگردد . بدنبال مقاله اصلی یا مقاله اول مطالب مختلفی مربوط بدنیای پزشکی مندرجست که نویسندگان آنها دکترهای پزشکی و همکاران شان میباشند . گاه گزارش بعضی از مؤسسات پزشکی جهان نیز در این مجله بچاپ میرسد . از نظر تقسیم بندی مطلب میتوان گفت که مندرجات مجله به (۱) سلسله مقالات اصلی (۲) داروپزشکی برای دانشجویان و (۳) بقیه مطالب از جمله خبرهای پزشکی ایران و خارجه ، معرفی کتاب و جواب نامه های رسیده ، منقسم است . نسبت این مطالب بترتیب تقریباً ۵۸ در صد - ۲۲ درصد و ۲۰ درصد است . آگهیها که چنانچه ذکر شد دارای شماره صفحه نیست بیش از چهل درصد صفحات کل مجله را تشکیل میدهد : تمام رنگی و اکثراً هر آگهی يك صفحه را میگیرد .

مجله سلامت فکر : قطع ۲۴×۱۷ سانتیمتر با سی صفحه .
نمونه دیگر روی جلد با يك طرح دورنگ بچاپ رسیده ، نام نشریه و شماره و سال و تاریخ و قیمت بالاسمت چپ و عناوین مقالات با ذکر نام نویسندگان در حاشیه راست ذکر گردیده است .

مشخصات مجله و نام صاحب امتیاز و نشانی بسیار مفصل در نیمه پائین صفحه دوم است . از این توضیحات معلوم میشود که مجله ناشر افکار جمعیت بهداشت روانی ایران ، است و علاوه از صاحب امتیاز و مدیر مسئول و مدیر مجله يك هیئت مشاوران مرکب از هشت دکتر دارد . ولی رئیس هیات تحریری محمد حجازی است که با دنیای پزشکی و دارویی فاصله بسیار دارد !

مقالات مجله اکثراً در باره بیماریهای روانیست و اینطور درك میشود که بمنظور هدایت دانشجویان و افزایش اطلاعات همکاران برشته تحریر کشیده میشود .

مندرجات مجله گروه بندی نمیشود زیرا در حالی که مقالتهای درباره بیماریهای فوق الذکر دارد بعید نیست ناگهان راجع بناتوانی جنسی هم در چند شماره بیبحث پردازد !

این مجله صرفنظر از حروف یکنواخت و صفحات عریض خسته کننده اش تمیزتر از بسیاری از مجلات بهداشتی بچاپ میرسد و بعضی از مقالات آن استثنائاً همراه با تصویر است .



مطبوعات از نظر موضوع

در تهران يك هفته نامه فکاهی منتشر میشود ، يك مجله نشریات فکاهی (تهرا نمصور) ضمیمه فکاهی دارد (کشکیات) يك روزنامه هفتگی (بامشاد) صفحه آخر خود را به کاریکاتور و این نوع مطالب اختصاص میدهد و چندین مجله هفتگی صفحات فکاهی تحت عنوان «شوخی» «خنده» و امثال آن دارند .

طبیعت ایرانی ، علیرغم مشکلات زندگی ، شوخ پسند است و اغلب ترجیح میدهد مهمترین مسائل حیات را در قالب شوخی بطرف خود بفهماند. ازاینرو يك روزنامه فکاهی وحتی صفحات فکاهی نشریات مختلف خواننده بسیار دارد . گواينکه هستند افرادی که يك نشریه فکاهی را بدون توجه بکنه مطالب صرفاً برای گذراندن وقت و تفریح میخرند .

با اینکه هدف این کتاب ذکر تاریخچه مطبوعات نیست، ولی در اینجا باید گفته شود که از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی تعداد زیادی نشریات فکاهی با روش های مختلف سیاسی بوجود آمد . دوران حیات آنها بین چند هفته تا حداکثر هفت سال بود و فقط روزنامه توفیق توانست بعد از سال ۱۳۳۲ نیز با تغییراتی در مشی و روش خویش، خود را نگاه دارد .

نشریات فکاهی که طی دوازده سال فوق در تهران انتشار می یافتند بدون ذکر تقدم و تأخر عبارت بودند از : امید - با باشمل - بابا آدم - توفیق - حاجی بابا - حکیم باشی - حاجی آقا - حاجی لك لك - چلنگر - خورشید - ایران - داد و پیداد - شاهین تهران - شب چراغ - شیطان - قلقلک - قلندر -

کی به کیه - ماه - مشهدی مراد - ننه صمد - نوشخند - ناهید ویزدان . بعلاوه
دموکراتهای آذربایجان نیز در دوران باصلاح خود مختاری خود نشریات
فکاهی داشتند که از آنجمله ملانصرالدین را میتوان نام برد .

اکثر این نشریات سیاست چپ و یا متمایل بآنها را دنبال میکردند و از
لحاظ سبک و تهیه مطلب کم و بیش همانند بودند ، باستثنای با شامل که علیرغم عمر
کوتاه روشی مخصوص بخود داشت و رونق بسیار یافت .

نشریات فکاهی کنونی ، اعم از روزنامه ، ضمیمه ، صفحه
گمنام میمیرند مخصوص و امثال آنها قریب به سی نفر کاریکاتوریست و
طراح و شاعر و فکاهی نویس اداره میکنند . چنین گروهی
که هفت در صد نویسندگان مطبوعات را در تهران تشکیل میدهند از نظر
خوانندگان این نوع نشریات تقریباً گمنام هستند زیرا بندرت يك نشریه
فکاهی هیأت تحریری خود را معرفی میکند . در گذشته نیز اگر اتفاقاً به چنین
امری هم اقدام شده . عکسها چنان کوچک و مطالب چنان در لباس شوخی
بوده که جنبه طنز بر واقعیت میچربیده است .

گروهی از فکاهی نویسهای کنونی که آثارشان بیش از دیگران انتشار
میابد بترتیب حروف تهجی بدین قرارند : ناصراجتهادی ، منوچهر احترامی ،
محمدتقی اسمعیلی ، اسمعیل پورسعید ، ابوالقاسم حالت ، هادی خرسندی ،
کامبیز درم بخش ، بهمن رضائی ، ایرج زارع ، خسرو شاهانی ، اسداله
شهریاری ، علی عبدالخالق ، غلامعلی لطیفی و منوچهر محجویی .

روزنامه توفیق را بعنوان نمونه نشریات فکاهی انتخاب
فکاهی هفتگی میکنیم و بذکر جزئیات آن میپردازیم .

توفیق : قطع ۲۵ در ۳۵ سانتیمتر با ۱۲ صفحه و هر صفحه
پنج ستون . بنسبت افزایش آگهی ، تعداد صفحات آن گاه به ۱۶ هم میرسد .
روزنامه فکاهی توفیق مدعی است که « قدیمی ترین روزنامه ایران »
است ولی نمیتوان فراموش کرد که این روزنامه تا اواخر سلطنت پادشاه فقید
فکاهی نبود و بعلاوه چند بار هر کدام برای يك تا چند سال منتشر نشد .
آخرین مرتبه بعد از سال ۱۳۳۲ بود که در حدود چهار سال انتشار نیافت



صفحه اول هفته نامه توفیق در هفته چهارم مهرماه ۱۳۴۳. این عکس از يك دوم قطع توفیق کمی کوچکتر است.

و آنگاه با مشی نو ، صاحب امتیاز و سردبیر جدید - ولی از اعضاء خانواده توفیق - دوران جدید خود را آغاز کرد .

در هفته نامه توفیق چهار شخصیت بنام «کاکا توفیق» یکمرد
شخصیت ها تیزبین ، رک گو و سرسخت - «کشیز خانم» عیال او ، شوهر دوست ، گاه متحیر و زمانی متلک گو و همچنین «ممولی» میمون کاکا که اکثراً مثل یک دوست وفادار همراه کاکاست دیده میشوند . هر زمان که کاکا کسی را برای درددل ندارد خطاب به مولی صحبت میکنند .
 شخصیت چهارم «ملت» است . مردی بالباس دهقانی ، ساده ، زود باور و تماشاچی که اکثر موارد همپای کاکاست و با او راز و نیاز میکند .

کاکا توفیق یک فرد ، دو گروه و سه موضوع ثابت برای حملات دائمی خود دارد . فرد مزبور همیشه «صدراعظم» وقت است که بهر یک عنوان خاص می دهد . چنانچه علی امینی را «صدراعظم کمر بندی» اسدالله علم را «صدراعظم کلنگی» نامیده است و حسنعلی منصور نیز گاه «ناسور» و گاه «قمصور» لقب میگیرد . از گروههای طرف مزاح کاکا اول و کلاهی مجلسین - ولی نه همه آنها - هستند و دوم مدیران کل وزارتخانه ها . از سه موضوع مورد بحث یکی نفت است ، دیگری فرهنگ و سومی روغن نباتی . درباره تقسیم بندی مطالب از این نظر میشود گفت که بطور متوسط در هر شماره شش مطلب راجع به صدراعظم است - چهار حمله به مدیران کل - سه مزاح درباره نفت و دوسه متلک هم راجع به روغن نباتی .

مندرجات هر شماره متناسب با حوادث و مسائلی است که پیش می آید و در حقیقت شوخی ها لباس روز بتن میکنند . کاکا در دوره جدید عقده مداوم نسبت به کسی از خود نشان نداده است و با اینکه نخست وزیری در دوران کار و مسئولیت طرف حمله بوده ولی همینکه برکنار گشته از نظر کاکا نیز فراموش شده تلقی گردیده است .

مندرجات هفته نامه توفیق را بدین شرح مختصراً تجزیه
تجزیه مندرجات میتوان کرد . صفحات اول و آخر هر کدام یک کاریکاتور تمام صفحه ای از خبرهای روز در چهار رنگ ، معمولاً خبر کوتاهی نقل از جراید ذکر میشود و آنگاه کاریکاتور درباره آن می آید . نام

روزنامه بالای صفحه ، اکثراً سمت راست قرار دارد .

در صفحه دوم سرمقاله بقلم کاکا توفیق است که کمتر از سایر مندرجات روزنامه جنبه مزاح دارد . در نیمه دوم ستون آخر همین صفحه مختصات روزنامه با نشانی و بها اشتراك و امثال آن قرار میگیرد . از این صفحه است که مطالب مختلف بصورت نظم و نثر شروع میگردد و نمیشود گفت چه موضوعی معمولاً در چه صفحه‌ای میآید ، باستثنای سرمقاله که چنانکه گفته شد در صفحه دوم است و «ته‌مقاله» با مضامین معمولی در ستون پنجم از صفحه ماقبل آخر . معمولی اغلب با خوانندگان صحبت میکند و جواب نامه‌های رسیده را بشوخی میدهد . مسائلی را هم که کاکا اصلاح نمیداند شخصاً بیان کند معمولی پیش میکشد .

گروه بندی مطالب و نسبت مندرجات بیکدیگر بطور متوسط

گروه بندی

بدین شرحست : کاریکاتور ۴۰ درصد - سرمقاله ۳/۵

درصد - اشعار فکاهی ۱۰ درصد - انگولک به جراید کمتر

از يك درصد - اخبار در قالب شعر يك درصد - اخبار و مطالب اشتباهی و خنده‌دار جراید بخصوص دوروزنامه اطلاعات و کیهان يك درصد - مناجات ، جدول فکاهی و ته‌مقاله هر کدام کمتر از يك درصد - خبرهای شهرستانها کمتر از يك درصد - در بعضی از شماره‌ها قصه برای کودکان ، گاه بشعر ، يك درصد و مطلبی دیگر تحت عنوان «نامه‌های يك ایرانی» که جنبه مقالات مسلسل را دارد ۳/۵ درصد - آگهی که بزبان فکاهی وطنز است بین ۷ تا ۱۲ درصد . روزنامه توفیق از روغنهای نباتی آگهی قبول نمیکند ، زیرا هدف خوبی برای متلك است . بقیه درصد را مطالب مختلف روز تشکیل میدهد .

این هفته‌نامه عکس چاپ نمیکند مگر در قسمت اخبار اشتباهی که معمولاً همراه با چند سطر از آنچه زیر آن نوشته شده از روزنامه مربوطه گراور میشود .

کاریکاتورهاى آنرا اعضاء هیات تحریرى تهیه میکنند . ولی تعدادی کاریکاتور از نشریات فکاهی کشورهای خارجی از جمله ترکیه و فرانسه نیز بدون ذکر مأخذ اقتباس مینماید . بعلاوه گاه کاریکاتورهاى سابق با تغییر زیر نویس بمنظور همطراز ساختن آن با موضوع روز تکرار میشود . سطح کاریکاتورهاى روى جلد توفیق مدتیست پائین تر از سابق است .

روش آگهی کردن توفیق در سایر نشریات نیز در حد خود جالب است زیرا برای آگهی اعلام انتشار هفته نامه این عبارت خوانده میشود: هم شهری: شب جمعه دو چیز یادت نره ... دومی توفیق .

هفته نامه توفیق طی دوران جدید خود سعی کرده است که

دلّك

قالب دلّك بودن - یعنی آنچه را نشریات سابق فکاهی

با یکی دو استثناء هدف و منظور داشتند - بخود نگیرد

تردید نیست که هیات تحریری در این امر کوشش بسیار از خود نشان داده است، گو اینکه گاه بطور استثناء مطالب نسبتاً نامطوب و دور از ادب باصطلاح عوام « از دستشان در میرود » و هفته نامه را لکه دار میسازد. علاوه از هیات تحریری افرادی هم هستند که مطالبی از نقاط مختلف برای توفیق ارسال میدارند . این نوع مطالب گاه رقم قابل ملاحظه‌ئی را در مندرجات کلی تشکیل نمیدهد .

امضاءها در این روزنامه اکثراً مستعار است و این اسامی بیش از بقیه

بچشم میخورد : خروس لاری - قلقلکچی - خراسونی - م . شبدر - فضول آغاسی - انگولکچی عمویادگار .

تا چندی قبل کسی که کاریکاتورهای رو و پشت جلد را میکشید امضاء خود را میگذارد. ولی مدتیست که دو کلمه « استودیو توفیق » بجای امضاء دیده میشود. این رسم از زمانی شروع شد که مشکلی بین گردانندگان هفته نامه و چند نفر از اعضاء هیات تحریری بوجود آمد و موجب کناره گیری دسته جمعی آنها از توفیق گردید .

هفته نامه توفیق يك نشریه دیگر بنام «توفیق ماهانه» دارد که از نظر

تاریخ نسبتاً نامنظم منتشر میشود . بعلاوه يك کتاب فکاهی سال هم که مجموعه‌ئی از خلاصه مندرجات شماره‌های گذشته است قبل از عید نوروز انتشار میدهد. اگر چه مطالب و مندرجات توفیق همه ظنر و شوخیست ولی خیلی‌ها آنرا جدی‌ترین روزنامه میدانند زیرا با کثر مسائلی که با زندگی روزمره مردم بستگی دارد توجه میکند ، و درجهتی متلك میگوید که مردم میخواهند و یا احساس میکنند .

شاید خالی از لطف نباشد که بحث خود را درباره کاکا توفیق با مزاحی

که مردم متقابلاً برای اعضای هیات تحریری این هفته نامه ساخته اند با تمام رسانیم، میگویند اعضا با ذوق معمولاً شبهای جمعه دورهم جمع میشوند. و دکا مینوشند، با سبب زمینی و آنگاه بشوخی گفتن میپردازند. یکی از افراد که در کناری نشسته و دمی بخمره نزده گفته های آنها را یادداشت میکند و بجا پخانه میفرستد تا شماره آینده بچاپ برسد !!

نشریات اقتصادی تهران بدو گروه کاملاً مشخص منقسم اند
نشریات اقتصادی (الف) نشریات ملی (ب) نشریات مؤسسات دولتی یا بنگاههای

خصوصی که انتشار آنها از نظر توزیع جنبه تجارتی ندارد. گروه اول مورد بحث این کتاب است. ولی درباره گروه دوم بطور کلی میتوان گفت که نشریات اتاق بازرگانی تهران - اتاق صنایع - مؤسسات وابسته بدانها و همچنین بانکها از جمله آنها اند. باید یادآور شد که مجله «تحقیقات اقتصادی» نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، اگرچه نامنظم انتشار مییابد ولی از نظر تحقیق، اصالت و وزن بر همکاران خود برتری ممتاز دارد.

نشریات اقتصادی گروه اول عبارتند از يك روزنامه یومیه صبح (بورس) دو مجله هفتگی (تهران اکونومیست و بازار خاور میانه) و يك ماهنامه (بورس، وابسته بروزنامه یومیه بهمین نام).

قدیمی ترین اینها، طبق مهری که روی صفحه اول مجله خورده، تهران اکونومیست است که از سال ۱۳۳۱ شمسی آغاز گشته. از شماره های اول این نشریه نسخی در دست نیست، ولی میگویند که بیشتر شبیه بروزنامه بوده تا مجله. جوانترین نشریه اقتصادی روزنامه یومیه بورس است.

حاد بودن مسائل اقتصادی مملکت، توجه نسبی مردم به تجارت بعنوان کاری پردرآمد، باز بودن دروازه ها برای انواع کالاهای خارجی، تحصیل کردن بازرگانان جوان در اروپا و اکثراً آمریکا، همراه با مناسب بودن موقعیت برای تهیه رپورتاژهای تبلیغاتی از جمله عواملیست که میدان را برای نشریات اقتصادی غیر دولتی باز کرده: بطوریکه در مدتی کمتر از ده سال سه نشریه اقتصادی بوجود آمده و هر يك در حدی متناسب برای خود جا باز کرده است.

نشریات اقتصادی، اگر چه با ضمايم مربوطه بيش از ظرفيت تهرانند ولی رفته رفته باقتصاد مطبوعاتی فورم میدهند. این نشریات بطورکلی در بازار راه یافته‌اند، گویانکه بازرگانان و انجام دهندگان معاملات دست اول هنوز راضی و حاضر نیستند باین حقیقت اذعان کنند. آنهایی که در برابر این واقعیت میایستند بیشتر تجار قدیمی و سالخورده و احیاناً بی‌سوادند که بخواندن يك روزنامه بعنوان نشریه اقتصادی و خاص صنف خود عادت ندارند. ولی روزنامه بورس در راهی قدم گذاشته که بتواند در آینده صبح بصبح روی هر ميز تجارتخانه لم بدهد.

نشریات اقتصادی در حالیکه راه خود را میپیمایند از يك نظر سبب خسارت مالی همکاران مطبوعاتی خود و بالاخص روزنامه‌های غیر اقتصادی صبح شده‌اند. زیرا قبلاً موسسات اقتصادی آگاهی‌های خود را در مواردی که لازم مینمود بنسبت اهمیت روزنامه بین یومیه‌های صبح تقسیم میکردند ولی مدتیست که فقط به نشریات اقتصادی توجه دارند.

نشریات اقتصادی تهران دروضع فعلی درمؤسسات تولیدی نفوذ تدریجی نفوذ نسبی یافته‌اند. دربانک‌ها هنوز نفوذ پیدا نکرده‌اند و آنچه خودشان نفوذ تصور میکنند عبارتست از انتشار مقاله یا خبری که در جهت مثبت فعالیتهای بانک مورد نظر نباشد.

نفوذ این نوع نشریات در ادارات و وزارتخانه‌هایی که با تجارت و اقتصاد سروکار دارند هنوز شکلی بخود نگرفته است. در بازار نیز هنوز نتوانسته‌اند نقشی را که سنت دلالتی از سالیان دور متداول ساخته معمول دارند. اما همانطور که گفته شد نفوذ بورس در بازار بعنوان يك نشریه قابل اعتماد روز افزون است مشروط برآنکه در پشت کار مدیر و سرعت خبرگیری هیات تحریری آن نکثی وارد نیاید.

از نشریات اقتصادی چنانچه ذکر شد تهران اکونومیست هفتگی است و روزهای شنبه منتشر میشود. بازار خاورمیانه هم که هفتگی است آخر هفته یعنی پنجشنبه انتشار مییابد و بورس روزانه است. از این سه نشریه، بورس و تهران اکونومیست دارای چاپخانه هستند. کوچک و بزرگ شدن قطع بازار خاورمیانه و تغییر فورم‌های ظاهری آن نشانه‌ئی است از تلاش

يك گروه جوان صرفاً متكى بسرمایه معنوی .

زبان نشریات اقتصادی ساده و « همه فهم » است بدین

زبان و اشكال معنی که سعی میشود مطالب و مسائل اقتصادی بطریقی

برشته تحریر کشیده شود که عموم مردم ، حتی آنهایی

که از نظر تحصیلات در درجه پائین حد متوسط قرار دارند ، آنها را درک

و هضم کنند .

در این کلیات لازم بیادآور است که تا سیزده سال قبل اقتصاد بصورت

کنونی شکل مطبوعاتی بخود نگرفته بود ، گو اینکه خبرهای اقتصادی را

میشد در گوشه و کنار بعضی از روزنامه‌های یومیه یافت . اگر اشتباه نکنم

بدنبال انتشار تهران اکونومیست بود که اول روزنامه کیهان و بعد روزنامه

اطلاعات صفحه اقتصادی بوجود آوردند .

مشکل بزرگ نشریات اقتصادی ، صرفنظر از محدودیت تیراژ ،

فعلاً اینست که دو روزنامه فوق‌الذکر در وضع بهتری برای انتشار اخبار

اقتصادی قرار دارند . ساعت انتشار نیز بآنها اجازه میدهد مهمترین خبر

روز را بدست آورند . حال آنکه ساعت کاریگانه نشریه روزانه اقتصادی از

موقعیست که تجارتخانه‌ها نزدیک بتعطیل‌اند و ادارات تعطیل شده‌اند .

ولی زیادتیر بودن جا ، ببورس اجازه میدهد هم تعدادی بیشتر خبر داشته

باشد و هم اینکه هر خبری را با شرح و تفصیل زیادتیر بچاپ رساند . حال

بتجزیه و تحلیل این نشریه میپردازیم .

بورس بقطع ۴۸ در ۳۵ سانتیمتر : تعداد صفحات آن شش ،

مطالعه و مقایسه و هر صفحه دارای هفت ستون است .

در صفحه اول اسم روزنامه ، بالا سمت راست ، با رنگ

قرمز بچاپ رسیده و يك شعار اقتصادی بهمان رنگ در پائین صفحه سمت

راست دیده میشود . در صفحه چهارم ، بالا سمت چپ ، باردیگر نام روزنامه

و ذکر این عبارت «روزنامه یومیه تجارت ، صنعت و امور عمومی» همراه

بانشانی اداره بدو زبان فارسی و انگلیسی بهمان رنگ بچشم میخورد .

مندرجات روزنامه را بدو گروه ثابت و متغیر تقسیم میتوان کرد .

گروه اول عبارتند از سرمقاله ، شروع صفحه اول و بقیه غالباً در صفحه

ششم (۲٪) تفسیر مطالب اقتصادی روز، شروع صفحه اول و بقیه در صفحات وسط (۳٪) خبرهای مهم اقتصادی جهان، صفحه اول (۱٪) عکس خبری روزاً کثراً درباره کنفرانس‌ها و یا شخصیت‌های اقتصادی (۲٪) نبض بازار که خلاصه‌ای از منظره‌های روز است (نیم درصد) تفسیرها و خبرهای مربوط صنایع (۱٪) بقیه مطالب را گروه دوم تشکیل می‌دهد.

در صفحه اول معمولاً تغییر قیمت‌های کلی فروشی مهم بصورت يك خبر كوچك ولی باحروف دوازده سیاه و همچنین یکی دو آگهی دیده می‌شود که چندان بزرگ نیست، مگر در موارد استثنائی.

در صفحه دوم دنباله تفسیرهای اقتصادی می‌آید (۴٪) معمولاً مطالب مختلفی راجع به بورس زمین و یا آئین‌نامه‌های جدید اقتصادی در این صفحه قرار می‌گیرد (۴٪)

تمام صفحه سوم اختصاص دارد با آگهی‌های كوچك تحت عنوان نیازمندی‌های همگانی (۲۵٪) و صفحه چهارم نیز ویژه بقیه هاست.

صفحه پنجم «تابلوی آخرین نرخ عمده فروشی کالاهای تجارتی در بازار تهران» می‌آید (۲٪) این قسمت از روزنامه در بازار مورد توجه است. در صفحه ششم «معاملات عمده» (۱٪) و بقیه‌ها احتمالاً خبرهای دیگری (۲۰٪).

در حالیکه آگهی‌های تجارتی و مؤسسات اقتصادی قریب به سی در صد روزنامه را تشکیل می‌دهد آگهی‌های دولتی متغیر و بین چهار تا شش درصد است.

روزنامه بورس با اینکه در سرمقالات و تفسیرهای خود در باره تزه‌های مختلف اقتصادی بحث می‌کند ولی بطور کلی تاکنون يك تخاص را، صرف نظر از حمایت صادرات، دنبال نکرده است.

بازار تهران قسمت اعظم این روزنامه را از نظر تیراژ هضم می‌کند و آنگاه نوبت بمؤسسات اقتصادی، دانشگاه تهران و دانشگاه ملی می‌رسد. در بعضی از شهرستانها نیز چون اصفهان و تبریز و همچنین اهواز و خرمشهر و آبادان فروش دارد.

تهران اکونومیست : مجله هفتگی اقتصادی . قطع ۲۹
مجله اقتصادی در ۲۲ سانتیمتر با پنجاه و چهار صفحه . هر صفحه معمولاً
 چهار ستون دارد منهای صفحاتی که بسلیقه سردبیر بادو
 ستون یا کمتر و بیشتر شکل میگیرد .

صفحه اول اغلب دویا سه رنگ است وعلاوه از اسم مجله ، بالا
 وسط ، و نشانی ومختصات در پائین ؛ عکسی از مهمترین موضوع اقتصادی
 روز در وسط بچاپ میرسد . صفحه دوم ودو صفحه ماقبل آخر قسمت فارسی
 مخصوص آگهی است .

در صفحه سوم ، ستون اول با اشبون سه به فهرست مندرجات
 اختصاص دارد وبقیه صفحه ، يك ستونی ، مخصوص سرمقاله است . تهران
 اکونومیست باآنکه نشریه اقتصادی است ولی گاه سرمقاله های آن رنگ سیاسی
 بخود میگیرد . این امر بسته بطبیعت واهمیت موضوع اقتصادی مورد بحث
 در سرمقاله است . صفحه چهارم و پنجم مخصوص خبرهای اقتصادی کشور
 است (۴٪) .

سایر مطالب باین شرح دیده میشود : مطالب مربوط به شرکتهای
 تجارتی تاسیس وانحلال آنها (۳٪) بررسی جراید از نظر مطالب اقتصادی در
 قالب فکاهی تحت عنوان اقتصاد ملامهرا با جدول اقتصادی ویک «جیستان»
 (۱۵٪) تفسیرها و خبرهای اقتصادی جهان و بورسها ومبادلات (۱۰٪)
 ایران در جنبه های مختلف چون مالیات ، بودجه وامثال آن (متغییر
 بین ۲ تا ۸ درصد) صنایع ایران وجهان که قسمت مربوط بجهان آن کمتر
 است (در حدو ۸٪) داستان اقتصادی (۲٪) ترانسپورت وتوریسم (۷٪)
 کشاورزی ایران وجهان (بین ۷٪ تا ۱۲٪) زمین ومسکن (۲ تا ۴ درصد)
 وضع معاملات در بازار (۱۰٪ تا ۱۲٪) نرخهای کالای تجارتی (۳٪) .

چند صفحه آخر این مجله بزبان انگلیسی است که بین يك تا شش
 صفحه میشود . این صفحات بقصد آگاه ساختن بازرگانان خارجی از بازار
 ایران انتشارمیابد ولی این وظیفه بدرستی انجام نمیگردد زیرا گاه مقالات
 دیگر جای هدف را میگیرد .

نسبت آگهی بمطالب در این مجله بین هفت تاده درصد است . تهران

اکنون میست از جمله نشریات است که سه سال پیش بالاچار تعطیل شد ولی امتیاز آن بعد از چندین ماه دوباره صادر گشت .

مجله هفتگی بازار خاورمیانه نیز کم و بیش مطالبی در حد سه نمونه دیگر آنچه ناکنون گذشت دارد و از نظر قطع همانند تهران اکنون میست است، گوا اینکه قطع آن در طول دو سال حیات خود کوچک و بزرگ شده است .

یگانه نشریه اقتصادی دیگر که در این کلیات باید از آن ذکر نمود ماهنامه بورس است که مقالات آن از نظر قیاس با آنچه در بورس روزانه و مجلات هفتگی اقتصادی منتشر میشود سنگین تر است . هیات تحریری ثابت ندارد و اکثر مقالات را اساتید دانشگاه و یا متخصصین فن برشته تحریر میکشند .

مقالاتی از این ماهنامه که سیر تکاملی برخی از صنایع را روشن مینماید دارای خواننده عمومی است، حال آنکه بقیه مقالات آن ، از نظر گروه ، ویژه خواص و یا بازرگانان و صاحبان صنایع است .

بحث در باره نشریات مذهبی مقدمه کوتاهی بعنوان يك نشریات مذهبی یادآوری زودگذر ولی کلی لازم دارد .

تا دو سال قبل پنج روزنامه و سه مجله هفتگی اسلامی در ایران انتشار مییافت . اما با اینکه کتب مذهبی پرفروشترین مطبوعه در ایران بشمار میروند، روزنامهها و مجلات آن نتوانستند تیراژی در حد معارف برای خود بوجود آورند . از طرف دیگر بعضی از کلیساها و مراکز مذهبی غیر اسلامی نیز بطور نادر نشریاتی دارند که اکثر بصورت ماهانه منتشر میشود . در پایان این کلیات کوتاه میشود گفت که در ایران دوزم مهم تعلیمات اسلامی داریم . قم و مشهد . شهر اول از نظر انتشارات مذهبی مقام اول را دارد حال آنکه مشهد از این حیث از قم عقب است و فاصله کاملاً مشهود میباشد . امروزه يك هفته نامه منظم و تمیز مذهبی بنام ندای حق در تهران منتشر میشود . قطع آن ۳۵ در ۹ سانتیمتر است، در چهار صفحه و هر صفحه باشش ستون .

نام هفته نامه و مختصات مربوطه از قبیل نام ناشر و نشانی و بها اشتراك

وامثال آن در بالای صفحه ، نیمه سمت راست ، قرار دارد . تنها تفاوت این نشریه مذهبی ، در این قسمت با سایر نشریات آنست که این عبارت با حروف درشت زیر دو کلمه «ندای حق» دیده میشود که : این روز نامه دارای آیات قرآنیست . آنرا محافظت کنید . و نیمه سمت چپ بالای صفحه اول مختص ترجمه فارسی آیاتی از کلام الله مجید است .

در همین صفحه معمولاً کلمات قصار رسول اکرم نیز در کادرهای يك ستونی با حروف دوازده سیاه بچشم میخورد.

در صفحه بندی صفحه اول معمولاً سلیقه نشان داده میشود و هر شماره دارای ده تا پانزده مطلب و مقاله مختلف است . از این تعداد فقط يك مقاله و ندرتاً دو اثر ترجمه از کتب خارجی است و بقیه را نویسندگان ایرانی برشته تحریر میکشند .

این هفته نامه بخبرهای هفته و جریانات غیر مذهبی مملکت توجهی ندارد و کلیه مندرجات آنرا مسائل اسلامی تشکیل میدهد .

سر مقاله (هشت درصد) جنبه اخلاقی و هدایت مردم را از دیدگاه مذهب دارد . بقیه مقالات مسائلی چون تعالیم و وصایای حضرت رسول پیغمبر اکرم - زندگانی ائمه اطهار - علل ناسخ ادیان بودن دین اسلام و همچنین جهادها و فتوحات اسلامی هستند . کلیه این تعالیم همانگونه که در چهارده قرن قبل آمده مورد بحث قرار میگیرد و تجزیه و تحلیل میشود ، ولی جنبه اخلاقی آنها از نظر راهنمایی مردم بسوی حق ، حقیقت ، راستی و نیکوکاری بسیار قوی است . با اینکه مقالات بدون امضاء هم در ندای حق انتشار مییابد ولی گروه نسبتاً ثابت نویسندگان آن این اشخاص هستند ، ابوالحسن آهین ، علی اکبر تشید که دو کلمه «مورخ معاصر» بدنبال نام او دیده میشود ، محمد جناب زاده ، اسدالله روحانی زاده ، عماد زاده .

مقالات ترجمه شده از منابع خارجی اکثراً با امضاء سعیدی است که نام اول او ذکر نشده است .

آگهی دولتی در هفته نامه ندای حق ناچیز است و مهمترین آگهی تجارتي آنرا در ماههای اخیر اعلان انواع سماورهای نفتی تشکیل میدهد . آگهی بطور متوسط کمتر از شش درصد

کل مندرجات هفته نامه است . و هیچ يك از آنها دارای شماره آگهی نیست . میزان فروش این هفته نامه در قم بیشتر از تهران است و مشهد در مرحله سوم قرار میگیرد . گاه نامه های رسیده با پاسخ لازم در آن بچاپ میرسد که بنوبه خود نشان میدهد ندای حق در دورترین نقطه کشور نیز خواننده دارد .

تفاوت محسوس این هفته نامه با سایر روزنامه های هفتگی از نظر قیمت آنستکه بها آن ۲/۵ ریال است و این مبلغ برای يك نشریه چهار صفحه ای هفتگی سنگین بنظر میرسد .

شاید زیاد دور از موضوع نباشد اگر در پایان این قسمت افزوده شود که اکثر مجلات هفتگی تهران در ایامی که مصادف با سوگواریهای بزرگ اسلامی باشد روی جلد خود را باین امر اختصاص میدهند و مقالاتی نیز در بزرگداشت پیشوایان مذهبی بچاپ میرسانند . گفته میشود که در این نوع مقالات نوشته های احمد بشیری تا کمون خوانندگانی بیش از سایرین داشته است . روزنامه های یومیه و هفتگی درچنین مواقعی اغلب به يك خبر کوچک و یا يك تفسیر کوتاه در صفحه اول خود قناعت میکنند . طی يك سال اخیر فقط روزنامه آژنك سلسله مقالاتی درباره شخصیت حضرت امام حسین بقلم یکی از شخصیت های روحانی بچاپ رسانده است .

در تهران يك نشریه مرتب هفتگی ورزشی در بیست و چهار مطبوعات ورزشی صفحه بنام کیهان ورزشی و يك هفته نامه نسبتاً مرتب در چهار صفحه بنام تاج ورزشی منتشر میشود . تا چندماه قبل نیز يك هفته نامه دیگر ، هشت تا دوازده صفحه ای بنام ورزش و زندگی انتشار مییافت ولی در محاق تعطیل افتاده است .

بعضی از هفته نامه های تهران (بامشاد) ستون ورزشی دارند . بیشتر مجلات و عمومی يك صفحه به ورزش اختصاص میدهند و برخی از روزنامه های یومیه صبح (مهرایران) در حدود نیم صفحه خبرهای ورزشی را بچاپ میرسانند دو روزنامه انگلیسی زبان منتشره در تهران بیش از سایر جراید به ورزش توجه دارند .

هر زمان که خبر ورزشی حاد و مسئله روز باشد روزنامه های عصر بین يك

تا چهارستون بان میدهند . در بین روزنامه‌های شهرستانها فقط دوسه نشریه آنهم بیشتر در خوزستان بطورکلی ب ورزش و ورزشکار علاقمندند .

تشکیلات دولتی ورزش ایران بنوبه خود نشریاتی مصور و ماهانه دارد که در جهت حفظ منافع وموقعیت روسا وکارگردانهای دستگاه است وازجنبه عمومی وبیطرفی، دور .

هفته نامه « تاج ورزشی » ارگان يك باشگاه ورزشی بهمین نام است اخبار و تصاویر آن مخصوص همان باشگاه و توزیع آن بسختی ازبین اعضاء پافرا تر مینهد .

کیهان ورزشی از انتشارات منظم مؤسسه روزنامه کیهان يك نمونه است . ولی نشریه‌ئی است مستقل و بیطرف که سعی میکند

آئینه دنیای ورزش ایران و خارجه باشد ، گو اینکه در مورد اول محظورات بسیار دارد زیرا روشن بینی، صراحت وشجاعت نویسندگان آنرا مقامات دولتی ورزش خوش نمیآید .

مندرجات آن بدو قسمت کاملاً متمایز از هم منقسم است . اخبار و تفسیرهای ورزشی ایران (۳۷٪) خبرها و مطالب ورزشی جهان (۵۱٪) و بقیه (۱۲٪) آگهی است .

از نظر تقسیم بندی مطالعات ورزشی بطور قاطع اظهار عقیده نمیتوان کرد . زیرا هر هفته یا ماه رشته‌ئی پیش میآید و چون کیهان ورزشی سعی میکند جواب انتظارات خوانندگان خود را بدهد، لذا با آنچه مسئله روز باشد توجه مینماید . معدلك میشود گفت که بطور متوسط ۱۳ درصد درباره فوتبال وده درصد درباره هریك از دورشته دوچرخه سواری و دوومیدانی است . بقیه رامسائل و رشته‌های دیگر تشکیل میدهد . بعلاوه نسبت خبرهای ورزشی شهرستانها به تهران ۲۰٪ میباشد ونسبت تفسیرهای ورزش داخلی باخبار بین ۱۵ تا ۲۵٪ . کیهان ورزشی معمولاً بین ۱۶ تا ۲۲ مطلب کلی دارد و نسبت عکس بمطالب ۲۸ درصد است . صفحه بندی بادقت وسلیقه است ، گو اینکه گاه هفته نامه کثیف چاپ میشود . در ارقام بخصوص رکوردهای قهرمانی توجه زیاد میشود تا اشتباهی روی ندهد . اصطلاحات ورزشی آن در بازیهای مختلف نیز دقیق و صحیح است .

نخستین شماره آن در آذرماه ۱۳۳۳ شمسی انتشار یافت و سیر تکاملی اش را از مقایسه شماره‌های نخست با آنچه امروز انتشار مییابد میتوان بخوبی درك کرد .

اثر مثبت کیهان ورزشی تاکنون این بوده که توانسته ورزش دنیا را بورزشکاران و ورزش‌دوستان ایرانی بشناساند . و چون از نظر انتشارخبرها و مطالب ورزشی ایران مشکلاتی برای آن ایجاد میکنند لذا نتیجه امر در يك جریان طویل‌المدة آن شده که علاقمندان ایرانی رفته‌رفته فلان وزنه بردار نیجریه و یا استیل‌كار يك قهرمان مثلاً کوبایی را بهتر میشناسند و از مختصات آن‌ها آگاهند تا يك ورزشكار ایرانی .

کیهان ورزشی در عین حال توانسته است تاحدی آنچه را که «کوج»های خارجی و یا مربیان ایرانی ورزش بورزشکاران نیاموخته‌اند یاد بدهد و ایشان را از جزئیات امر آگاه سازد .

هدف و کوشش هدف کیهان ورزشی عمومی و ملی است و بارها در مشکلات ورزشی که پیش آمده از آنهایی جانبداری کرده که حقوقشان ضایع گشته . آخرین دفاع آن از فوتبالیستهایی بود که از شرکت در مسابقات المپیک محروم گشتند . ولی بهنگام پیش کشیدن این بحث نمیتوان یاد آور شد که در ورزش ما بطور کلی دسته‌بندی کم نیست، و با آنکه عده‌ای را بتوان خیلی راحت پاك و بیگناه دانست . هفته‌نامه کیهان ورزشی علاوه از انتشار مطالب ورزشی مسابقاتی هم ترتیب میدهد که اهم آن مسابقه دوچرخه سواری دور البرز است . این مسابقه از افتخارات بزرگ مؤسسه کیهان بشمار میرود .

کیهان ورزشی يك هیأت تحریری مرکب از کادر ثابت و غیر ثابت دارد که عموماً در گذشته یا قهرمان بوده‌اند و یا عضو يك تیم معروف ورزشی . تیراژ این نشریه غیر ثابت است و بموازات حاد بودن خبرهای ورزشی بالامیرود . چنانچه در مسابقات المپیک سال ۱۹۶۰ میلادی تا ۶۲ هزار نسخه در هفته هم رسید . ولی در المپیک سال جاری (۱۹۶۴) نتوانست بآن پایه برسد .

در ایام المپیک ، این هفته‌نامه ورزشی به روزانه صبح‌مبدل میشود و اهم

مندرجات آنرا کیهان عصر نقل میکند .

پس از مسابقات ملبورن وضع هفته نامه مدتی نامعلوم بود و بسبب نامشخص بودن مسئولیت ها مدتی تیراژ آن افتاد . ولی بعداً جبران شد و تا کمی بیش از هفت برابر نخستین انتشار رسید .

از نظر توزیع میتوان گفت که در تهران ده درصد بیشتر از تمام شهرستانها فروش دارد . در بین شهرستانها نوبت اول با آبادان است و بعد تبریز . بطور کلی در جنوب ایران فروشش بیشتر از شمال (باستثناء تهران) است در ایران دو روزنامه هوائی منتشر میشود ولی نه برای روزنامه های هوائی داخله کشور بلکه برای ایرانیان مقیم خارج. این روزنامه های کوچک قطع عبارتند از (۱) اطلاعات هوائی و (۲) کیهان هوائی .

نخستین شماره اطلاعات هوائی در ۲۶ خرداد ۱۳۲۷ منتشر شد. این نشریه چهار صفحه ای است، بقطع ۲۵ در ۳۴ سانتیمتر و هر صفحه در پنج ستون انتشار مییابد، مطالب و اخباری در آن درج میگردد که معمولاً در آخرین شماره روزنامه اطلاعات چاپ شده باشد .

ولی نه فقط تمام مندرجات اطلاعات در آن منعکس نميگردد زیرا از طرفی گنجایش آنرا ندارد و از طرف دیگر لازم نیست، بلکه مطالب طوری تنظیم میشود که سه گروه مختلف ایرانیان خارج از کشور بتوانند از آن استفاده کنند .

گروه اول کارمندان وزارت خارجه هستند که نشریه هوائی، یگانه مطبوعه سریعی که فشرده خبرها در آن مندرج است، بدستشان میرسد و برای آنها که باید قاعدتاً از اخبار مطلع باشند بسیار مفید و لازم است: گویانکه این نوع خبرها چون از مسیر غیر دولتی است قطعیت ندارد و رسمی نیست. گروه دوم را بازرگانان ایرانی و نمایندگان مؤسسات تجارتي ایران در خارج تشکیل میدهند و چون خبرهای اقتصادی و تجاری در آن مندرجست طرف استفاده ایشان قرار میگیرد .

سومین گروه جوانان و دانشجویان هستند که غالباً والدینشان يك نشریه هوائی برای آنها مشترك میشوند .

با در نظر گرفتن گروه‌های ذکر شده است که میبایم مندرجات اطلاعات هوایی اکثراً انتصابات دولتی، خبرها و تفسیرهای اقتصادی و فرهنگی و بخصوص مطالبی است که در جهت مثبت پیشرفت مملکت باشد.

این نشریه در عین حال از ستون انتقادی روزنامه اطلاعات استفاده میکند و این اقدام اگر چه بعضی‌ها را خوش نمی‌آید، یک ژست بجا و صحیح است.

اطلاعات هوایی در سالهای اول انتشار چند سردبیر عوض کرد. ولی اکنون نزدیک به ده سال است که حمید مشهور - یک نویسنده قدیمی مطبوعات - آنرا اداره میکند.

کیهان هوایی: بقطع ۲۳ در ۳۶ سانتیمتر در چهار صفحه و هر صفحه پنج ستون است. کیهان هوایی مدتی دو صفحه‌ای انتشار یافت ولی در قطع آن تفاوت زیاد حاصل نیامد.

هدف انتشار آن کم و بیش همانند اطلاعات هوایی است. نخستین شماره آن دوازده سال قبل انتشار یافت و اگر چه در سالهای اول با استقبال نسبتاً قابل ملاحظه در خارج روبرو شد ولی نتوانست موقعیت خود را محکم‌تر سازد و تعداد خود را افزایش دهد. این نشریه نیز تاکنون چندین سردبیر عوض کرده و مدتیست که پرویز آذری سردبیر آنست.

علیرغم تعداد زیاد ایرانیان مقیم خارج از کشور، تیراژ این دو نشریه هوایی قابل ملاحظه نیست. این موضوعیست که باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. زیرا تعداد دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور به تنهایی بیش از پنج برابر مجموع تیراژ هر دو نشریه هوایی است.

هیچ یک از دو روزنامه اطلاعات هوایی و کیهان هوایی سود تجارتي برای مؤسسات خود ندارد و در واقع یک نشریه تبلیغاتی است که توسط هر یک از دو مؤسسه برای ایرانیان مقیم خارج چاپ میرسد.

زن، برای مطبوعات فارسی همیشه یک نقطه عطف بوده مطبوعات بانوان است. امروز نیز با اینکه یک مجله هفتگی مخصوص بانو (اطلاعات بانوان) منتشر میشود ولی کمتر مجله یا روزنامه‌ایست که در هر شماره مطالب مختلف درباره زن و برای او نداشته باشد.

از روزنامه‌های یومیه عصر، کیهان صفحه بانو دارد که فروغ مصباحزاده آنرا با همکاری یکی دو عضو هیات تحریری روزنامه اداره و تنظیم میکند. روزنامه پست تهران نیز مدتی صفحه مخصوص بانو داشت. روزنامه اطلاعات با آنکه ممکن است در بعضی شماره‌ها مطالب مختلف در باره زن در يك صفحه قرار دهد ولی از عنوان کردن صفحه بانو امساک می‌پورزد. روزنامه‌های صبح و مطبوعات شهرستانها بطور کلی توجه خاصی بپانوان ندارند!

مجلات هفتگی اکثراً دارای صفحه مخصوص بانو هستند و این صفحه اغلب زیر نظر يك خانم اداره میشود. نخستین روزنامه هفتگی که چنین صفحه‌ای باز کرده امید بود. اولین مجله که منظمأ صفحه بانو داشته تهران- مصور است. این صفحه را هایدی بایگان اداره میکند.

صفحه بانو در يك مجله هفتگی حاوی مطالب مختلفی چون مد، آشپزی و بهداشت کودک، خانه داری و امثال آنست. معمولاً در این صفحه آگاهی گذارده نمیشود. اما اگر آگاهی زیاد باشد تمام صفحه را به آن اختصاص میدهند و بعید نیست چند شماره در عرض سال صفحه بانو نداشته باشد!!

حال به یگانه مجله مخصوص زن در تهران توجه کنیم:

یگانه مجله گو اینکه در شهرستانها نیز روزنامه خراسان يك ضمیمه هفتگی مخصوص بانوان انتشار میدهد. مجله‌ایکه در تهران انتشار مییابد بنام اطلاعات بانوان، بقطع ۲۲ در ۲۹ سانتیمتر است. ۸۰ صفحه دارد و هر صفحه چهار ستون است.

روی جلد رنگی است. نام مجله اکثراً بالا سمت چپ و شماره، تاریخ و قیمت در پایین سمت چپ قید میشود.

صفحه دوم مخصوص خبرها و رپورتاژهای مربوط بپانوان و بعبارت دیگر گزارش وضع بانوان است در هفته قبل. در همین صفحه پائین ستون آخر مختصات مجله ذکر شده که معلوم میشود اگر چه صاحب امتیاز آن يك بانو است ولی زیر نظر يك مرد اداره میشود.

از صفحه سوم مندرجات مختلف و متنوع اطلاعات بانوان شروع میگردد، که میتوان آنها را بدین شرح خلاصه کرد: اخبار مربوط بپانوان

و دوشیزگان ۶٪ - ورزش ۳٪ - مسائل اجتماعی ۴٪ - مد و زیبایی ۴٪ - سینما ۴٪ - داستان ۲۵٪ - بهداشت ۳٪ - آگهی ۳۸٪ - مسابقات و سرگرمیها ۳٪ - مکاتبه با خوانندگان ۱٪ - روی جلد و مطالب متفرقه ۹٪

از هفت داستانی که هنگام تهیه این کتاب در اطلاعات بانوان بچاپ میرسید چهار نول اثر نویسندگان ایرانی است و سه داستان ترجمه از منابع خارجی .

از تقسیم بندی کلی فوق چند نکته بخوبی مشهود است . (۱) میزان داستان بسایر مطالب زیاد است (۲) آگهی های مختلف که تمام درباره مسائل مربوط به بانوانست قسمت اعظم مجله را اشغال کرده و بخصوص نیمه دوم مجله را بصورت خسته کننده در آورده (۳) بعد از دو موضوع فوق میزان سایر مطالب ناگهان سقوط میکند و همه تقریباً در يك سطح قرار میگیرد . چنانکه توجه مجله بمسائل اخلاقی همطراز مد و زیبایی ویا سینما استنباط میشود .

خبرنگاران این مجله بانوان واکثراً دوشیزگان مدارس دخترانه هستند . بیشتر قسمتی که خاص خبرهای بانوان و امورورزشی است بعکسهای دسته جمعی ، چه ورزشی وچه غیرآن ، تعلق میگیرد . این اقدام در حالیکه نوعی تشویق است وسیله نیست برای فروش رفتن مجله .

مجله اطلاعات بانوان انجمنی بنام «انجمن دوشیزگان و بانوان» بوجود آورده است که بمرور ایام بمرکزی برای تجمع دختران و خانمهای جوان ، آموختن زبان ، سلمانی ، خیاطی و گلدوزی و گذراندن وقت در آمده . فعالیت این افراد در میزان فروش مجله مؤثر است .

براحت میتوان گفت که مجله اطلاعات بانوان بعلت وجود يك میدان مساعد وهمچنین نبودن رقیب توانست در مدتی کوتاه تیراژ قابل ملاحظه برای خود بدست آورد ، بطوریکه درشرایط کنونی حد نصابی درمیزان انتشار مجلات هفتگی بگذارد . این امر در تاریخ مطبوعات ما يك موفقیت قابل ملاحظه است . ولی در عین حال باعث ازدیاد آگهی ، کم شدن مطالب بهمان نسبت ، وغرور نسبی بعضی ازکارگردانهای آن گشته : بطوریکه سطح مندرجات شماره های اخیر مجله را بسختی با آنچه بین سه تا شش ماه قبل انتشار

مییافت میتوان مقایسه کرد. شماره‌های اخیر نشان‌دهنده نوعی رکود است :
محتاج خودبینی و حرکت .

در پایان این مطلب میشود افزود که بانوان بعد از سال
زن و مطبوعات ۱۳۲۰ بفعالیت وسیع در مطبوعات پرداختند. تاکنون
امتیازشش مجله بنام آنها صادر گردیده ولی فعلاً دو مجله
« اطلاعات بانوان » به مدیریت قدسی مسعودی و « داینرژکلپ »
به مدیریت اعظم سپهر خادم ، اولی هفتگی و دومی ماهانه بطور منظم
انتشار مییابد . بعلاوه عده قابل ملاحظه‌ئی از دوشیزگان و بانوان نویسنده
در روزنامه‌ها و مجلات مختلف مشغول انجام وظیفه هستند .

در تهران دو مجله مرتب هفتگی بفارسی و یک مجله تقریباً
نشریات کودکان نامرتب ماهانه بزبان ارمنی برای کودکان منتشر میشود . در
شهرستانها نشریه‌ئی مخصوص کودک نداریم و اگر گفته شود
روزنامه‌های شهرستانها توجهی بکودکان ندارند راه‌مبالغه پیموده نشده است .
با اینکه عمر هیچ یک از نشریه‌های فوق بده سال نمیرسد ولی توجه
مطبوعات تهران به کودک از زمانی آغاز شد که مجلات هفتگی بصورت و
طبیعت فعلی انتشار یافتند . کم و بیش هر مجله صفحه مخصوص کودک داشت
و این صفحه را یک داستان کودک ، یک جدول ، یک معما و احیاناً چند
عکس پر میکرد .

ابتکار شروع یک مجله مرتب برای کودک از آن موسسه (روزنامه)
کیهان است که بعد از چندی روزنامه اطلاعات نیز بچنین امری اقدام کرد .
این کار بموسسه کیهان گران آمد ، تا حدی که یک سر مقاله روزنامه یومیه
خود را به انتقاد از اقدام روزنامه اطلاعات اختصاص داد و آنرا نازیبادانست .
حال ببینیم که مختصات مجلات کودکان چیست . قطع این مجلات
مثل خود بچه‌ها کوچک است . روی جلد رنگی است و تصویر آن اکثراً مربوط
بیکی از داستانهای که در آن شماره بچاپ رسیده است . تصاویر روی جلد
نشریه کیهان بیشتر آرام است ، حال آنکه تصاویر نشریه اطلاعات اکثراً
صحنه‌هایی از هفت تیر کشی و قتل و کشتار مییابد .
عکسهای پشت جلد نشریه کودکان موسسه اطلاعات مخصوص هنرپیشه‌ها

و ستارگان سینما - اکثراً خارجی - است . ولی نشریه كودك مؤسسه كیهان از این صفحه استفاده تجارتي میکند . زیرا در هر شماره عكس تعدادی از پسران و دختران را تحت عنوان « دوستداران كیهان بچه‌ها » بچاپ میرساند . نشریه‌ئی كه مؤسسه اطلاعات برای كودكان انتشار میدهد « اطلاعات كودكان » نام دارد كه با حروف كوچك ، روی جلد و بالای صفحه آمده ولی عبارت « مجله دختران و پسران » بقطع درشت در همان ردیف جلب توجه میکند . نشریه مؤسسه كیهان « كیهان بچه‌ها » نام داد . صاحب امتیاز آن جعفر بدیعی و مدیر مجله عباس یمینی شریف است . اسم صاحب مؤسسه كیهان و حتی مدیر روزنامه كیهان نیز بالای نام صاحب امتیاز دیده میشود ! ولی در مجله اطلاعات كودكان نامی از صاحب امتیاز نیست . فقط نام مدیر اطلاعات همراه با نام سردبیر مجله « بهرام افرهی » بچشم میخورد .

تعداد صفحات اطلاعات كودكان از كیهان بچه‌ها بیشتر

مقایسه

است : تمیزتر چاپ میشود ، ولی حروف برای بچه‌ها ریز است ، و چون فاصله بین سطرها نیز معمولی است لذا خواندن مطلب برای كودكان مشکل مینماید . حال آنكه كیهان بچه‌ها از حروف درشت استفاده میکند . فاصله بین سطرها برای بچه‌ها قابل تحمل است ولی مقابلاً اكثر صفحات كثیف است و سیاه شده . هر دو مجله در شماره گذاری صفحات تنبل هستند . این عیب متأسفانه در بیشتر مجلات هفتگی عمومیت دارد . با اینکه ممکنست خوانندگان مجلات معمولی این امر را زیاد مهم تلقی نکنند ، ولی برای بچه‌ها مشکل قابل ملاحظه است .

قسمت مهم هر دو مجله را داستان تشکیل میدهد . داستانهای كیهان بچه‌ها اکثراً ترجمه از منابع خارجی است در صورتیكه اطلاعات كودكان بداستانهای ایرانی توجه بیشتر دارد . در حالیكه كیهان بچه‌ها سعی دارد مخصوص كودكان كمتر از چهارده باشد ، اطلاعات بچه‌ها مطالب را طوری تنظیم میکند كه دانش آموزان سیکل اول دبیرستان (۱۳ تا ۱۷ سال) نیز خریداران باشند . بهمین جهت است كه عبارت مخصوص « برای دختران و پسران » را با حروف درشت روی جلد آورده . تفاوت دیگر اطلاعات كودكان

با همکار کوچک خود اینست که بخرهای هفته ، آنچه به بچه‌ها مربوط است ، اهمیت میدهد و اغلب بچاپ آنها اقدام میکند . حال آنکه اگر تاریخ ذکر شده در کیهان بچه‌ها را از آن حذف کنیم از مطالب آن هیچ چیز دستگیر نمیشود که چه زمانی انتشار یافته است .

هر دو مجله يك يا دو داستان مصور اقتباس از مجلات خارجی دارند که معمولاً در صفحات وسط می‌آید و در حالیکه کیهان بچه‌ها این نوع داستانها را يك رنگ چاپ میکند ، اطلاعات کودکان سعی دارد اکثراً در دو رنگ بچاپ رساند .

حال بمختصات هريك از این دو نشریه میپردازیم :

يك نمونه کیهان بچه‌ها (نخستین شماره پنجشنبه ششم دیماه ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافت .) قطع ۱۷ × ۲۲ سانتیمتر باری و هشت صفحه - اکثراً دو ستونی - حروف درشت با عکسهای زنده و نقاشی برای داستانها .

روی جلد پنج رنگ و عکس آن مربوط بیکی از داستانهای چاپ شده در مجله است . نام مجله ، بالا سمت چپ قرار دارد . در همان ردیف سمت راست عکس يك دختر و پسر خردسال در حال خواندن مجله دیده میشود . سال و شماره مجله (سال هشتم ، شماره ۴۰۱) بدون ذکر تاریخ پائین صفحه در يك کادر مستطیل شکل بچشم میخورد . ولی در یکی از صفحات داخلی یکشنبه ۲۶ مهر ۱۳۴۳ ذکر شده است .

در صفحات دوم و سی و پنجم گزارشی مصور از مسابقه دوچرخه سواری مؤسسه کیهان بچاپ رسیده که مربوط بکودکان نیست .

صفحه ۳ تا ۵ داستانی بنام بنام فردوس - صفحه ۶ و ۷ داستان مصور تحت عنوان « دانش پر حادثه از تام تام تا تلویزیون » - صفحه ۸ و ۹ داستان روباه قرمز - صفحه ۱۰ و ۱۱ بازی و سرگرمی - صفحه ۱۲ تا ۱۴ بقیه داستان فردوس - صفحه ۱۵ آگهی همراه با يك ستون از عکس کودکان « دوستداران کیهان بچه‌ها » - صفحه ۱۶ و ۱۷ داستان نیمه تمام « برج متروك » - صفحات ۱۸ و ۱۹ داستان مصور - صفحه ۲۰ تا ۲۲ داستان « امیل و کار آگاهان » صفحه ۲۳ آگهی و يك ستون دیگر از تصاویر دوستداران کیهان

بچه‌ها - صفحات ۲۴ و ۲۵ جدول واسامی برندگان وجوائز و دوستان
 کیهان بچه‌ها - صفحات ۲۶ و ۲۷ « پست بچه‌ها » مخصوص جواب بنامه‌های
 خوانندگان همراه با عکسهای ایشان - صفحات ۲۸ تا ۳۸ داستان « شجاعان »
 که در آن بار دیگر نیمی از يك صفحه بتصاویر دوستان کیهان بچه‌ها
 اختصاص دارد - صفحه ۳۴ آگهی و عکسهای دوستان . در صفحه ماقبل
 آخر نیز چنانکه گذشت بقیه مطلب مصور مسابقه دوچرخه‌سواری آمده است .
 از نظر تقسیم بندی مطلب ، این ارقام را میتوان ذکر کرد : عکسها
 و تصاویر بطور کلی ۱۷٪ - داستان (بدون عکسها) ۴۱٪ - داستان مصور
 ۱۲٪ - بازی و سرگرمی ۱۵٪ - آگهی ۱۱٪ - بقیه درصد را مطالب مختلف
 دیگر تشکیل میدهد .

در شماره مورد بحث ما مجموعاً پنج داستان دیده میشود که فقط یکی
 از آنها ایرانیست و بقیه ترجمه از منابع خارجی .

اطلاعات کودکان (نخستین شماره ۲۸ اسفند ماه ۱۳۳۵

نمونه دیگر منتشر شد) : قطع ۱۹×۲۵ سانتیمتر ، با ۴۴ صفحه .
 تعداد ستون صفحات متفاوت ، ولی اکثر آسه یا چهار است .

حروف ، ریز : با عکسهای خبری وزنده ، و نقاشی برای داستانها .

روی جلد سه رنگ است و عکس بزرگی از داستانهای چاپ شده در مجله
 مربوط میشود . نام مجله سراسر بالای روی جلد را گرفته و در همان ردیف
 شماره (۳۰۹) و تاریخ (۲۸ مهر ۱۳۴۳) همراه با قیمت (پنج ریال)
 ذکر شده است .

در صفحه دوم گزارش جشن مهرگان و خبر جشنی به چاپ رسیده که
 دختران دانش آموز بسبب تصادف با سالروز تولد شهبانو برپا ساخته بودند -
 صفحات ۳ تا ۵ و همچنین صفحه ماقبل آخر « لحظات حساس المپیک چگونه
 گذشت » - صفحه ۶ داستان « يك ایرانی در المپید » - صفحه ۷ تا ۹
 آخرین قسمت داستان رستم و اسفندیار - صفحات ۱۰ و ۱۱ « آشنائی با
 مشاهیر جهان » که در شماره مورد بحث ما ارنست همینگوی معرفی شده -
 صفحات ۱۲ و ۱۳ داستان ماهیگیر - صفحه ۱۴ تا ۱۶ داستانهای دنباله دار
 سنباد - صفحه ۱۷ جدول - صفحه ۱۸ تا ۲۱ داستان مصور « ایکس ۱۳

دشمن خرابکاران - صفحات ۲۲ تا ۲۶ داستان « مرد چهار انگشتی » -
 صفحه ۲۷ آگهی و بقیه‌ها - صفحات ۲۸ و ۲۹ « پست و گزارش خبرنگاران » -
 صفحات ۳۰ تا ۳۲ داستان مسلسل « وحشت در ساحل نیل » - صفحه ۳۳
 سرگرمی و مسابقات - صفحه ۳۴ مطالبی مختلف که خوانندگان برای مجله
 ارسال داشته‌اند - صفحه ۳۵ تا ۳۷ داستان مسلسل « پنجه سیاه » - صفحه
 ۳۸ شرح زندگی هنرپیشه ایرانی که تصویر رنگیش پشت جلد چاپ شده
 است - صفحه ۳۹ عکسهای برندگان مسابقات المپیک و حل جدولها - صفحه
 ۴۰ درد دل خوانندگان تحت عنوان « دختران و پسران چه میگویند » -
 صفحه ۴۱ مدل لباس (آگهی) - صفحه ۴۲ « عکس تشویقی و شرح مطلب
 کسبیکه دوره مجله را از اول جمع کرده ! » - صفحه ماقبل آخر بقیه خبرهای
 المپیک با عکس .

مندرجات مجله را باینشرح تقسیم بندی میتوان کرد - عکسها و
 تصاویر بطور کلی ۲۰٪ - داستان ۴۰٪ - داستان مصور ۸٪ - بازی و
 سرگرمی ۶٪ - آگهی ۷٪ و بقیه را سایر مطالب تشکیل میدهد.
 میتوان افزود از زمانی که این دومجله انتشارمیبند صفحات مخصوص
 کودک در مجلات هفتگی تعطیل شده است و از روزنامه‌های یومیه نیز فقط
 کیهان اینترنشنال هفته‌ای یکبار و تهران جورنال گاه صفحاتی به کودکان
 اختصاص میدهند .

درحالیکه درتهران سه مجله سینمایی منتشرمیشود درهیچ

نشریات سینمایی يك از شهرستانها نشریه‌ای ازاین نوع نداریم.

قطع مجلات سینمایی تقریباً همانند (۲۱×۲۸/۵ سانتیمتر)
 و تعداد صفحات آنها بین ۲۸ تا ۶۰ است. یکی از آنها بطور مرتب دو صفحه
 وسط خود را با کاغذ اعلی بچاپ رنگی عکس هنرپیشه‌ها و ستارگان سینما
 اختصاص میدهد. ولی روی جلد هر سه بلااستثناء رنگیست.

نشریات سینمایی ازچند نظر با مطبوعات سایر گروه‌ها اختلاف دارند
 بدین شرح (الف) کاغذ اعلی است (ب) چاپ بهتر و تمیز است (پ) نسبت ،
 تصاویر رنگی بیشتر دارند (ت) فروش مطمئنست (ث) نسبت عکس به مطلب
 گاه ۷۰٪ هم میرسد. (ج) آگهی سینماها بیش از هزینه اصلی هر شماره

را تأمین میکند. عامل اخیر بارها سبب شده که بعضی از روزنامه‌ها و مجلات بفکر انتشار يك ضمیمه سینمایی افتند. ولی چون از طرفی بازار را سه مجله اصلی گرفته‌اند و از طرف دیگر ناشران ضمیمه‌ها آشنائی کامل با اوضاع و احوال سینمایی و «آرتیست بازی» ندارند، پس از مدتی بعثت شکست از فعالیت باز ایستاده‌اند.

مندرجات این نوع نشریات شرح حال هنرپیشه‌های سینما و خبرهای مربوط بآنهاست.

خبرها، شرح احوال و مقالات نشریات سینمایی اکثراً درباره کشورهای غرب، و به‌خصوص ایالات متحده امریکا است. از مالک اروپائی ایتالیا در درجه اول قرار میگیرد، فرانسه نوبت دوم را گرفته و سایر کشورها بعد می‌آیند. در این زمینه آنچه مربوط ببلوک شرق باشد بندرت بچاپ میرسد مگر آنکه فیلم یا هنرپیشه‌ای از این بلوک شهرت جهانی یافته باشد.

گروه خریدار مجلات سینمایی را در ایران، مثل هر کشور دیگر، جوانان کمتر از بیست، یعنی آنهایی تشکیل میدهند که پول زحمت نکشیده در جیب دارند و باقتضای سن - و خواندن روزنامه و مجله و تماشای فیلم سینمایی در سینماها و یا از تلویزیون - بزندگی بظاهر پرزرق و برق و برق ستارگان سینما علاقمند شده‌اند. فروش این مجلات ۸۰٪ در تهرانست و بقیه در شهرستانها که رشت و آبادان در درجه اول هستند.

نشریات سینمایی تهران صنعت فیلم‌سازی ایران را بهترین هدف برای حمله و انتقاد انتخاب کرده‌اند. کمتر دیده شده که فیلم ایرانی را مورد تشویق قرار دهند و یا اگر هم انتقاد میکنند نیشدار و تمسخرآمیز نباشد. طی چند سال اخیر شاید بیش از سه چهارم مقاله اساسی و اصولی در باره این صنعت در این نوع نشریات بچاپ نرسیده باشد.

از ردیف فیلم‌های خارجی فیلم‌های هندی گاه مورد حمله قرار میگیرند و جالبست که بعضی از مجلات هفتگی در حمله بفیلم‌های ساخت هند ولی دوبله شده بفارسی از نشریات سینمایی پیشی گرفته‌اند.

توجه بسینما و زندگی ستارگان، در قلمرو نشریات سینمایی محدود نیست. چه، سایر مجلات هفتگی و گاه حتی روزنامه‌های خبری نیز مطالبی

درباره هنرپیشگان سینما بچاپ میرسانند. از جمع روزنامه‌های صبح روزنامه آژنگ بخبرهای هنری چه درباره سینما و چه تئاتر توجهی بیش از دیگران دارد. بعضی از هفته‌نامه‌ها نیز بنشر اینگونه اخبار بی‌میل نیستند و در این گروه هفته‌نامه پامشاد جنبه‌های هنری را مورد بحث قرار می‌دهد. از مجلات هفتگی تفسیرها و انتقادات مجله فردوسی دقیقتر و اصولیتر از دیگرانست.

سایر مجلات اختصاصی
در تهران چند مجله بچاپ میرسد که بهیچیک از سه گروه ادبی و اجتماعی - علمی - بهداشتی تعلق نمیگیرند، بلکه نشریاتی هستند که در نوع خود بی‌رقیب‌اند. باختصار توضیحاتی درباره آنها از نظر شما میگذرد.

دهقان روز: با قطعی بزرگتر از مجلات معمولی ماهانه، نشریه‌ایست که بیشتر بر اساس يك مجله هفتگی تنظیم و منتشر میشود و هدف آن کشاورزاست. ولی هنوز خیلی زوداست تا بتواند بدست کشاورز برسد. بعلاوه سطح مطالب آن در حدی قرار دارد که حتی امروز هم طرف استفاده واقعی يك فلاح نمیتواند باشد. مندرجات آن سعی میشود درباره فلاح و امور وابسته بآن باشد نویسنده‌گان آنرا يك هیأت تحریری غیر ثابت تشکیل میدهد و چون صاحب امتیاز و مدیر آن يك فرد غیر مطبوعات‌یست لذا مجله از نظر اداره دست بدست میگردد. در دورانی که سردبیری آنرا امیر حبشی داشت رونق گرفت.

حقوق امروز: مجله‌ای است که مسائل حقوقی و آنچه را با قانون و دادگستری ارتباط مییابد تجزیه و تحلیل میکند. گو اینکه از عبارات و اصطلاحات حقوقی تخطی ننماید ولی مطالب طوری تنظیم میشود که قابل استفاده عموم باشد. سلسله مقالات آن در بحث ساده مسائل حقوقی و قانون و همچنین داستان‌هایی که از نشریات خارجی درباره حوادث و پلیس و جنبه‌های دادگستری آن بچاپ میرساند بسیار مفید است.

جای چنین مجله‌ای تا سه سال قبل در مطبوعات ایران خالی بود و با اینکه هنوز فروش زیاد ندارد ولی نظم در ترتیب مقالات و جنبه‌های قوی ظاهر مجله آینده آنرا بشرط توانایی ضرر بیشتر از طرف مدیر تضمین میکند. شکار و طبیعت: نشریه کانون شکار است. مندرجات آن بسبب طبیعت مقالات در هیچ نشریه‌ای نظیر ندارد. ۸۰٪ مطالب آن ترجمه از منابع خارجیست.

مجله موزيك ايران: كه مسائل مربوط به موسيقي را بحث مي‌كند در حد خود جالبست. بخصوص كه مدرک زنده‌ئي بشمار ميرود براي جمع‌آوری مطالب موسيقي ايران يعني آنچه تا سالها پيش فراموش شده بود. اين مجله كه تخصصي است طرف استفاده دانشجويان موسيقي وعلاقمندان آنست.

مجله هوخت: نشریه‌ئيست كه براي اقلیت مذهبی زرتشتی بطور مرتب بچاپ ميرسد. ناشر افكار انجمن زرتشتيان است و مطالب آن بدو قسمت منقسم است. (الف) مقالاتی در باب دين حضرت زرتشت وتعاليم آن بزرگ كه در بعضی از شماره‌ها از آداب و رسوم ايران باستان نيز سخن به پيش مي‌آيد.

(ب) خبرهای مربوط به زرتشتيان ايران و گاه پارسيان هند.

اين مجله تا زمانی كه رأساً توسط مدير آن اداره ميشد رونق داشت ولی از آن پس سير نزولی ميپيمايد. بنسبت تیراژ محدود خود در بين زرتشتيان مشترك قابل ملاحظه دارد ولی در اين جماعت فقط بزرگسالان هستند كه آنرا نگاه مي‌كنند زيرا جوانان زرتشتی توجهی به هوخت ندارند.

راهنمای كتاب: كه اطلاعات وصبر وكوشش ايرج افشار آنرا بصورت منحصر بفرد در آورده مجله‌ئيست كه تا چندی قبل بصورت ماهانه مخصوص بحث وتحليل كتاب در ايران منتشر ميشد. و اكنون مدتست جنبه فصلی بخود گرفته. مندرجات آن بدو جزء قابل تقسيم است. مطالبی درباره كتب قديمی و گاه اقتباساتی از آنها همراه با ذكری از كتابخانه‌های ايران، و دوم کتبی كه در همراه در تهران واحياناً شهرستانها انتشار مييابد.

مجلات قابل ملاحظه و با ارزش ديگر هم در تهران منتشر ميشود از جمله مجله راديو - هنر و مردم - مجلات اختصاصی دانشكده‌ها - تحقيقات اجتماعی - پرواز - ارتش - پليس - دايبرز - مجله صنعت نفت ايران وغيره كه چون در گروه بندی سلسله مقالات ما نمي‌آيند يعني نشریات دولتی و يا سازمانهای وابسته بدولت و يا مجلات اختصاصی مؤسسات تجارتي هستند از بحث درباره آنها خودداری ميشود. بعلاوه از مجلات ماهانه بعضی از انجمنهای روابط فرهنگي، از جمله آئينه هند، نشریه انجمن ايران وهند، و پيام نوين، نشریه انجمن فرهنگي ايران با اتحاد جماهير شوروی بحثی در اينجا نميشود، گواينكه سهم اين دو مجله وبخصوص پيام نوين در معرفي ادبيات فارسی در مقام قياس با ساير مجلات هم‌منظير كم نيست.



مطبوعات شهرستانها

در شهرستانها ۸۴ روزنامه و شش مجله منتشر میشود که از
تنوع _____ حیث نوع انتشار از نظر تاریخ، مزیت قابل ملاحظه بر
مطبوعات تهران دارد .

مطبوعات در شهرستانها بهشت نوع مختلف انتشار میابد، بدین معنی که
نه فقط روزنامه یومیه (۷ روزنامه) و هفتگی (۶۵ روزنامه) وجود دارد بلکه
مطبوعاتی هم هست که در هفته دو شماره چاپ میکنند (۲ روزنامه) و برخی که
در هفته سه شماره بچاپ میرسانند (۲ روزنامه) و جالب آنکه يك روزنامه
در ماه سه شماره و يك روزنامه دیگر هر سه هفته يك شماره انتشار مییابد.
در مورد مجلات باید گفت که در شهرستانها سه مجله نامنظم هفتگی و
سه مجله نامنظم ماهانه بچاپ میرسد. ضمیمه‌های هفتگی که ممکنست بعضی
از روزنامه‌های یومیه شهرستانی اتفاقاً انتشار دهند و همچنین يك روزنامه‌ای
يك لثی که فقط يك روی کاغذ چاپ میشود در این تقسیم‌بندی منظور نشده‌اند.
چنانچه ملاحظه میشود اکثریت قابل ملاحظه مطبوعات شهرستانها
را روزنامه‌های هفتگی تشکیل میدهند زیرا ۶۵ نشریه از ۸۴ روزنامه هفته‌ئی
يك شماره بچاپ میرسد.

تعداد روزنامه‌ها در همه استانها یکسان نیست . این امر به وسعت
استان نیز بستگی ندارد . بلکه کثرت جمعیت و درصد با سوادان استانها
حائز اهمیت و علت اصلی است ، با در نظر گرفتن این حقیقت که وضع چاپ
و چاپخانه در استانها چندان مطلوب نمیشد ، بخصوص که هنوز تشکیلات
تهیه کلیشه و گراور تقریباً در هیچ استانی وجود ندارد .

حال بینیم روزنامه‌ها و مجلات بجه ترتیب بین استانها

تقسیم و فرما نداریه‌ای کل تقسیم شده‌اند :

در این ردیف مقام اول با خراسان است (۱۸ نشریه)
بعد نوبت اصفهان می‌رسد (۱۰ نشریه) آنگاه گیلان پیش می‌آید (۹ نشریه) سپس فارس و استان مرکزی منهای تهران (هر کدام ۷ نشریه) بدنبال این نواحی تعداد نشریاتی که در هر ناحیه دیگر منتشر می‌شود بدین شرح است . آذربایجان شرقی ۶ - کرمانشاه ۶ - همدان ۶ - خوزستان ۴ - مازندران ۳ - کرمان ۲ - و بقیه در سایر نواحی . برای اطلاع بیشتر لطفاً به فهرست آخر کتاب مربوط به مطبوعات شهرستانها مراجعه کنید .

مطبوعات شهرستانها نه فقط از حیث محل انتشار بلکه از

قطع و صفحه نظر قطع و تعداد صفحات نیز دارای تنوع و اختلاف قابل

ملاحظه هستند . زیرا در حالیکه بزرگترین آنها

از حیث قطع (عدل ، چاپ شیراز) 35×51 سانتیمتر است کوچکترینشان از این حیث (بیهق ، چاپ سبزوار) 20×30 سانتیمتر میباشد . ولی اکثریت قریب باتفاق آنها دارای قطعی نزدیک به بزرگترین هستند .

روزنامه‌های شهرستانها اکثراً چهار صفحه‌ای، ولی هشت نشریه در هشت صفحه انتشار می‌یابند و بعضی از آنها گاه تا دوازده صفحه هم می‌رسند . بقیه دو صفحه‌ای یا با اصطلاح مطبوعاتی يك لثی هستند . و فقط يك روزنامه يك صفحه‌ای !! (يك رو ، بصورت آگهی) و قطع كوچك انتشار می‌یابد که صفحه قبل از آن یاد شده است .

بیشتر روزنامه‌های شهرستانها سعی دارند حاشیه و یا چند کادر رنگی برای زیبایی داشته باشند و بعضی از آنها سرلوحه صفحه اول روزنامه را رنگی چاپ می‌کنند .

اختلاف بزرگ مطبوعات شهرستانها با تهران در تیراژ آنهاست . زیرا فقط ۱۰ تا ۱۵٪ آنها بیشتر از هزار شماره چاپ می‌کنند و بقیه بطور متوسط بین پانصد تا هشتصد نسخه دست و پا می‌زنند .

حروف اکثر روزنامه‌های شهرستانها از نوع درشت است و این امر

بدان سبب که مطلب کم دارند. از چهار صفحه روزنامه شهرستانی معمولاً صفحه اول را يك سرمقاله و چند مطلب پر میکند. صفحات دوم و سوم آگهی‌های ثبتی، دولتی است، و صفحه چهارم يك تا حداکثر سه خبر کوتاه از شهرستان مربوط و بقیه‌های صفحه اول.

از روزنامه‌های دو صفحه‌ای شهرستانی در حدود ۱۰٪ مطلب است و بقیه آگهی دولتی. ولی وضع روزنامه‌های یومیه و هفتگی بعضی از آنها کاملاً با سایرین متفاوت است، بطوریکه چند روزنامه شهرستانی با مطبوعات تهران برابر می‌کنند و يك روزنامه در شیراز انتشار می‌یابد (پارس) که مطبوعات همانند آن از حیث تاریخ انتشار بهیچوجه قابل قیاس با آن، از نظر محتوی، نیستند. مختصات دیگری که بطور کلی برای روزنامه‌های شهرستانها میتوان شمرد بالاخصار بدین قرار است.

صفحه بندی صفحات اول و دوم روزنامه پارس (چاپ شیراز) و ندای فومن (چاپ رشت) بر دیگران می‌چربد. در بین مطبوعات استان‌های مختلف روزنامه‌های شیراز بشعروادب بیش از همکاران توجه دارند. بعضی از روزنامه آذربایجان شرقی تزه‌های سیاسی را خیلی خوب بزبان ساده تجزیه و تحلیل میکنند (عصر تبریز، چاپ تبریز) - روزنامه‌های خوزستان در تنوع مطلب بیش از دیگران از خود سلیقه نشان میدهند. بعضی از روزنامه‌های شهرستانی يك تا سه نویسنده و خبرنگار در تهران دارند.

در بین روزنامه‌هایی که در شهرستانها انتشار می‌یابد فقط دو روزنامه یومیه چاپ مشهد با یکدیگر شدیداً رقابت میکنند و گرنه رقابت محسوس بین مطبوعات در سایر شهرستانها به چشم نمی‌خورد.

قیمت روزنامه شهرستان يك یا دو ریال و اکثریت با گروه اول است. بیشتر این نشریات قیمت تك شماره را ذکر نمی‌کنند، تا در مورد اشتراك روزنامه، دست صادرکننده قبض باز باشد.

روزنامه‌های شهرستانها باستثنای چند نشریه تك فروشی قابل ملاحظه ندارند. ولی تعداد مشترکین بنسبت روزنامه‌های تهران زیاد است. بعلاوه اکثر این روزنامه‌ها نیز نظیر بعضی از مطبوعات صبح تهران توسط موزع نشریه در ادارات و مؤسسات توزیع میگردد.

روزنامه‌های شهرستانها معمولاً بوسیله پست به تهران میرسد. بعضی از آنها نشریه خود را با پاکت می‌فرستند تا تمیز بدست دریافت‌کننده برسد. اکثر روزنامه‌های شهرستانی کثیف چاپ میشود و علت آن نبودن وسائل کافی چاپ است. بعلاوه کاغذ بد نیز در این امر بی‌اثر نیست. از مطبوعات که در شهرستانها انتشار میشود قریب به ۱۵٪ دارای چاپخانه هستند. روزنامه‌های شهرستانها یا عکسی ندارند یا عکسهایشان تکراریست و یا اگر هم بخواهند عکسی چاپ کنند ناچارند آنرا برای تهیه کلیشه به تهران بفرستند و از اینرو ارزش خبری ندارد.

در بعضی از حاکم نشین‌های استان با اینکه تعداد هفته‌نامه کم نیست مع الوصف تا بحال مدیران آنها حاضر نشده‌اند يك اقدام مالی دسته‌جمعی برای ایجاد وسائل تهیه‌کننده کلیشه بعمل آورند.

برای بحث درباره محتوی مطبوعات شهرستانها دوروزنامه‌ای نمونه‌ها : انتخاب میشود که از حیث محل انتشار، نوع انتشار، تعداد صفحات، قطع و تنوع مطالب با یکدیگر اختلاف بسیار دارند، ولی هر يك از آنها کم و بیش نموداری است از نشریات همانند خود در شهرستان خود و یاسایر استانها.

برای انتخاب دو روزنامه نمونه، مطبوعات یومیه شهرستانها نادیده گرفته میشوند، زیرا طبیعت کار آنها، تا حدی محدود و مشکل‌تر، همانند روزنامه‌های یومیه پایتخت است، با افزودن این واقعیت که قسمتی از خبرهای هر يك از آنها محلّیست.

هنگام بحث درباره مطبوعات شهرستانها باید بموضوعی بعنوان يك نقطه ضعف اشاره کرد. بدین معنی که گفت خبر محلی بطور کلی در این مطبوعات ناچیز است. بطور متوسط بین ۳ تا ۵٪ مندرجات این روزنامه‌ها را خبرهای شهرستان و استان مربوطه تشکیل میدهد.

دوروزنامه مزبور یکی پارس چاپ شیراز است و دیگری بی‌هق چاپ سبزوار.

حال روزنامه پارس را تجزیه و تحلیل میکنیم :

روزنامه پارس قطع ۳۵ × ۵۰ سانتیمتر، با هشت صفحه هفت ستونی. این روزنامه هفته‌ای دوبار در روزهای دوشنبه و پنجشنبه

انتشار مییابد.

حروف متنوع است و صفحه بندی صفحات اول و آخر با دقت و سلیقه انجام میگردد. ولی صفحات داخلی علیرغم تنوع مطلب با ستون های بلند و یکنواخت، خسته کننده مینماید.

در صفحه اول تیترهای مهمترین مطالب روز اعم از خبر یا تفسیر، همراه با چند عبارت از قسمت اول آنها میآید. فقط سرمقاله است که در این صفحه بطور کامل و تمام به چاپ میرسد.

صفحه دوم مخصوص خبرهاست. ستون اول به اخبار شیراز اختصاص دارد و خبرهای دیگر از جمله داخله و خارجه و همچنین خبرهای کشورهای اسلامی بین سایر ستون ها تقسیم میشود. در صورتیکه میزان اخبار زیاد نباشد، دنباله يك تا سه مقاله در این صفحه قرار میگردد.

صفحه سوم تا پنجم مخصوص مقالات متنوع اقتصادی، اجتماعی و آموزنده است. مقاله يك ستونی با مضاء دبیر که اکثراً در صفحه چهارم قرار دارد در این جمع خیلی جالب مینماید. با اینکه آگاهی از صفحه پنجم شروع میشود ولی تمام صفحه ششم اختصاص بآن دارد. در صفحه هفتم بقیه ها همراه با آگاهی دیده میشود. صفحه هشتم روزنامه مخصوص مقالات ادبی و تاریخی است. در این صفحه در قسمت بالا سمت راست مختصات روزنامه ذکر شده و کنار آن کلمات قصار پیغمبر اکرم در يك کادر يك ستونی جلب توجه میکند. سمت چپ این کادر سخنان مولای متقیان دوستونی قرار گرفته.

نسبت مندرجات در يك شماره بطور متوسط بدین قرار است: سرمقاله ۲٪ - خبرهای جهان ۸٪ - که در حدود يك پنجم آن خبرهای کشورهای اسلامی است - خبرهای استان فارس ۵٪ - خبرهای ایران ۳٪ - ترجمه مقالات خارجی از جمله تفسیر سیاسی ۸٪ - مقالات تاریخی ۲٪ - مقالات اجتماعی و اقتصادی ۱۸٪ - خواسته های مردم ۳٪ - شعرا و بیات ۵٪ - مطالب سرگرم کننده ۹٪ آگاهی ۲۱٪ و بقیه را مقالات مختلف و متنوع تشکیل میدهد.

روزنامه پارس نشریه ئی است که سعی دارد نقش يك روزنامه خبری یومیه و يك هفته نامه با هدف را توأماً بازی کند. و نه فقط از این حیث بلکه از نظر انتخاب مطلب، نحوه تلفیق مندرجات با یکدیگر و همچنین چاپ، روزنامه ئی است که بسیاری از مطبوعات تهران بپای آن نمیرسند. عباس پهلوان، سردبیر مجله فردوسی هنگامی که راجع باین روزنامه

با هم صحبت میکردیم گفت « هر وقت که روزنامه پارس را ببینم یاد معلم اخلاق میافتم » و این قشنگترین تعریفیست که برای پارس میتوان کرد . زیرا مثل معلم اخلاق دقیق ، منظم ، بموقع و اثر کننده است .

و اما هفته نامه بیهق : قطع 30×20 سانتیمتر . دارای هفته نامه بیهق چهار صفحه و هر صفحه پنج ستون . حروف از نوع ریز ، معمولاً هشت و ده سیاه است . فقط آگهی ها که در سایر روزنامه ها اکثراً با حروف ۱۸ دیده میشود در این نشریه با دوازده سیاه بچشم میخورد . قبل از بحث درباره آن شاید خالی از لطف نباشد افزوده شود که بیهق از نظر امتیاز ، مجله هفتگی است و این واقعیت نیز در محلی که مختصات نشریه ذکر میشود با کلیشه تأکید شده است . اما بصورت يك هفته نامه چهار صفحه ای انتشار مییابد .

نام نشریه ، در صفحه اول بقطع خیلی بزرگ بالا وسط قرار گرفته و تاریخ ، شماره و محل انتشار نیز در اطراف آن دیده میشود .

در طرفین نام نشریه ، سمت راست ، معمولاً يك مقاله کوتاه جا میگیرد که در آن صحنه ای از زندگی تشریح میشود و خواننده را به جنبه های اخلاقی حیات و دستگیری و کمک متوجه میسازد : و سمت چپ کلیشه سخنان حضرت علی میآید .

خبرهای محلی در این هفته نامه نسبت به سایر نشریات شهرستانها قابل ملاحظه است ولی بطور متوسط از دوازده درصد تجاوز نمیکند .

مندرجات این « مجله هفتگی » را که لباس هفته نامه بتن کرده بدین شرح تقسیم میتوان کرد : سرمقاله ۵٪ - مطالب خانوادگی ۵٪ - مقالات اجتماعی و اخلاقی ۲۱٪ - پاورقی ۶٪ - خبرهای محلی ۱۲٪ - آگهی ۱۵٪ و بقیه را مطالب متفرقه تشکیل میدهد .

بیهق علیرغم قطع کوچکش بسبب انتخاب حروف ریز مطلب زیاد دارد جالب آنکه اکثراً پاورقی هم میگذارد و گاه مطالب کوچک ولی عالی سایر همکاران خود را نقل میکند .

این نشریه همانند مطبوعات شهرستانی فرا رسیدن سال جدید مطبوعاتی را به همکاران خود تهنیت میگوید . ابراز خوشوقتی از آغاز دوره جدید

از جمله مختصات مطبوعات شهرستانهاست حال آنکه این حسن نزد مطبوعات پایتخت ضعیف است ، بخصوص دو روزنامه اطلاعات و کیهان خیلی بندرت ممکنست چنین کنند.

در پایان این قسمت نکات زیر را بعنوان يك یادآوری زودگذر میتوان افزود که :

۱ - مندرجات مطبوعات شهرستانی بطور کلی خواننده محلی را قانع نمیکند .

۲ - خبر محلی در آنها ناچیز است.

۳ - خاطرات مدیران از سفرهایی که بعمل میآورند غالباً طولانی و بصورت خسته کننده درمیآید.

۴ - تحسین از مقامات اداری استان در آنها زیاد بچشم میخورد.

در جمع مطبوعات شهرستانها استثنائاتی هم وجود دارد که چون تعداد آنها ناچیز است لذا باصطلاح ساده در آتش دیگران میسوزند .

توزیع در تهران و شهرستانها

توزیع مطبوعات از نظر کلی بدو قسمت تفکیک میشود (۱) توزیع در تهران و (۲) توزیع در شهرستانها که امری جدا از اولی است .

مطبوعات تهران را دو تشکیلات جدا از هم در شهر و حومه توزیع میکنند که یکی « اتحادیه فروشندگان جراید » است، متشکل از اکثریت فروشندگهای مجلات و روزنامهها : و دیگری « شرکت پخش مطبوعات » که فقط نشریات دوماهنامه و کیهان و همچنین مجله خواندنیها و هفته نامه توفیق را توزیع میکنند .

تهران از نظر توزیع بسه قسمت منقسم است. (۱) تهران منطقه توزیع مرکزی یا در واقع قسمت متروپولیتن پایتخت محدود به مستطیلی که اضلاع آنرا بترتیب خیابانهای شاهرضا -

بهارستان - بوذرجمهری و پهلوی تشکیل داده باشد . بسیاری از روزنامههای صبح و یکی دو روزنامه عصر و همچنین هفته نامهها و حتی مجلات کوچک هفتگی و ماهانه را فقط در این مستطیل میتوان یافت . (۲) شهر تهران که حدود آن از شمال بخایبان عباس آباد ، از مشرق بتهران نو ، از جنوب بمولوی و از مغرب به خیابان خوش محدود میشود . و (۳) حومه ، که مناطقی چون قلهک ، تجریش ، نارمک ، تهران پارس و امثال آنرا شامل میگردد . در قسمت دوم یعنی شهر تهران است که فقط روزنامههای بزرگ عصر و مجلات هفتگی را براحت میتوان بدست آورد .

روزنامه ، نخست توسط سه چرخه های موتوری و برای حومه توسط

جیب و وانت از چاپخانه خارج میشود و بنا بر ارقامی که قبلاً تهیه شده بین ۲۲ منطقه فروش تقسیم میگردد .

در مناطق فروش نخست روی میز روزنامه فروش قرار میگیرد . میز روزنامه فروش درواقع يك قفسه کم ارتفاع و عریض و یایک تخت مستطیل شکل و پایه کوتاه چوبی یا فلزی است که انواع روزنامه‌ها و مجلات و حتی کتابهای جیبی را بر آن میتوان دید . بعضی ها این میز را « بساط » هم میخوانند . فاصله این نوع میزها در قسمتهای شلوغ شهر از سیصد متر تجاوز نمیکند، ولی در خارج از « تهران مرکزی » این فاصله گاه تا دو کیلومتر هم میرسد . در تهران کمی بیش از سیصد تخت روزنامه فروشی وجود دارد . در حالیکه ممکنست یک نفر دارای چند تخت باشد ، هیچ تختی نیست که چند



میز روزنامه فروش در يك نقطه پرفروش . این عکس بامداد پنجشنبه سیام مهرماه ۱۳۴۳ در خیابان پهلوی روبروی پارکی که سابقاً کافه شهرداری خوانده میشد گرفته شده است . (عکس از فتو بهروز)

صاحب مشترك داشته باشد. هريك از اين تخته‌ها دارای سرقفلی است که بنسبت مركزيت و عبور و مرور جمعيت از برابر آن متغير است. سرقفلی ميزهای خيابان اسلامبول و نادری در حدود يكصد هزار ريال است. سرقفلی ميز جنب سينما راديو سیتی اخيراً هفتاد هزار ريال معامله شد.

روزنامه از روی ميز بدو صورت فروخته میشود (الف) فروش آنی ، به مشتری عابر و (ب) فروش توسط روزنامه فروش دوچرخه سوار . کار دوچرخه سواران آنستکه تعداد معینی روزنامه از ميز میگیرند و در مسیر معینی بفروش میرسانند. در حالیکه خریداران آنی از ميز ، اشخاص متفرقه‌اند، خریداران روزنامه از دوچرخه سوار را اکثراً مشتریان ثابت - دكاكين و منازل - تشكيل میدهند . اين نوع مشتریها اغلب پول روزنامه یا مجله را در آخر هفته و یا در پایان ماه بفروشنده میپردازند .

از دوروزنامه اطلاعات و کیهان اولی بیشتر باینصورت فروخته میشود . یعنی خریداران آن بیشتر مشترکین روزنامه فروش هستند تا خریداران آنی یعنی عابرين .

در شهر تهران نزدیک به ۷۵۰ روزنامه فروش دوچرخه-

تعداد و درآمد سوارو یا پیاده داریم. اینها بنام و شاگرد، روزنامه فروشهای

اصلی که تعدادشان به ۱۵۰ نفر میرسد خوانده میشوند.

متوسط درآمد يك شاگرد یا روزنامه فروش دوچرخه سوار متغير ، ولی بین

۱۰۰ تا ۱۵۰ ريال ، در روز است^۳ و متوسط درآمد روزنامه فروش اصلی

در حدود پانصد ريال .

معمولاً صدی بیست از قیمت اصلی مجله بروزنامه فروش تعلق میگیرد.

دو روزنامه کیهان و اطلاعات در اینمورد مستثنی هستند. زیرا از هر شماره

ظاهراً ۱/۲۵ ريال بفروشنده میدهند ولی قسمتی از این درآمد بعنوان گوناگون

و مسائل مربوط بشرکت پخش مطبوعات بخود برمیگردد و بچیب فروشنده نمیرود.

سن فروشندگان دوچرخه سوار بین ۱۶ تا ۷۰ است و هستند چند

نفری در جمعشان که سابقه روزنامه فروشی آنها بالغ بر ۳۵ سال میشود .

سواد فروشندگان دوچرخه سوار بین ششم ابتدائی تا دیپلم متوسطه

است. چند نفر آنها از آغاز کار در کلاسهای اکابر شروع بتحصيل کرده‌اند

و اکنون خود را برای دانشگاه آماده میسازند. از نظر اطلاعات عمومی معلومات این گروه بالا است و عده‌ئی از آنها قدرت قابل ملاحظه‌ئی در تجزیه و تحلیل مسائل داخلی و سیاسی دارند.

گروه سیار دیگر هم در تهران هست که «گروه سیار» نامیده میشود. افراد این گروه اغلب بواحدهای چهار پنج نفری تقسیم میشوند و روزنامه را با فریادهای پی در پی درباره مندرجات آن، بمنظور جلب مشتری، بفروش میرسانند. روزنامه‌هایی که بیشتر اخبار جنائی و سرعت و امثال آنرا بچاپ رسانند وسیله ارزنده‌ئی برای کسب درآمد افراد گروه سیار هستند. منطقه عملیات این گروه جنوب شهر تهرانست مشروط بر آنکه خیابانهای سپه و امیر کبیر را مرز شمال و جنوب پایتخت تصور کنیم.

این افراد که روزنامه منظور خود را پیش خرید میکنند نیم بها آنرا بعنوان درآمد خود ضبط میکنند و رقبای ایشان آنها را بطور شوخی «فروشدگان آشفالی» عنوان داده‌اند.

با در نظر گرفتن شمال و جنوب تهران باید گفت که کلیه روزنامه‌ها و مجلات در شمال تهران فروش بیشتر دارند باستثناء روزنامه مذهبی ندای حق که صدی هشتاد و پنج فروش آن در جنوب شهر است. متقابلاً مجلات سینمایی در جنوب شهر کمتر از صدی هفت شمال فروش دارند.

روزنامه اطلاعات که تقریباً ۳۵٪ آن در تهران به فروش میرسد در بازار و حومه نزدیک آن، از روزنامه کیهان بیشتر فروش دارد. ولی در منطقه مرکزی شهر (خیابانهای شاه، فردوسی، سعدی و قسمت مرکزی خیابان شاهرضا) فروش روزنامه کیهان بین یک تا سه برابر بیشتر از روزنامه اطلاعات است. بین ۳۷ تا ۴۱٪ از تیراژ روزنامه کیهان در تهران و حومه آن فروخته میشود.

هر دو روزنامه اطلاعات و کیهان اگر چه در شرکت پخش مطبوعات هم‌کاسه هستند ولی در حومه دارای کیوسکهای جداگانه‌اند و هر کیوسک نشریات یک مؤسسه را میفروشد، همراه با سایر مجلات و بعضی از روزنامه‌ها.



باین ترتیب صفحات لائی دو روزنامه اطلاعات و کیهان در ساعات اول
بعد از ظهر توسط سه چرخه‌های موتوری در نزدیکی مرکز پخش منطقه فروش
رها میشود . این عکس ساعت ۱۴/۳۰ پنجشنبه سیام مهرماه ۱۳۴۳ از
ضلع شمال غربی چهار راه پهلوی - شاهرضا برداشته شده است .
(عکس از فتو بهروز)

نکات دیگری درباره توزیع که میتوان فقط فهرست وار
چند نکته دیگر بآنها اشاره کرد در زیر اضافه میشود :

بسیاری از مجلات کم تیراژ هفتگی و همچنین مجلات ماهانه
توسط پست دولتی توزیع میشود . قیمت تمبر برای ارسال روزنامه در تهران
یکشاهی و برای شهرستانها پنجشاهی، یعنی بترتیب یک بیستم و یک هشتم هزینه

ارسال يك پاكٲ عاځى پست است .

مجله ترقى براى توزيع تشكيلات كوچك و خاص دارد. بهمين ترتيب است روزنامه پست تهران كه يك گروه دو چرخه سوار آنرا بمشتر كين ميرساند. اين روزنامه فقط در يكي دو خيابان بين ميزهاى روزنامه فروش توزيع ميشود .

روزنامه پيغام امروز توسط موزعين محدود بين چند خط بمشتر كين ميرسد و از نظر توزيع روى ميز روزنامه فروش كمى از روزنامه پست تهران پيش است.

بعضى از روزنامههاى صبح توسط موزع خود آنها در ادارات دولتى و برخى از مؤسسات توزيع ميشود.

چند روزنامه شهرستان از جمله پارس (شيراز) ، روزنامه خراسان ، آفتاب شرق (مشهد) ، روزنامه پرچم خاورميانه (آبادان) نيز در خدمه ميني، در تهران توزيع ميگردد . دو روزنامه چاپ مشهد معمولاً صبح روز بعد از انتشار در تهران ديده ميشود و روزنامه پارس سه روز بعد از انتشار در آن شهر. روزنامه مرد مبارز (ملايير) ، وسيعتر از سه نشريه فوق ، در روز انتشار در تهران توزيع ميگردد.

توزيع در
شهرستانها

حال بتوزيع مطبوعات تهران در شهرستانها توجه كنيم :
توزيع شصت تاشصت و پنج درصد روزنامههاى اطلاعات و
كيهان و بطور متوسط ٤٥٪ از اكثر مجلات تهران در
شهرستانها سبب گشته كه توزيع مطبوعات تهران در آن صفحات بصورت مسئله
خاص در آيد .

دو روزنامه بزرگ عصر در تهران داراى «سرويس شهرستان» مركب از چندين كارمند هستند. كاراين سرويس فقط جنبه مطبوعاتى و خبرى ندارد، بلكه بامور حسابدارى وامثال آن نيز ميرسد. در ساير روزنامهها و بخصوص مجلات هفتگى فقط يكتفر امور شهرستانها را زير نظر دارد .

روزنامه و مجله توسط سه وسيله حمل و نقل، و بترتيب مقدار، با اتوبوس، ترن و ندرتاً هواپيما بشهرستانها ارسال ميشود . توزيع در خارج از تهران يكي از بزرگترين مشكل مطبوعاتى ما را تشكيل ميدهد. زيرا نرخ هواپيما

بسیار گرانست ، راه آهن بکلیه شهرهای بزرگ کشیده نشده ، و مؤسسات اتوبوسرانی که حمل روزنامه و مجله را قبول کرده اند واحدهای غیرمسئول هستند . بنگاه های مسافربری که امروزه یش از دیگران بحمل روزنامه و مجله میپردازند عبارتند از تی بی تی ، میهن تور ، گیتی نورد و ایران پیمای . توزیع بعضی از روزنامه ها و مجلات کم تیراژ بوسیله اداره پست در شهرستانها صورت میگیرد .

توزیع در شمال ایران (استانهای آذربایجان شرقی و غربی - گیلان - مازندران - گرگان و خراسان) بطورکلی سریعترا و راحت تر از جنوب کشور و سایر نواحی ، باستثنای تهران * است . فقط در دوماه از زمستان توزیع مطبوعات در برخی از شهرهای آذربایجان مشکل میشود و گاه بعید نیست که مثلاً بیست شماره مسلسل از یک روزنامه باهم برسد .

روزنامه اطلاعات در سراسر کشور ۸۰ و روزنامه کیهان

نمایندگان

۵۰ نمایندگان دارند. هرچند نماینده در یک استان زیر

نظر نماینده ساکن حاکم نشین آن استان انجام وظیفه

میکنند .

در شهرهای بزرگ نمایندگان گیهای اطلاعات و کیهان چند موزع دوچرخه سوار و پیاده دارند که روزنامه را بمشترکین میرسانند . اغلب این موزعین شاگردان دبیرستانی هستند که بین سیصد تا هشتصد ریال حقوق در ماه دریافت میدارند.

نمایندگان گیهای اطلاعات در شهرستانها فقط نشریات مؤسسه اطلاعات را بفروش میرسانند ، حال آنکه نمایندگان گیهای کیهان اکثر مجلات و مطبوعات دیگر را نیز عرضه میکنند .

غیر از دو روزنامه فوق فقط چند مجله ، آنهم در بعضی شهرها چون اصفهان ، مشهد ، آبادان ، تبریز ، رشت و شیراز ، دارای نمایندگان مخصوص هستند .

* روزنامه های خبری عصر تهران بطور متوسط پنج روز بعد از انتشار

بشهر بستک واقع در ۱۰۴ کیلومتری لار میرسند.

نماینده‌ها در حالیکه يك حرفه مطبوعاتی انجام میدهند اغلب مشاغل مختلف دیگر هم دارند، چون عضویت در ادارات دولتی، کارمندی مؤسسات وابسته بدولت، بانکها و همچنین تجارت. و در شهرهای کوچک و دهات عطاری و بقالی. مطبوعات تهران معتقدند که نمایندگیهای شهرستانها بطور کلی بد حساب هستند و افرادی که منظم و خوش حساب باشند انگشت شمارند.

کار نماینده روزنامه در شهرستان جنبه تجارتی دارد نه روح مطبوعاتی. درك همین واقعیت بدنبال خبرهای دروغی که نمایندگان اطلاعات و کیهان سالها بدبیر شهرستانها قالب زدند، و این امر در جدال مطبوعاتی کیهان و اطلاعات بر ملا شد، سبب گشته که دو نشریه مزبور و همچنین سایر مجلات متدرجاً کار خبرنگاران را در شهرستانها از نمایندگی جدا سازند.

نماینده‌های مطبوعاتی در شهرهای بزرگ بطور متوسط شصت هزار ریال درآمد ماهانه دارند. در شهرهای متوسط این رقم به ده هزار ریال و در شهرهای کوچک ناگاه به پنج هزار ریال سقوط میکند.

درآمد روزنامه از شهرستان کمی بیش از نصف بهای آنست. بدین معنی که نماینده، با در نظر گرفتن سابقه و زمینه کار، بین ۲۰ تا ۲۵ درصد برای خود منظور میکند. و چون حمل و نقل و سایر هزینه‌های مختلف را بدان بیفزائیم رقم مزبور برای روزنامه به ۴۰٪ میرسد.

مطبوعات تهران بطور کلی در شمال کشور بیشتر فروش شمال، بیشتر دارند تا جنوب. هرگاه نواحی مذکور در صفحه قبل را

شمال بدانیم، میبینیم که جمعیت آن طبق آخرین سرشماری و ارقام رسمی بالغ بر شش میلیون میشود، و هرگاه جمعیت تهران را دومیلیون نفر بدانیم، بخوبی ملاحظه میشود که میزان فروش مطبوعات در جنوب، با يك جمعیت سیزده میلیون نفری، بمراتب کمتر از شمال، با يك جمعیت شش میلیون نفری، است.

این واقعیت عللی دارد، که مهمترین آن سهولت توزیع مطبوعات در شمال است بسبب کوتاهی راه و فواصل. بطور متوسط فاصله دو آبادی در نقاط شمال از پنج کیلومتر تجاوز نمیکند. حال آنکه همین فاصله در جنوب در مسیر جاده‌های اصلی بندرت کمتر از نود کیلومتر است.

علت دوم ، رفاهیت نسبی مردم است در شمال . قدرت خرید روزنامه در شمال بطور کلی بیشتر از جنوب است ، گوا اینکه پرتیراژترین مطبوعات ما در ردیف گرانترین روزنامه‌ها هستند.

علت سوم ، اختلاف سطح فرهنگی است که بین شمال و جنوب کشور وجود دارد. این سطح در شمال بمراتب بالاتر از صفحات است. بعید نیست که يك یا چند شهر در جنوب در درجه اول قرار گرفته باشند ، ولی بحث ما کلی است وباستثناها توجه نداریم.

دستمزد کار در روزنامه‌ها

درمطبوعات ما استخدام نویسنده - بمعنی اعم - برهیچ پایه استخدام پایه‌ی اساسی و مدونی نیست . بعبارت دیگر . مقرراتی که مشترکاً طرف توافق مدیر و نویسنده باشد وجود ندارد .

هیچ قانون دولتی نیز تاکنون وضع نگشته تا از چنین گـروه روشنفکری بعنوان يك صنف حمایت کند : گروهی که موظف است با قلم خود مردم را از اوضاع و پیشرفتهای مملکت آگاه سازد و درایشان ایجاد امید کند ، در حالیکه خودش بآینده زندگی خویش و خانواده از نظر استخدامی امید و اطمینانی ندارد ، زیرا پایه استخدامش برهیچ است ، و چه بهتر که تکرار شود استخدامش پایه‌ئی ندارد .

نخستین و ساده‌ترین اقدامی که يك مؤسسه برای آغاز کار يك کارمند بعمل می‌آورد اینست که حکمی در این زمینه بدست او میدهد . ولی درمطبوعات ما حتی از چنین حکمی هم اثری نیست .

کارمطبوعاتی ، بنظر افرای که مسائل راسطحی نگاه میکنند ، براساس تفاهم مدیر و نویسنده شروع میشود ، و تا زمانی که میل مدیر باشد ، ادامه دارد . روزیکه مدیر يك نشریه مایل نبود نویسنده درمؤسسه او کار کند خیلی آسان ، و بدون تعهد ، عذرش را میخواهد . فرد اخراج شده نه مدرکی دارد که باستناد آن اقدامی کند ، و نه قانونی که از وی حمایت نماید .

این رویه تاکنون درجهت ضرر نویسنده مطبوعاتی بوده ولی بهمرحله‌ای رسیده که از ادامه بیشتر آن ، هم مدیران وجداناً ناراحتند ، و هم نویسندگان .

معدلك از این کلیات نباید نتیجه گرفت که نویسنده استثمار شده مدیر است . بلکه باید تأکید کرد که وضع نامشخص موجود ، واسولی که برای استخدام تاکنون مدون نگردیده ، اثرات نامطلوب روانی بر آنهایی دارد که زحمتکشان مطبوعات هستند . در صورتیکه مقرراتی روی کاغذ آید ، نویسندگان انفرادی ویا بطور دسته جمعی ، قرارداد کار با مدیران خود امضاء کنند اکثر ناراحتیهای فکری موجود مرتفع میگردد .

طبقه بندی
نویسندگان

حال ببینیم وضع کار طبقه بندی نویسندگان و روزنامه ها از نظر دستمزد چیست ؟

افرادی را که برای يك روزنامه کار میکنند به سه گروه کلی میتوان تقسیم کرد . (۱) هیأت تحریری (۲) چاپ (۳) کارمندان دفتری . قبل از بحث راجع به گروه شماره يك ، در باره دو گروه دیگر بالاخص میتوان گفت که ، حرفچین ، مصحح ، متصدی ماشین چاپ ، گراورساز و آنهاییکه اینگونه کارهای فنی انجام میدهند در گروه دوم هستند و مستفیض از قانون کار ، هر چند که دستمزدشان کم باشد . گوا اینکه ، در این قسمت وضع مصححین نامعلوم است . زیرا ، نه جزء کارگران محسوب میشوند که قانون کار حمایتشان کند ، و نه در ردیف هیأت تحریری که دستمزدشان در سطحی نسبتاً بالاتر قرار گرفته باشد . گروه سوم را کارمندان دفتری تشکیل میدهند ، و کارشان نوعیست که هر زمان صلاحشان باشد میتوانند در مؤسسه یا ادارهئی دیگر ، با حقوق بیشتر ، مشغول شوند ، حال آنکه این تسهیل برای اعضاء هیأت تحریری وجود ندارد .

نویسندگان از نظر طبیعت و نحوه کار سه گروهند .

دستمزد (الف) نشسته : یعنی آنهایی که در مؤسسه تمام وقت

پشت میز هستند (ب) متحرك : یعنی آنهاییکه برای

تهیه خبر و مطلب خارج از مؤسسه فعالیت میکنند ، و معمولاً اواخر وقت بروزنامه میروند تا بتدوین مطالب خود بپردازند . این دو گروه کم و بیش حقوق ماهانه حقوق دریافت میدارند (پ) متفرقه : یعنی آنهاییکه مطلب خود را اعم از خبر یا مقاله یا ترجمه در اختیار روزنامه میگذارند . و اجباری ندارند در دفتر روزنامه بنشینند . افراد این گروه معمولاً دستمزد ثابت ندارند ،

بلکه بسته به میزان مطلبی است که در طول ماه از آنها در نشریه بچاپ رسیده باشد .

نحوه دریافت دستمزد نیز بنوبه خود سه گونه است : ماهانه ، صفحه‌ئی و مطلبی . در روزنامه‌های بزرگ ، اصل برگونه اول است ، حال آنکه در روزنامه‌های دیگر و بخصوص مجلات روش صفحه‌ئی و یا مطلبی معمول می‌باشد . از طرف دیگر ، مطبوعات از نظر پرداخت دستمزد بدو دسته منقسمند (یک) روزنامه‌های یومیه یا هفتگی و (دو) مجلات اعم از هفتگی یا ماهانه . دسته اول بنوبه خود بچند گروه منقسم است (الف) دو روزنامه اطلاعات و کیهان که بعلت تعداد قابل ملاحظه نویسنده در ردیفی خاص قرار دارند (ب) روزنامه‌هایی که بین چهار تاده نویسنده دارند و (ج) روزنامه‌هایی که رأساً توسط مدیر و یا با همکاری یکی دو نویسنده اداره میشوند .

در گروه الف به نسبت دو گروه دیگر بالاترین دستمزد داده میشود . در گروه ب ، اختلاف دستمزد بین دو کار متشابه ، نه فقط در چند روزنامه ، بلکه حتی در یک نشریه ، خیلی زیاد است . در گروه ج ، آنچه پرداخت میگردد جنبه دستمزد ماهانه ندارد ، بلکه پول جیبی است که هم از نظر مبلغ و هم از نظر زمان بمیل مدیر در اختیار نویسنده قرار میگیرد .

حال به مسائل مربوط بگروه الف میپردازیم . در این گروه

اختلاف سطح اختلاف سطح دستمزد بین سردبیر و نویسنده بسیار است . بطوریکه اگر سردبیری داریم که حداقل دستمزد ماهانه و مزایای وی بیش از ۳۰۰۰۰ ریال است ، نویسنده‌ئی هم وجود دارد که با ماهی ۲۰۰۰ ریال شروع میکند و بعد از چندین سال حداکثر به ۴۰۰۰ ریال میرسد .

در این مورد یعنی دستمزد نویسندگان مطبوعات ، بآمار استناد میکنیم که سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات از یکصد نفر از اعضا خود بعنوان آزمایش تهیه کرده است . در این آمار ، علاوه از دستمزد مطبوعاتی ، بدو مسئله دیگر ، یعنی سن و تعداد فرزند ، نیز توجه شده است .

الف - دستمزد : حد اقل ۲۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۵۰۰۰ ریال ،

باین نسبت :

کمتر از ۵۰۰۰ ریال	۴۶٪
بین ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ ریال	۳۱٪
بین ۱۰۰۰۰ و ۱۵۰۰۰ ریال	۲۰٪
بین ۱۵۰۰۰ و ۲۵۰۰۰ ریال	۲٪
بیشتر از ۲۵۰۰۰ ریال	۱٪

ب - سن : حداقل ۲۰ و حداکثر ۴۸ سال ، باین نسبت : سنین چهل
 ۲۱٪ - سنین سی ۳۸٪ - سنین بیست ۴۱٪ - بطور کلی سن ۳۵ بیابا ۲۷٪
 و بین ۲۰ تا ۳۵ سالگی ۷۳٪

پ - فرزند : حداکثر تعداد اولاد ، شش . نسبت تعداد فرزند
 بدین شرح : مجرد ۴٪ - يك فرزند ۱۹٪ - دوفرزند ۲۰٪ - سه فرزند
 ۸٪ - چهارفرزند ۷٪ - پنج فرزند ۱٪ - شش فرزند ۱٪ بقیه ازدواج کرده اند
 ولی فرزند ندارند .

و از نظر اینکه این دستمزدها چه نسبتی با هزینه زندگی نویسندگان
 مطبوعات دارد بآمار دیگری توجه میکنیم که مکمل ارقام فوق است . سندیکی
 مزبور در نیمه اول سال ۱۳۴۳ شمسی پرسشنامه‌هایی بین پنجاه نفر از اعضاء
 خود (۲۵ نویسنده روزنامه و ۲۵ نویسنده مجله) توزیع کرد ، تا آماری از
 دستمزد آنها ، بعنوان نمونه ، تهیه شود .

از آمار مزبور این نتیجه بدست آمد که بطور متوسط دستمزد مطبوعاتی
 ۴۱٪ حداقل زندگی نویسنده را جواب میدهد . اشخاصی که تمام هزینه
 زندگی‌شان را دستمزد مطبوعاتی تأمین میکند ، یا عبارت دیگر آنهایی که
 فقط با نویسندگی امرار معاش میکنند ۱۴٪ - آنهایی که دستمزد مطبوعاتیشان
 بیش از نصف هزینه زندگی است ۴۰٪ - آنهایی که دستمزد مطبوعاتیشان
 کمتر از ربع هزینه زندگی است ۳۴٪ - و بقیه بین ۲۵ تا ۵۰ درصد هزینه
 هزینه زندگی‌شان را دستمزد مطبوعاتی تشکیل میدهد .

ولی فقط میزان دستمزد نیست که مشکل اصلی بشمار میرود .

سایر مشکلات بلکه ، ساعت کار ، مرخصی ، بیماری ، بیمه و بازنشستگی
 نیز در این ردیف قرار میگیرند . زیرا چنانکه گفته شد
 مقررات مدون وجود ندارد و کلیه این امور بسته است بمیل صاحب مؤسسه

و یا تمایلات افراطی مدیران اداری، که نبض کارها را بدست گرفته اند، و از پارهٔ جهات مدیران مؤسسه را اسیر و تابع افکار خود ساخته اند. ساعت روزانه کار هیأت تحریری، بسبب نحوه حرفه، نامعلوم است، و بهر حال بیش از هشت ساعت در روز میباشد.

بعضی از سرویس‌ها حتی در ایام تعطیل هم چند ساعتی کار دارند. برای این نوع کار اضافی مقررات مشخص وجود ندارد. چه بسا که بین دو نویسنده از يك سرویس با ساعت و نوع متشابه کار، تبعیض دیده میشود. مرخصی مطبوعاتی ثابت نیست. سنت آن پانزده روز در سال است. گاه ممکن است کثرت کار مانع از مرخصی رفتن نویسنده شود، و چون سالی از آن گذشت از بین میرود و قابل خریداری نخواهد بود. استفاده نویسنده از مرخصی به میل سردبیر بستگی دارد.

دو روزنامه بزرگ برای مدت محدود از بیماریهای طولانی تحمل از خود نشان میدهند، اما هیچ نوع کمک مالی برای معالجه پرداخت نمیکند. معذک سعی دارند با استفاده از نفوذ خود تسهیلاتی در این زمینه فراهم آورند. مشکل بزرگ اینست که نویسندگان از هیچگونه بیمه‌ئی برخوردار نمیشوند. این، موضوعی حائز اهمیت است، ولی چون در این کتاب فقط اشاره بمسائل میشود از تفسیر معذورم.

در مورد تشویق و تنبیه، یا بعبارت دیگر، پاداش و جریمه میشود گفت که گاه مبلغی، بعنوان پاداش در اختیار نویسنده گذارده میشود. در نیمه اول سال ۱۳۴۳ هر دو روزنامه اطلاعات و کیهان بفعالیت نویسنده «پوان» دادند این روش سابقاً نیز گاه صورت میگرفت. نکته جالب آنکه نویسنده‌ئی که در یکی از دو روزنامه بزرگ بیش از دیگران «پوان» آورد، نه فقط تشویق نشد، بلکه کارش نیز تغییر یافت و در اختیار سرویس دیگر قرار گرفت!

جریمه نیز، در دو روزنامه بزرگ، با سردبیر است. میزان جریمه شدن يك نویسنده بطور متوسط بیش از مبلغ پاداش میباشد. و صرف نظر از حقیقت واقع و لزوم جریمه کردن، میشود گفت که گاه نظرات خصوصی دبیر سرویس در این مورد، اعمال میگردد و طبیعی است که برای نویسنده سابقه نامطلوب بوجود میآورد.

در مورد باز نشستگی میتوان اضافه کرد که تاکنون يك نویسنده باز نشسته نداشته‌ایم. بعبارت دیگر ، کسی نیست که بعنوان باز نشستگی حق از يك آروزنامه، چه كوچك و چه بزرگ، دریافت دارد. آنچه مشهود است ، اینست که يك نویسنده پس از چند سال خدمت ، یا شغلی دیگر برای خود یافته و از مؤسسه رفته ، و یا آنکه مؤسسه صلاح دانسته به نحوی از انحاء عذر او را بخواهد، تا تعهدی برای باز نشستگی نداشته باشد.

حال به گروه ب از دسته اول مطبوعات یعنی بقیه روزنامه‌ها

گروه دیگر توجه کنیم.

اختلاف سطح دستمزد بین گروه الف و ب زیاد است. بدین معنی که دستمزد سردبیر بطور متوسط نزد گروه ب از هفت هزار ریال تجاوز نمیکند. دستمزد اعضاء هیأت تحریری بین یک هزار و پانصد تا چهار هزار ریال است. مهمتر آنکه تاریخ پرداخت دستمزد ماهانه ثابت نیست ، و اگر چند ماه عقب نباشد ۱۵ تا ۲۵ روز حتمی است.

بعضی از مؤسسات مطبوعاتی سعی میکنند بوسیله یافتن کار برای عده‌ای از اعضاء خود مشکل فوق را تا حدی جبران کنند ، ولی این اقدام جنبه عمومی و مستمر ندارد.

اکنون درباره دستمزد در مجلات ، اعم از هفتگی یا ماهانه

دستمزد در مجلات و وضع نویسندگان آنها صحبت کنیم.

يك عامل بین مجلات و روزنامه‌ها مشترك است و آنهم عدم ثبات و وضع نویسنده ، بمعنی اعم ، از نظر اقتصادی است. بدین معنی که نویسنده دارای هیچگونه قراردادی برای کار با صاحب نشریه نیست. از اینرو هیچ مجله‌ای نیست که يك هیأت تحریری ثابت داشته باشد ، و کمتر نویسنده‌ای است که فقط برای يك مجله بنویسد.

در حالیکه مجلات كوچك دارای چیزی بنام تشکیلات نیستند ، در

مجلات بزرگ دوسالمان بچشم میخورد :

۱- تشکیلات اداری ، معمولا يك مدیر داخلی ، يك مسئول آگهی ، يك مصحح و بین يك تا سه کارمند دفتری و حسابداری ، که همه زیر نظر مدیر داخلی کار میکنند. حقوق ماهانه هر يك از افراد این تشکیلات بین سه هزار

تا نه هزار ریال است. و مدیر داخلی، که از هر حیث منافع مالی صاحب امتیاز را مورد نظر داشته باشد، ممکن است تا پانزده هزار ریال حقوق ماهانه دریافت کند. مسئولان آگهی یا حقوق ثابت در حد مزبور دارند، و یا آنکه از قیمت آگهی درآمدی نصیبشان میگردد. حقوق مصححین، علیرغم سنگینی و مسئولیت زیاد کار، کمتر بهشت هزار ریال در ماه میرسد.

دومین سازمان مجلات را هیأت تحریری تشکیل میدهد، که بنوبه خود به پنج گروه قابل تقسیم است (الف) نویسندگان داستان (ب) تهیه کنندگان رپورتاژ (پ) مترجمین (ت) عکاسها (ث) نویسندگان متفرقه.

در پنج گروه فوق نویسندگان داستان دارای درآمدی بیش از دیگران هستند، و از سه نویسنده معروف داستانهای ایرانی - تاجائی که اطلاع دارم - نفر اول در ماه نزدیک به ۶۰۰۰، نفر دوم نزدیک به چهار نفر سوم بیش از ۳۰۰۰ ریال حق التحریر دریافت میکنند. این درآمد ثابت و منظم نیست. بلکه بطور کلی برای یک داستان مسلسل و یا داستان کوتاه حق پرداخت میگردد. بداستانهای کوتاه نویسندگان درجه دوم بین شصت تا ۲۰۰۰ ریال تعلق میگیرد.

از داستان که صحبت شد باید افزود که دستمزد داستان ترجمه شده، بنسبت فوق ناگهان سقوط میکند، و بصفحه‌ئی سیصد تا پانصد ریال میرسد.

تهیه کنندگان رپورتاژ وقایع هفتگی، از نظر دوندگی و زحمت، سخت‌ترین کارها را انجام میدهند. و بمیزان مطالبی که در طول ماه از ایشان در مجله بچاپ رسیده، بین ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال دستمزد دریافت میکنند. در این مورد ناراحت‌کننده‌ترین وضع را تهیه کنندگان مطالب «صفحه ورزشی» دارند. زیرا دستمزد ماهانه آنها بسختی بدو هزار ریال میرسد.

مترجمین، صفحه‌ئی دستمزد میگیرند. مترجمان خبره و قدیمی بسلیقه خود مطلب تهیه میکنند، و آنهایی که تازه باین کار تن در میدهند مطالب را پس از تصویب سردبیر ترجمه مینمایند. درآمد این گروه نسبتاً از تهیه کنندگان رپورتاژ وقایع بیشتر است، زیرا مأخذ و مجلات خارجی مرتب بتهران میرسد. دستمزد ماهانه مترجمین بین ۳۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ ریال است و قلت و کثرت آن اکثراً بسته بمیزان فعالیت و سلیقه مترجم.

درحالی که تهیه کنندگان رپورتاژهای وقایع هفتگی هر مجله اختصاصی هستند ، و کمتر ممکنست يك رپورتاژ نویس برای دو یا سه مجله کار کند ، مترجمین اکثراً با اطلاع از سبک مجله و سلیقه سردبیر ، هر هفته برای چند مجله مطلب تهیه میکنند.

عکاسها درآمد مستمر قابل ملاحظه‌ئی از مجلات ندارند. ممکنست یکماه تا ۱۰۰۰۰ ریال دستمزد بگیرند، و همین رقم برای چندماه متوالی به ۴۰۰۰ ریال هم نرسد. ولی تهیه عکسهای مناسب مجلات یکی از چند نوع کاریست که عکاسان انجام میدهند.

مجلات معمولاً در برابر هر عکس مبلغی پول میپردازند. این رقم از ۳۰ تا ۲۰۰ ریال است با استثنای عکسهای با ارزش و منحصر بفرد که ممکنست رقم خرید آن تا ۱۰۰۰ ریال هم برسد. قیمت عکسی که برای روی جلد انتخاب شود بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ریال است.

آخرین گروه اعضاء هیأت تحریری ، نویسندگان متفرقه هستند ، که برای پول کار نمیکنند. هر مجله‌ئی معمولاً يك تاسه نویسنده از این گروه دارد. در مجلات هفتگی سردبیر نبض امور را، از نظر مطلب و پرداخت

نقش سردبیر

دستمزد ، در دست دارد. معمولاً بین ۶۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال برای پرداخت دستمزد در اختیار او گذاشته میشود. سابقاً بمطالب «ستونی» دستمزد داده میشد. بدین معنی که کل مطالب نویسنده بر اساس ستون احتساب میگشت، و بهرأی سردبیر دستمزد پرداخت میکردید. ولی مدتیست که این روش منسوخ گشته، و پرداخت دستمزد «مطلبی» است. این اقدام بطور کلی بضرر نویسنده است ، ولی در حد بسیار ناچیزی نسبت بگذشته .

مجلات از نظر پرداخت دستمزد پایه ثابت و مشخصی ندارند . بدین معنی که ممکنست از دو مجله همقطع با تیراژ نسبتاً همانند یکی برای مطلبی ۲۰۰۰ ریال پرداخت کند و دیگری برای همان نوع مطلب ۱۰۰۰ ریال. گویا اینکه دستمزد ماهانه نویسندگان، نسبت به هزینه کل مجله هفتگی برای کاغذ و چاپ و تشکیلات اداری و کرایه و امثال آن ، بطور متوسط ۲۵٪ است، ولی همین رقم در مجلات ماهانه از ۱۰٪ هم تجاوز نمیکند . برای

دریافت علت امر لطفاً بمطالبی که درباره مجله‌های ماهانه در همین کتاب برشته
تحریر کشیده شده رجوع کنید.

آنچه مطرح نیست

بدنبال قرائت مطالب فوق، خود بخود نتیجه میگیرید که
مسائلی از قبیل مرخصی، بیمه، بهداشت و بازنشستگی
نویسنده مجله بهیچ وجه مطرح نیست. نویسنده مادام که
زنده است وسالم میتواند کار کند، دستمزد دارد. هرگاه بعلت بیماری نتوانست
کار کند دستمزدی هم نخواهد داشت. این امر رنج‌آورترین مسئله زندگی
نویسندگان ماست. بهمین سبب نویسندگان حرفه‌ئی تعدادشان کم است، و
بقیه افرادی هستند که در يك مؤسسه کار میکنند، و برای جبران کمبود
درآمد، بنویسندگی برای مجلات میپردازند.

پائین بودن سطح دستمزد در مطبوعات، صرفنظر از ضعف بودجه مجله،
و خست احتمالی صاحب نشریه، يك علت دیگر هم دارد. و آن، کوتاه نظری
بعضی از نویسندگان است که حاضر میشوند کار همکار خود را در برابر
دستمزدی کمتر انجام دهند. اینگونه افراد، که خوشبختانه تعدادشان رو
بکاهشست معمولاً اشخاصی هستند که «زد و بندچی» خوانده میشوند و سبب
بدنامی دیگرانند. بعلاوه، چون بمرور ایام شناخته شده‌اند، متدرجاً از جمع
زحمتکشان مطبوعات طرد میگردند.

تشکیلات مطبوعاتی در ایران

دو سازمان در ایران دو سازمان مطبوعاتی وجود دارد . یکی متعلق بادره کنندگان مطبوعات است ، بنام «انجمن مطبوعات» و دیگری مخصوص آنها نیست که برای روزنامه و مجله مینویسند و ترجمه میکنند که «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» نام دارد .

قرار است تشکیلات دیگری بنام «کانون مطبوعاتی علمی ایران» با عضویت مدیران مجله ماهانه علمی و بهداشتی تشکیل گردد . این کانون ، چنانچه قبلاً اشاره شده هنوز رسماً تشکیل نیافته ، و در باره موقعیت صنفی و یا نحوه روابط خود با انجمن مطبوعات که کانون مرکزی مدیران روزنامه‌ها و مجلاتست بیانیهای انتشار نداده است .

یکی دو تشکیلات دیگر هم هست که کارشان مربوط به مطبوعات میشود ولی صنفی نیست . در این زمینه باید از «سازمان مشاور مطبوعاتی» و «شما و مطبوعات» یاد کرد . اولی تشکیلاتیست که با افراد یا موسساتی که مایل باشند ، در امور تبلیغاتی و مطبوعاتی کمک میکند ، و حق دریافت میدارد . و دومی مؤسسه‌ایست که برای مشترکین خود برش مطبوعات میفرستد . طی بیست و سه سال اخیر چند مؤسسه برای چنین کاری در تهران تشکیل شد ، ولی چنین بنظر میرسد که کار منظم مؤسسه « شما و مطبوعات » سبب گشته باقی بماند و بقیه از بین روند .

اکنون به «انجمن مطبوعات» میپردازیم. در آخرین کابینه
انجمن مطبوعات منوچهر اقبال، آنچه سالها قبل انجمن روزنامه نگاران
 نامیده میشد و در چندین سال در محاق تعطیل افتاده
 بود، بکارگرانی مدیران دو روزنامه اطلاعات و کیهان و تقویت دولت احیاء
 شد، و انجمن روزنامه نگاران نام گرفت.

قبل از تشکیل این انجمن دو تشکیلات تشریفاتی از دو گروه مدیران
 روزنامه‌ها در تهران وجود داشت، که یکی «جبهه مطبوعات متفق» نامیده میشد،
 مرکب از عده‌ای از مدیران روزنامه‌های یومیه صبح، هفته‌نامه و حتی روزنامه‌های
 شهرستانی؛ و دیگری «جبهه مطبوعات متحد» اکثراً متشکل از مدیران
 روزنامه‌هایی که انتشار نمی‌یافت! یک کانون روزنامه نگاران نیز تشکیل شده
 بود. ولی هیچک از این سه، وظائفی را که انجمن برعهده دارد انجام
 نمیداد.

تشکیل انجمن از سه واحد فوق، دو جبهه مزبور را تضعیف
 کرد زیرا بسیاری از مدیران به انجمن پیوستند، و بالاخره دو نوروز قبل
 که جهانگیر تفضلی در دوران وزارت اطلاعات خود تعداد قابل ملاحظه‌ای
 از امتیازات روزنامه‌ها را لغو کرد، جبهه‌ها خود بخود از بین رفتند و
 تعطیل شدند.

اما انجمن که نتوانست از نظر صنفی اقدامی مثبت در جهت منافع
 مدیران مطبوعات بعمل آورد، رفته رفته بیک تشکیلات تشریفاتی مبدل شد.
 از روزی هم که مدیر کیهان بسبب اختلاف نظر، درامری قابل ملاحظه که در
 احترام سیاسی انجمن اثر زیاد داشت، از مقام نیابت ریاست هیأت مدیره
 استعفا داد، جلسات هیأت مدیره نامنظم تشکیل شد و بمرور ایام کار بجائی
 رسید که در این اواخر اعضاء علی‌البدل جلسه تشکیل میدادند نه اعضاء اصلی
 هیأت مدیره! از اینرو گروهی از مدیران روشنبین که انجمن را بعنوان يك
 تشکیلات صنفی میخواستند، نه آنکه بازیچه باشند، انشباع کردند و عاقبت در
 آخرین کابینه اسداله علم انجمن سابق تعطیل گشت.

آنچه امروز وجود دارد تشکیلاتیست صنفی که از چندی قبل بهمت
 همان گروه روشنبین بوجود آمده است، و چون هنوز تشریفات قانونی ثبت

آن پایان نرسیده، توسط يك هیأت موقت بجای هیأت مدیره اصلی اداره میشود. اعضا هیأت موقت انجمن مطبوعات عبارتند از: رحمت‌اله مصطفوی، مدیر مجله هفتگی روشنفکر، مدیر عامل-اسمعیل پوروالی، مدیر روزنامه هفتگی بامشاد، دبیر-مصطفی الموتی، مدیر مجله هفتگی صبح امروز.

مدیران روزنامه‌ها و مجلات باستثنای مدیران اطلاعات و کیهان تا بحال عضویت انجمن جدید در آمده‌اند و علاوه از ورودیه طبق اساسنامه انجمن ماهانه ششصد ریال برای عضویت میپردازند.

انجمن کنونی، خلاف آنچه در گذشته وجود داشته، بنکات اساسی و اصلی مربوط بمطبوعات توجه نشان میدهد. از مذکرات و مصاحبه‌های خصوصی که با چند نفر از مدیران روزنامه‌ها بعمل آوردم، اینطور درك کردم که حیثیت و حقوق روزنامه نویسی، موضوع روابط کلی مطبوعات با دولت، و جنبه بین‌المللی مطبوعات ایران از جمله مسائل مهمیست که مایلند مورد بررسی و طرح قرار گیرد.

بموازات آن، مسئله تقسیم دقیق آگهی و نرخ آن، و همچنین ایجاد تسهیلات برای آنکه کاغذ روزنامه و وسائل ولوازم چاپ مطبوعات ارزانتر بدست آید، مطرح خواهد شد.

بعقیده آنهایی که از سال ۱۳۲۰ تا کنون در مطبوعات بوده‌اند، انجمن کنونی در صورتیکه بجنبه صنفی خود توجه کند، چند سال توسط يك گروه تحصیل کرده اداره شود، و درعین حال اعضا آن منافع شخصی و مالی خود را از منافع صنفی و کلی انجمن جدا بدانند، در وضعی خواهد بود که کابینه‌ها ناچار باشند بمیزان زیاد بوجود و راهنمایی‌های آن توجه کنند.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در نیمه
 دوم سال ۱۳۴۱ شمسی بوجود آمد. اعضا مؤسس آن
 سندیکای نویسندگان
 چهار نفر بودند و نخستین مجمع عمومی‌اش در آبان‌ماه

همان سال با شرکت ۹۲ نفر تشکیل گردید.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات اکنون (مهرماه ۱۳۴۳) دارای ۲۳۸ عضو است نگاهی بجدول صفحه بعد افزایش تدریجی و متعادل اعضا آنرا نشان میدهد.

تاریخ	نفر
۴۲۱۱۱	۱۲۹
۴۲۷۱۱	۱۸۵
۴۳۱۱۱	۲۱۸
۴۳۷۱۱	۲۳۸

اعضاء سندیکا را ، چنانچه از اسم آن برمیآید ، نویسندگان و خبرنگاران و عکاسان جراید تشکیل میدهند و تاکنون بین ۷۵ تا ۸۰ درصد زحمتکشان مطبوعات بآن گرویده‌اند.

سندیکای نویسندگان یگانه سازمان صنفی نویسندگان است ، ولی یگانه تشکیلاتی در این زمینه نیست که برای ایجاد آن کوشش شده. بلکه، از سال ۱۳۲۰ بعد بارها نویسندگان کوشیدند تا سازمانی برای خود بوجود آورند ولی توفیق حاصل نماند.

سندیکای نویسندگان يك تشکیلات منظم ، در حدود قوانین و مبتنی بر مقررات کشور است. وزارت کار و خدمات اجتماعی آنرا رسماً نود و چهارمین سندیکای ثبت شده اعلام داشته است .

سندیکا دارای يك بولتن هفتگی است که تا پایان مهر ماه ۱۳۴۳ شمسی ۸۳ شماره آن انتشار یافته بود. بولتن استنسیل میشود و کاغذ آنرا اعضاء میدهند .

سندیکا يك صندوق تعاون برای دادن وام باعضائی که احتیاج داشته باشند بوجود آورده که توسط گروهی غیر از اعضاء هیأت مدیره ، بنام هیأت امناء صندوق اداره میشود. سرمایه صندوق تعاون را قسمتی از درآمد کنسرتی تشکیل میدهد که سال ۱۳۴۲ از طرف سندیکا برپا شده بود.

سندیکا، که هدف تشکیل آن ایجاد همکاری و صمیمیت بین نویسندگان و بالابردن سطح مطبوعات است، يك « نظام مطبوعاتی » بتصویب رسانده، که در حد خود نظیر نظام پزشکی است و نویسندگان را بر رعایت اصول اخلاقی در تهیه و تنظیم مطالب موظف میسازد . تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد تا بحال سه نفر از اعضاء که از اجرای مقررات نظام مطبوعات تخلفی کرده بودند مجبور شدند در جلسه « بازخواست » در سندیکا حضور یابند و

از خود دفاع کنند. این اقدام، که جنبه تنبیه نویسنده و تنبه دیگران داشت، افراد مزبور را بحرفه‌ئی که برعهده گرفته‌اند بیشتر آشناساخت. کوشش‌های سندیکا در جلوگیری از مشاجرت قلمی نویسندگان و حتی مدیران جراید نیز تا بحال بی اثر نبوده است.

سندیکا در سال ۱۳۴۳، برای اولین بار در تاریخ مطبوعات ایران، بجنبه تشویق نویسندگان توجه کرد و «مسابقه پرزرین» را ترتیب داد. در نتیجه از جمع شرکت کنندگان سه نویسنده برنده اعلام شدند که یکی از آنها عضو سندیکا نبود. بهر يك از برندگان سپر پرزرین سندیکا داده شد.

انتخابات سندیکا

بنا بر اساسنامه سندیکا انتخاب هیأت مدیره و هیأت بازرسان سالی یکبار انجام میگیرد. هیچ عضوی نمیتواند برای دو سال متوالی بعضویت هیأت مدیره یا بازرسی انتخاب گردد. این اقدام دموکراتیک، که فرصت متساوی برای کلیه اعضا در مجمع عمومی بوجود میآورد، تاکنون بارها مورد تشویق و حتی اعجاب مقامات مختلف قرار گرفته است. سندیکا تاکنون سه مجمع عمومی سالانه داشته، و در هر مجمع يك گروه پانزده نفری جدید برای هیأت مدیره و هیأت بازرسی آن انتخاب شده‌اند.

بودجه سندیکا را ورودیه و حق عضویت ماهانه تشکیل میدهد. میزان ورودیه و حق عضویت بنا بر اساسنامه هر کدام یکصد ریال است، که اولی فقط یکبار دریافت میشود، و حق عضویت ماه به ماه.

سندیکای نویسندگان در پایان نخستین سال تشکیل خود با مخالفت شدید علنی مدیر روزنامه اطلاعات و غیر علنی مدیر روزنامه کیهان روبرو شد. ولی چون گردانندگان این دو روزنامه عملاً دریافتند که تشکیل سندیکا در جهت بالابردن سطح مطبوعات و کوشش برای حفظ حقوق صنفی است - و نه بمنظور ایجاد نفاق - لذا از جنبه‌های شدید مخالفت خود دست برداشتند. گذشت زمان نیز ثابت کرد با دوستی بهتر میشود کار کرد. روش مدیران اطلاعات و کیهان اکنون بسختی سابق نیست و دوستانه و آرام مینماید.

روابط سندیکای نویسندگان با انجمن مطبوعات دوستانه است و در نیمه اول سال ۱۳۴۳ جلسه‌ئی بنام کمیسیون مشترك تنظیم روابط مدیران و نویسندگان تشکیل گردید.

دوره‌های روزنامه نگاری

موضوع مورد بحث این قسمت دوره‌های روزنامه نگاری و خبرنگاری در ایران است .

تاریخچه

زمستان سال ۱۳۴۲ سردبیر نشریه «سالت لیک سیتی» چاپ ایالات متحده آمریکا، درسندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در تهران، نطقی ایراد کرد و گفت «تا ۴۵ سال قبل اکثریت اعضاء مطبوعات را در آمریکا افرادی تشکیل میدادند که حتی با تحصیلات کم از حرفه‌چینی و امثال آن بنویسندگی و سردبیری رسیده بودند. اما از آن پس گروه اصلی با افرادی است که با تحصیلات عالیه دوره روزنامه نگاری را نیز دیده‌اند.» این واقعیت، بایک تغییر جزئی، در مطبوعات تهران نیز صادق است. بدینمعنی که تعداد افراد لیسانسیه در کادر مطبوعاتی ما تا ۱۵ سال قبل نادر بود. تا هشت سال پیش افرادی که دوره روزنامه نگاری را دیده بودند، از مدیر گرفته تا خبرنگار، از انگشتان یکدست تجاوز نمیکرد. ولی امروز از این عده بیش از ۲۳۰ نفر اینگونه دوره‌ها را دیده‌اند، و نه فقط در جمع مدیران افرادی دیده میشوند که دارای تحصیلات مافوق لیسانس و حداقل لیسانس هستند، بلکه در گروه نویسندگان نیز رقم دانشکده دیده‌ها قابل ملاحظه و سرعت رو با افزایش است.

رقم جدیدی در این زمینه در دست نیست، اما آنچه از بولتن شماره پنجاه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات برمیآید، در بهمن ماه ۱۳۴۲ که تعداد اعضاء آن سندیکا ۲۰۶ نفر بود، ده دکتر، چهار مهندس

و ۴۳ نفر لیسانسیه بوده‌اند. بعبارت دیگر، در آئین‌ها بیش از ۲۹٪ اعضاء را افرادی تشکیل می‌دادند که تحصیلات عالیه داشتند، و چون لیسانسیه‌های نویسنده غیر عضو سندیکا را نیز منظور کنیم، رقم مزبور بالغ بر ۳۶٪ می‌شده است.

از نظر دوره‌های روزنامه‌نگاری در ایران میتوان گفت که، تاکنون روزنامه اطلاعات سه دوره برای تربیت خبرنگار تأسیس کرده، و با اینکه تعداد داوطلب برای هر دوره زیاد بوده‌است ولی مجموعاً ۱۵۰ خبرنگار در این کلاسها موفق شده‌اند. روزنامه کیهان نیز در زمستان سال ۱۳۴۳ یکدوره تربیت خبرنگار دایر کرد. روزنامه توفیق در حد خود دو کلاس تعلیم کاریکاتوریست و خبرنگار نویسی فکاهی داشته و نزدیک به ده نفر این دوره‌های قلیل‌المدت را به پایان رسانده‌اند.

از سال ۱۳۳۵ دانشگاه تهران، با همکاری اداره اطلاعات
اقدام
دانشگاه تهران

امریکا، و فولبرایت، کلاس روزنامه‌نگاری دایر کرد. در آن سال با استفاده از بورسهای فرهنگی فولبرایت، استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه یوتاه «امریکا» بنام پروفیسور ویلسون بایران دعوت شد که یک برنامه تحصیلی طبق برنامه‌های امریکا تدوین کند. پیش‌نویس برنامه او، با تغییراتی، بتصویب چند تن از استادان دانشگاه تهران رسید و عنوان «کلاس روزنامه‌نگاری دانشگاه» بآن داده شد. شورای عالی دانشگاه تصویب کرد که این کلاس ضمیمه دانشکده حقوق باشد.

چون برای دوره اول تعداد داوطلب زیاد بود حق تقدم بر روزنامه‌نگارانی داده شد که حد اقل پنج سال سابقه خدمت مستمر در مطبوعات داشتند. از سومین سال، فتوژورنالیسم نیز، باریکتر با کمک فولبرایت و همکاری اداره اطلاعات امریکا، بدوره مزبور افزوده شد و وسائل علمی لازم خریداری گشت. پس از پایان دوران ماموریت پروفیسور ویلسون، که در کلاسهای دوره اول تدریس هم میکرد، ازدکتر ولار، نویسنده و نماینده امریکا در کنگره مطبوعاتی یونسکو، دعوت بعمل آمد بایران بیاید. ولی بسبب آنکه این شخص نمیتوانست بهنگام تدریس رعایت بیطرفیهای لازم را بنماید، و تعصب در کار نشان ندهد، دانشگاه در کمال احترام عذرش را خواست.

دوره روزنامه نگاری دانشگاه چهار سالست که بترتیب
مدت و دروس مقدماتی ، تکمیلی ، فتوژورنالسم و تخصصی روزنامه نگاری
خوانده میشود .

نخستین دوره این کلاس در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۳۹ پایان یافت ، و
با دوره دوم مجموعاً ۸۲ فارغ التحصیل داشته ، ولی کار بعضی از فارغ-
التحصیلها هنوز پایان نیافته است !

مهمترین مطالبیکه در این کلاسها تدریس میشود عبارتست از : فرهنگ
ایران قبل و بعد از اسلام ، سیستمهای فلسفی ، مقاله نویسی و جامعه شناسی ،
تاریخ دیپلوماسی و تاریخ عمومی ، سازمانهای بین المللی ، آئین نگارش ، مقدمات
حقوق ، حقوق جنائی ، آئین روزنامه نگاری ، بررسی افکار عمومی ، امور
فنی روزنامه ، تاریخ عقاید سیاسی ، سخن سنجی و نقد ادبی ، ادبیات تطبیقی
سبک شناسی مطبوعاتی ، عکاسی مطبوعاتی و زبان انگلیسی .

گواهینامه هائیکه داده میشود برای هر سال جدا گانه است و مجموع
آنها ارزش استخدامی ندارد . مذاکراتیکه هم اکنون در جریان است نشان
میدهد ، که ممکنست دانشگاه تصویب کند در آینده فقط کسانی بتوانند امتیاز
انتشار روزنامه یا مجله دریافت دارند که دوره کامل این کلاس را به پایان
رسانده باشند . دیگر آنکه ، افرادی بتوانند بعنوان نویسنده و خبرنگار در
جراید و مجلات شروع بکار کنند که ، سندیکای نویسندگان و خبرنگاران
مطبوعات صلاحیت ایشان را تأیید نماید .

استادان کلاسهای روزنامه نگاری را دو گروه مختلف تشکیل میدهند:
گروه ثابت و غیر ثابت . مقصود از گروه ثابت استادان دانشگاه و اشخاصی
هستند که موظف در کلاس تدریس میکنند و گروه غیر ثابت روزنامه نگاران با
سابقه یکبه دعوت میشوند يك تا پنج ساعت در سال برای هر دوره سخنرانی
کنند . بهر حال نمیشود نگفت که در انتخاب استادان توجه کافی مبذول نگردیده
است وعده ای از آنها بسبب شهرت مجازی باین کلاسها راه یافته اند .

کلاس روزنامه نگاری تقریباً بمدت دو سال تعطیل شد ، تا اینکه بار
دیگر در سال تحصیلی ۴۱-۱۳۴۳ بنام مؤسسه روزنامه نگاری دانشگاه دایر
گشت . علت تعطیل آن بود که شاید بتوان مؤسسه را بصورت دانشکده

روزنامه نگاری درآورد. با اینکه توفیقی حاصل نگشت معذلك كوشش هنوز ادامه دارد.

در اینمورد میتوان تاکید کرد که مساعی مدیر روزنامه کیهان برای ایجاد چنین دانشکده‌ای شایان تحسین است. علاوه‌ازاو سندیکای نویسندگان نیز مصراست و پافشاری میکند. بادر نظر گرفتن سوابق امر و مساعی مصطفی مصباح‌زاده، روزیکه چنین دانشکده‌افتتاح گردد کمتر کسی چون او شایستگی ریاست را دارد، مشروط بر آنکه ناشر روزنامه کیهان نیز از چند کار غیر مطبوعاتی خود منصرف گردد.

از جمع دانشجویان کلاسهای روزنامه نگاری، تاکنون اکثریت تهرانیها بوده است.

دانشگاه تهران با ارسال برنامه و سیستم کار و همچنین نشریات و جزوات درسی استادان مؤسسه روزنامه نگاری بافغانستان، وسائل تشکیل کلاس روزنامه نگاری را در شهر کابل فراهم آورده است.

مؤسسه روزنامه نگاری دانشگاه تهران، علاوه‌از دوره‌های روزنامه نگاری تاکنون چند دوره تخصصی هم بنا بتقاضای وزارتخانه‌ها ویا مؤسسات دولتی دایر کرده است. از آنجمله است: کلاس تخصصی مخصوص راهنمائی روزنامه نگاران خارجی برای وزارت اطلاعات با ۱۷ فارغ‌التحصیل. کلاس تربیت راهنما برای سازمان جلب سیاحان با ۱۷ فارغ‌التحصیل، و کلاس تربیت رئیس انتشارات و روابط عمومی برای وزارت اطلاعات با دوازده فارغ‌التحصیل.

قلم موی آخر!

این آخرین بحث از سلسله مقالاتی است که طی دو ماه ونیم قلم موی آخر یعنی از ۱۷ بهمن ۴۳ تا ۱۹ اردیبهشت ۴۴ تحت عنوان « سیری در مطبوعات ایران » در روزنامه آژنگ چاپ تهران بچاپ میرسد .

عبارت « قلم موی آخر » نزد نقاشان اصطلاحی است که پس از اتمام کار خود به گذاردن آخرین قطره رنگ روی تابلو میگویند . و با اینکه تجزیه و تحلیل مندرجات مطبوعات ایران در این سلسله مقالات پایان رسیده است معذک نمیتوان آنرا بدون قلم موی آخر ، یعنی بدون ذکر آنچه در جریان تنظیم مطالب روی داد تمام شده تلقی کرد .

در فاصله شش ماهی که این سلسله مقالات تنظیم میشد (مهر تا اسفند ۴۳) چهار نشریه جدید بمطبوعات تهران افزوده شد که عبارتند از يك مجله هفتگی بنام « کیهان هفته » معروف به « زن روز » ، يك مجله ماهانه بنام « نامور » معروف به « مجله اقتصاد وصنعت » ، يك هفته نامه از گروه الف (لطفاً بفصل مربوط رجوع شود) بنام دنیای جدید ، و يك هفته نامه بهداشتی بنام « طب و دارو » .

با در نظر گرفتن شاخص زمان این سلسله مقالات از چهار نشریه فوق بدان دلیل یاد میشود که وضع کلی مطبوعات در نیمه دوم سال مزبور کاملتر بیان شده باشد .

« زن روز » - مجله هفتگی برای بانوان و نشریه هفتگی

رقیب

روزنامه کیهان است . قطع ۳۲ در ۲۴ سانتیمتر ، بسا هفتاد و چهار صفحه ، که صفحات آن دو تا چهارستونیست .

روی جلد رنگی و نام مجله ، بسته به عکسی که روی جلد میآید ، در نقاط مختلف قید میشود . شماره و تاریخ روی جلد دیده نمیشود . جالب آنکه نخستین شماره آن تاریخ انتشار ندارد ! ولی روز یکشنبه نهم اسفند ماه ۱۳۴۳ منتشر شد .

صفحه دوم مخصوص آگهی و یایک عکس بزرگ رنگی است . مطالب از صفحه سوم شروع میشود ، و دارای تنوع قابل ملاحظه است که میتوان آن را زیر ده عنوان کلی قرارداد و همراه با نسبت مندرجات بیکدیگر بطور متوسط بدین ترتیب خلاصه کرد : بانوان ایران ۶٪ - خانه‌داری و خانواده ۵٪ مد و زیبایی ۲۶٪ - داستان ۱۹٪ که ۷٪ آن مصور است - اجتماعی ۸٪ سینمایی ۶٪ - آشپزی ۴٪ - مسابقات و سرگرمیها ۳٪ - آگهی ۱۸٪ - مطالب متفرقه ۵٪

این مجله که سعی میکند مخصوص بانوان در سطح بالا جلوه کند تفاوت‌های محسوس با مجله رقیب (اطلاعات بانوان) دارد . نه فقط جنبه‌های ظاهری آن از نثر فورم ، رنگ ، صفحه‌بندی و چاپ عالیتر است ، بلکه مندرجات آن نیز در سطحی سوای رقیب قرار گرفته . زن روز بانوان را از زاویه‌ای دیگر مینگرد ، و حتی روش تجزیه و تحلیل مسائل و نحوه نگارش آن کاملاً متفاوت میباشد . این مجله بعقیده نگارنده آخرین تیرترکش مدیر مؤسسه کیهان در يك سلسله انتشاراتیست که طی چند سال اخیر مرتباً از طرف کیهان بوجود آمد ، و یکی بعد از دیگری ، شکست خورد و سقوط کرد . از آنجمله میتوان « مد روز » و « کتاب هفته » را بزبان فارسی و « در تهران چه میگذرد » را بزبان انگلیسی شاهد گرفت .

در شرایط کنونی زن روز حتی در چند شماره توانسته جای مناسب برای خود باز کند و بمیزان قابل تحسین برای مؤسسه کیهان ایجاد حیثیت کند .

انتشار این مجله تکان سریعی در هیأت تحریری مجله اطلاعات بانوان

وجود آورد. بطوریکه صفحات آنمجله افزایش یافت، عکسهای رنگی اش زیادتر شد و تنوع بیشتر مطالب بچشم خورد.

زن روز، بطور غیرمستقیم، بر سایر مجلات فعال هفتگی تهران نیز اثر آنی گذارد. مقایسه شماره‌های آخر سال ۴۳ این مجلات، با آنچه چندماه قبل آن انتشار مییافت، مؤید این اثر است. صفحه بندی و نحوه تنظیم مطالب همراه با کلیشه‌های بزرگتر و استفاده زیادتر از تومپلات اثرات فوری است که براحت بچشم يك ناظر و منقد مطبوعاتی میخورد.

زن روز، بنوبه خود، بسیعیب نیست. از نظر خانه و خانواده بسیاری ازدستورهای آن برای عده بسیار معدودی عملی است، ولذا بتدریج اهمیت خود را ازدست میدهد. از نظر اجتماعی انتشار مقالاتی درباره جیمز باند و امثال آن نوعی بازارپایی نابخردانه تلقی میشود.

اکثر مندرجات مجله بدون امضاء نویسنده یا مترجم است. از ردیف کوتاه اسم هائی هم که بچشم میخورند اینطور استنباط میشود که گردانندگان مجله برای انتخاب همکارها مدتی مطالعه کرده‌اند.

مجله نامور: (معروف به اقتصاد و صنعت) قطع ۲۲ در يك مجله ماهانه ۲۹ سانتیمتر. تعداد صفحات ۶۰، کاغذ و چاپ مرغوب، و بایک قیمت سی ریالی گرانترین مجله ایرانست. چنانچه از نام آن برمیآید مندرجاتش درباره اقتصاد و صنعت و مسائل مربوط بآن دو است. ولی پا از آن فراتر نهاده، یا بعبارت دیگر، تا حدی از هدف اصلی منحرف گشته و مطالبی در باب توریسم و امثال آن بچاپ میرساند. توجه آن به تهیه رپورتاژهای آگهی مآب از مؤسسات مختلف دولتی و غیر دولتی، صنعتی و فرهنگی و غیره کم نیست.

مندرجات مجله نامور بخش گروه قابل تقسیم است، که همراه با نسبت متوسط مندرجات بیکدیگر بدین شرح خلاصه میشود: اقتصاد ۲۴٪ - صنعت ۸٪ - توریسم ۱۲٪ - خبرهای اقتصادی و صنعتی ایران و جهان ۲۹٪ که يك پنجم آن مربوط بجهان است - مطالب متفرق ۸٪ - آگهی و رپورتاژها ۱۹٪. روی جلد رنگی است و در انتخاب طرح سلیقه زیاد دیده میشود. در صفحاتی که بتوریسم مربوط است تعداد قابل ملاحظه‌ئی عکس از مناظر

ایران و جهان بچاپ میرسد و زیر نویس‌های آنها بدو زبان فارسی و انگلیسی است .

مقالات این مجله کلی و اصولی و در سطحی است که براساس طرف استفاده دانشجویان رشته‌های مربوطه دانشگاه قرار میگیرد . مجله نام‌ور بروشی که پیش میرود میتواند درآینده نقش آنچه را که در غرب « هاوس مگازین » مینامند برای مؤسسات مختلف و بزرگ اقتصادی و صنعتی بر عهده گیرد .

دنیای جدید : هفته نامه دنیای جدید که نخستین شماره

هفته نامه

دوره جدید آن در نیمه دوم اسفند ۳۴ انتشار یافت يك نشریه تازه نیست . بلکه سالها قبل هم انتشار مییافت . اکنون بقطع معمولی روزنامه‌های روزانه ولی درهشت صفحه و مصور ، هفته‌ئی یکبار انتشار مییابد . دنیای جدید يك نشریه اجتماعی است که از نظر مطلب و تعداد تصویر و نحوه صفحه‌بندی با هفته‌نامه‌های گروه الف متفاوت است ولی درعین حال نمیتواند در گروه ب این نوع نشریات راه یابد . معذک پشتکار و حوصله مدیر آنرا نادیده نمیتوان گرفت .

طب و دارو : یکی دیگر از نشریات است که در نیمه دوم

بهداشتی

سال ۱۳۴۳ انتشار یافت . این نشریه يك هفته‌نامه درهشت صفحه است که باید در ردیف مطبوعات بهداشتی جای گیرد . زیرا کلیه مندرجات آن درباره پزشکی ورشته‌های مختلف آن میباشد . عبارت « روزنامه علمی و پزشکی » زیر نام روزنامه درستون معرفی آن قید گردیده است . در هر شماره بین ده تا دوازده مقاله در باره داروها و بیماریها و معالجات بچشم میخورد . برداشت مطالب طور است که طرف استفاده پزشکان و داروسازان و دانشجویان سالهای آخر دانشگاه است . بعلمت بکار رفتن لغات زیاد خارجی و اصطلاحات پزشکی قرائت آن بسختی مورد استفاده افراد غیر متخصص قرار میگیرد . اکثر مقالات این هفته‌نامه مستند است و بیشتر سعی میشود نام نشریه‌ئی که مقاله از آن ترجمه و اقتباس گردیده ذکر گردد . نسبت آگهی این نشریه بمندرجات کلی آن بطور متوسط به بیست درصد میرسد .

مشخصات مطبوعات

این قسمت کتاب که بصورت جدول تقدیم خوانندگان میشود درباره مشخصات ظاهری مطبوعات است و در آن نام مدیر، نام سردبیر و آخرین شماره در پایان مهرماه ۱۳۴۳ ذکر گردیده. درمورد مطبوعات شهرستان نام شهر نیز اضافه شده است.

بمنظور سهولت مطالعه خوانندگان، مطبوعات تهران قسمت اول جدول و مطبوعات شهرستانی نیمه دوم آنرا تشکیل میدهند.

شماره ردیف مطبوعات ما نزد همه آنها منظم نیست. چه بسا که سالهاست از آغاز انتشار يك نشریه میگذرد ولی مدتها درمجاق تعطیل افتاده و دوباره انتشار یافته است. ازاینرو برای آنکه تکخالی روی میز زده باشد عمر نشریه خود را از شماره اول برحسب سال بحساب میآورد ولی از ذکر شماره ردیف امتناع میورزد. مثلاً سال سی و هشتم، دوره جدید، شماره هفت، مطالعه این جمله بطور طبیعی قدمت دوران انتشار را جلوه گر میسازد حال آنکه این نشریه سی و هشت سال پیش چند شماره منتشر شده بعد تعطیل گشته و درسال جاری باردیگر شروع بانشار نموده است.

اکثر مطبوعات ما و بالاخص مجلات هفتگی دوست ندارند نام سردبیر خود را ذکر کنند. بهمین سبب از زحمات سردبیران و وقت زیادی که آنها صرف میکنند، شاید فقط گروهی از افرادی مطلع باشند که درعالم مطبوعاتند. چه بسا مدیران که سردبیر دارند ولی از معرفی او امتناع میورزند.

مسئله سردبیر نزد عدهای از هفته نامه های تهران و همچنین مطبوعات شهرستانها، باستثنای چهار یا پنج نشریه، منتفی است زیرا یکنفری اند!

آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳	سر دبیر	مدیر	نام نشریه
			روزنامه‌های صبح
۱۴۲۶	رضا عزمی	کاظم مسعودی	آژنگ
۷۸۱	-	یوسف رحمتی	بورس
۳۱۰۵	ج . راس	جواد مسعودی	تهران جورنال
۸۷۳۰	احمد شهیدی	جواد مسعودی	ژورنال دو تهران
۳۵۱۹	آزموده	محمد حسین فریپور	صدای مردم
۱۰۱۳۵	-	شکرااله صفوی	کوشش
۱۵۸۷	ویلیام هری دالفورس	فروغ مصباح زاده	کیهان اینترنشنال
۲۱۹۵	حسین راییتی	محسن موقر	مهر ایران
۸۰	نجفقلی پسیان	محمد علی رشتی	ندای ایران نوین
			روزنامه‌های عصر
۱۱۵۲۹	حسین کرد بچه	عباس مسعودی	اطلاعات
۷۸۹۴	باغدا سارمیناسیان	رستم استپانیان	آلیک
۳۳۱۵	نعمت‌اله قاضی	قاسم مسعودی	پست تهران
۱۳۵۰	رضا مرزبان	عبدالرسول عظیمی	پیغام امروز
۶۳۷۱	حسین عدل	عبدالرحمن فرامرزی	کیهان
			هفته نامه‌ها
۸۲۶	حمید هاشمی	احمد هاشمی	اتحاد ملی
۵۸۰	عبدالمجید رمضانی	فتح‌اله غفاری	اتحادیه
۵۷۶	-	رحیم زهتاب فرد	اراده آذربایجان
۵۶	محمد جواد مشکور	عباس مسعودی	الاخاء
۱۵۹۱	ایرج نبوی	اسمعیل پوروالی	بامشاد
۱۵۶۲	-	احمد یزدانبخش	پیک ایران
۲۳۰	سید آقا جلالی	پرویز خسروانی	تاج ورزشی
۴۳ سال ۲۸	حسین توفیق	حسن توفیق	توفیق

نام نشریه	مدیر	سردبیر	آخرین شمار، تا پایان مهرماه، ۱۳۴۳
جوانمردان	جعفر شاهید	فریبرز برزگر	۱۶ دوره ۵
دنیا	عبدالکریم طباطبائی	-	۸۱۸
دیپلمات	علی سپهر	عباس فردی	۴۶۵
سحر	سلیمان انوشیروانی	-	۳۵۴
فردا	باقر نیک انجام	-	۹۶۶
کیهان ورزشی	محمود منصفی	مهدی دری	۴۸۸
ندای حق	حسن عدنانی	-	۶۴۸
مجلات هفتگی			
ابتکار	محمد علی کرد	عباس میدانی	۱۱
اطلاعات بانوان	قدسی مسعودی	ایرج مستعان	۳۸۷
اطلاعات کودکان	عباس مسعودی	بهرام افرهی	۳۰۹
اطلاعات هفتگی	عباس مسعودی	رسول ارونقی کرمانی	۱۱۹۸
امید ایران	علی اکبر صفی پور	حسین سرفراز	۵۳۳
بازار خاورمیانه	جلیل مسعودی	محمد حسین یزدانفر	۴۲
ترقی	لطفاله ترقی	خسرو معتصد	۱۱۳۴
تهران اکونومیست	باقر شریعت	امیر حبشی زاده	۵۵۶
تهرانمصور	عبداله والا	محمود رجاء	۱۱۰۳
جهان امروز	سیروس بهمن	محمود عنایت	۱
خواندنیها	علی اصغر امیرانی	محمود طلوعی	۲۰۵۷
خوشه	امیر هوشنگ عسگری	-	۴۵۸
روشنفکر	رحمت مصطفوی	پرویز نقیبی	۵۷۷
سپید و سیاه	علی بهزادی	اکبر معاونی	۵۸۰
ستاره سینما	پایرور گالستیان	علی عباسی	۴۳۳
صبح امروز	مصطفی الموتی	ناصر ملک محمدی	۱۳۶
فردوسی	نعمتاله جهانبا نوئی	عباس پهلوان	۶۸۷

نام نشریه	مدیر	سردبیر	آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳
فیلم و هنر *	عبدالمجید رمضانی	علی مرتضوی	۲۳
کیهان بچه‌ها	عباس یمینی شریف	جعفر بدیعی	۴۰۱
مشیر	محمود مشیری فرد	پرویز آزادی	۱۵ سال ۱۳
هنر و سینما	هوشنگ کاوسی	اردشیر مهاجر	۵ دوره جدید
مجلات ماهانه			
آرش	جواد پوروکیل	سپروس طاهباز	۷
ارشاد	مسعود همایونی	—	۸ دوره دوم
ارمنان	وحیدزاده نسیم دستگردی	—	۷ دوره ۳۳
اندیشه و هنر	جواد پور وکیل	شمیم بهار	۱ دوره جدید
بدیع	هاشم بدیعزاده	مجید یکتائی	۲ دوره جدید
بهداشت روانی	حسین رضاعی	مهدی جلالی	۵۴
بوس	یوسف رحمتی	حسین وحیدی	۱۴
بیوشیمی	احمد آثریر	گایگیک هواکیمیان	۲ سال دوم
پزشک خانواده	محمد حسین حاجبی	—	۵۹
تندرست	احمد سید امامی	—	۲۰۵
توفیق	حسین توفیق	حسین توفیق	۲۲
حقوق امروز	بهاءالدین طباطبائی	—	۶
دنیای علم	جلال مصطفوی	—	۸
دارو پزشکی	عبد ربانی	—	۲۳
دانشمند	مصطفی الموتی	نصراله شیفته	۱۴
دهقان روز	اسمعیل بازرگانی	—	۱۸
رامین	منوچهر طراز	—	۵۸
راهنمای کتاب	ایرج افشار	—	۱ سال هفتم
زیبائی و زندگی	حسین ایدین	—	۸

* نام این مجله را که در صفحه چهارم سطر پنجم فیلم و سینما به چاپ رسیده لطفاً تصحیح کنید.

آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳	سردبیر	مدیر	نام نشریه
۳۰	—	حسین معتمدی	سپاهان
۱۶۵	محمود کیاوش	پرویز ناتل خانلری	سخن (ادبی)
۲۵	پرویز شهریاری	پرویز ناتل خانلری	سخن (علمی)
۱۰ سال ششم	ناظرزاده کرمانی	ابراهیم چهارازی	سلامت فکر
۵۹	—	ناصر گلبرخی	شکار و طبیعت
۱۲	—	طاهره رخشنده	مسائل ایران
۱۳۴۶	—	بهمن هیربد	موزیک ایران
۲ دوره جدید	هوشنگ میرمطهری	مجید موقر	مهر
۱۷۲	—	سروش صرغه‌نیا	هوخ
۱۹۵	—	حبیب یغمائی	یغما
۸	—	عبدالحسین مصحفی	یکان
نشریات هوائی			
۴۴۷۶	حمید مشهور	عباس مسعودی	اطلاعات هوائی
۳۹۰۹	پرویز آذری	مصطفی مصباح‌زاده	کیهان هوائی

آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳	مدیر	نام روزنامه	شهر
			استان مرکزی
۱۸۴۹	ابوالفضل طهماسبی	استوار	قم
۱۷۱	ابوالقاسم میرعارفین	سرچشمه	»
۱۸	ناصر مکارم شیرازی	درسهای از مکتب اسلام	»
۷۶۹	ابوالقاسم حسام	شفق کاشان	کاشان
۱۸۸۴	باقر موسوی	نامه اراک *	اراک
۷۷۳	علاءالدین مجابی	صدای قزوین	قزوین
۲۲۷۵	اسحق ابوترابی	نوروز قزوین	»
			آذربایجان شرقی
۶۱۰	محمد علی علامی	پیام آذربایجان	تبریز
۶۸۰	محمد دیهیم	آذرآبادگان	»
۸۶۸	اسمعیل پیمان	مهد آزادی	»
۲۵۰	احمد بنی احمد	عصر تبریز	»
۶۶۲	عزیز صابر	قبس	اردبیل
۲۹۰	ولی اله رهنما	ندای رهنما	مراغه
			آذربایجان غربی
۳۷۱	حیدر نخجوانی	پیام رضائیه	رضائیه
			اصفهان
۱۲۳۰	امیرقلی امینی	اصفهان	اصفهان
۵۶۴	علیرضا اوصیاء	اولیاء اصفهان	»
۴۴۱	حسن نظامی	خبرهای روز اصفهان	»
۲۶۵	عبدالحسین محبی	حیات اصفهان	»
۶۷۷	نجات اله راه نجات	راه نجات	»

* این روزنامه حالا اراک نامیده میشود.

آخرین شماره تا پایان مهر ما ۱۳۴۳	مدیر	نام روزنامه	شهر
۶۵۴	اسداله میهن خواه	ستاره اصفهان	اصفهان
۳۹۰۴	بهرام عرفان	عرفان	»
۷۶۸	علی مجاهد	مجاهد	»
۱۱ سال ۲۱	فروغ الزمان مکرم	مکرم	»
۵۶۰	مهدی مولائی	ندای شهرضا	شهرضا
فارس			
۱۱۸	اسداله بوستانی	اجتماع ملی	شیراز
۱۷۳۵	محمد حسین مجاهد	بهار ایران	»
۲۸۴۰	فضل اله شرقی	پارس	»
۹۴	جلیل آسمانی	پیام آسمانی	»
۶۰۲	مصطفی خجسته	پیک خجسته	»
۳۳ سال ۴۰	محمد حسین جهان نما	جهان نما	»
۱۸۱	غلامحسین صاحب دیوانی	عدل	»
کرمان			
۵۷۶	عبدالحسین ناصر سعید	اندیشه	کرمان
۷۴۲	حسین فاتح	فاتح	»
کردستان			
۶۳۸	عبدالحسین منیعی	ندای غرب	سنندج
فرمانداری کل لرستان			
۵۱۶	ابوالمجد رازانی	بروجرد	بروجرد
کرمانشاهان			
۶۰۴	محمد علی پاکزاد	خاک خسرو	کرمانشاه
۳۷۶	باقر شاکری	خسروی	»

آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳	مدیر	نام روزنامه	شهر
۱۰۴۵	فیض‌اله سعادت	سعادت ایران	کرمانشاه
۵۶۰	حسن رزقی	شاهد غرب	»
۴۱۱۱	فرج‌اله کاویانی	کرمانشاه	«
۳۱۹	رحیم حاتم	شاه ایل	قصر شیرین
خوزستان			
۵۰۴	حسن عرب	پرچم خاورمیانه	آبادان
۵۷۲	وکیل‌زاده ابراهیمی	فریاد خوزستان	اهواز
۱۶۷۶	مصطفی طباطبائی جلفائی	نوی ملت	اهواز
۱۶۳	محمد مستوفی	اخبار خوزستان	خرمشهر
یزد			
۵۰۵	کاظم اسلامی	طوفان یزد	یزد
۴۵۲	اکبر ملک	ملک	»
۴۴۴	محمدحسین ناصر ترک	ناصر	»
خراسان			
۷۴۶۱	نرجس آموزگار	آفتاب شرق	مشهد
۵ سال ۱۶	رجبعلی خلیقزاده	ایران نما	»
۶۲۵	محمود فاطمی‌زاده	رستاخیز عدل	»
۴۲۵	عظیم اسکوئیان	ستاره طوس	»
۳۷۳۲	علی‌اکبر گلشن‌آزادی	آزادی	»
۶۷۸	حسین محمودی	نوی خراسان	»
۶۳۱	حسین فالیزیان حقیقی	نور خراسان	»
۱۳۷۶	محمد نوری	نور ایران	»
۵۵ سال ۶	عبدالمجید فیاض	هیرمند	»
۶۴۶	حسین ناطق خراسانی	ناطق خراسان	»

آخرین شمار تا پایان مهرما ۱۳۴۳	مدیر	نام روزنامه	شهر
۷۵۳	احمد هوشمند	نبرد ما	مشهد
۴۴۳۰	محمدصادق تهرانیان	خراسان	»
۶۸۱	هادی غازی	رعد خراسان	»
۶۸۷	قمر ابراهیمی	زرین	»
۱۱۵	محمد باقر تبعدی	آهنگ خاور	»
۲۴۵	کاظم اسکویی	بیهق	سبزوار
۳۹۲	ابراهیم ابراهیمی	پیک سبزوار	»
۷۶۰	محمد اسمعیل سهیلی	ستاره قطب	تربت حیدریه
مازندران			
۴۲۶	نورالدین علامه زاده	اعتراف	بابل
۷۲۲	منوچهر نوازش	شمال ایران	ساری
۷۰۸	حسین اکبرپورتهرانی	اثر	»
گیلان			
۳۳۱	عبدالحسین ملکزاده	سایبان	رشت
۷۲۱	میرشجاع گسگری	بازار	»
۱۳۶	سیدمحمدصدرائی نجفی	طلوع اسلام	»
۴۱۱	محمد جواد خمایی	طالب حق	»
۴۱۵	اسفندیار سرتیپ‌پور	روئین	»
۴۶۱	محمد رضا بزرگک بشر	صدای بازار	لاهیجان
۴۳۱	احمد دلجو	فریاد گیلان *	»
۱۵۴	محمد علی فومنی	ندای فومن	فومن
۵۰۷	سلیمان پاشا با بکان ساسانی	ستاره سهیل	بندر پهلوی

* این روزنامه اکنون فریاد لاهیجان نامیده میشود.

آخرین شماره تا پایان مهرماه ۱۳۴۳	مدیر	نام روزنامه	شهر
			فرمانداری کل
۵۹۵	محسن سالمی	مبارز همدان	همدان
۸۸۳	خلیل اسعد رزم آرا	مرد مبارز	ملایر
۲۷ سال ۱۴	محمد پرویز	ناطق	همدان
۵۵۷	حسن حاجیلو	ندای میهن	»
۱۳ سال ۱۵	حسن زرگریان	ندای اکباتان	»
۴۹۱	حسین غفاری	نهیب غرب	»

ضمیمه :

لایحه قانونی مطبوعات *

لایحه مربوط به مطبوعات که بموجب قانون تمدید قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات که در تاریخ هشتم مرداد ماه ۳۴ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و تا تصویب نهائی مجلسین قابل اجرا میباشد ذیلا ابلاغ میگردد.

فصل اول - تعریف و تأسیس روزنامه و مجله

ماده ۱ - روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی بطور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد. تبصره - نشر فوق العاده اختصاص بر روزنامه ها و مجله هایی دارد که بطور مرتب منتشر میشود.

ماده ۲ - هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس نماید باید از وزارت کشور اجازه بگیرد.

ماده ۳ - درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد :

الف - ایرانی باشد.

ب - سن او از سی سال کمتر نباشد.

* بنقل از (۱) جزوه « لایحه قانونی مطبوعات » نشریه وزارت کشور (۲) دفترچه استنسیل شده بهمین نام، نشریه وزارت کشور و (۳) جزوه « قانون مطبوعات » تهیه شده در اداره مطبوعات، وزارت اطلاعات

ج - سابقه محکومیت جنائی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و مجبور نباشد.

د - لاقبل لیسانسیه باشد و یا از فضلا و دانشمندانی باشد که مراتب فضل و دانش آنها از نظر روزنامه نگاری از طرف شورای عالی فرهنگ گواهی شده باشد.

ه - معروف بدرستی و امانت و دارای حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی برای روزنامه نگاری باشد.

و - توانائی مالی اداره کردن حداقل سه ماه نشریه مورد تقاضا داشته باشد. تشخیص این موضوع بعهده کمیسیون مندرج در ماده ۵ میباشد.

تبصره ۱ - برای اجرای مفاد بند (ه) در تهران کمیسیونی مندرج در ماده (۵) مراتب را از وزارت کشور استعلام و رسیدگی مینماید و در شهرستانها کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار محل و دادستان شهرستان یا نماینده او و رئیس فرهنگ محل و دو نفر از نمایندگان انجمن شهر و در صورت نبودن انجمن دو نفر از معتمدین محل (بر طبق دعوت استاندار یا فرماندار) به اطلاعات مکتسبه رسیدگی و اظهار نظر مینماید.

تبصره ۲ - در صورتیکه مؤسس روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بند (ج) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از طرف وزارت کشور لغو میگردد و چنانچه فاقد شرط مندرج در بند (ه) این ماده بشود در تهران بکمیسیون مندرج در ماده (۵) و در شهرستانها بکمیسیون مندرج در تبصره یک موضوع ارجاع و چنانچه رأی کمیسیون مبنی بر لغو امتیاز باشد محکوم علیه میتواند بدادگاه استان محل شکایت نماید حکم دادگاه استان در این مورد قطعی است.

تبصره ۳ - امتیازاتیکه تا این تاریخ برای روزنامهها و مجلات داده شده بقوت خود باقی است بشرط اینکه در چهار سال اخیر لاقبل یکسال مرتباً منتشر شده باشد و صلاحیت اخلاقی صاحب امتیاز مورد تصویب کمیسیون مندرج در ماده ۵ این قانون واقع گردد نظر این کمیسیون در این مورد قطعی است .

تبصره ۴ - مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باید واجد شرایط مذکور در بندهای الف - ب - ج - د - ه - باشد و در صورتیکه فاقد یکی از شرایط

مذکور در بند الف یا ج یا ه این ماده بشود نسبت به وی طبق تبصره ۲ همین ماده عمل خواهد شد.

تبصره ۵ - مستخدمین دولت و بنگاههاییکه با سرمایه دولت تشکیل شده یا میشود و همچنین مستخدمین شهرداریها مادامیکه شاغل خدمت میباشند حق داشتن امتیاز و انتشار روزنامه یا مجله نخواهند داشت مگر مجله علمی ادبی فنی هنری.

ماده ۴ - درخواستکننده امتیاز علاوه بر مدارك لازم اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات زیر در تهران بوزارت کشور و در شهرستانها بفرمانداری محل تسلیم خواهد نمود .

۱ - نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد با ذکر نشانی کامل منزل.

۲ - محل اداره روزنامه یا مجله .

۳ - نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ میشود .

۴ - نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه .

۵ - عده نسخه‌هاییکه از هر شماره چاپ میشود.

۶ - روش روزنامه یا مجله .

تبصره ۱ - هرگونه تغییری که صاحب امتیاز بخواهد نسبت بموارد ۱ و ۴ بدهد باید قبلاً موافقت وزارت کشور را جلب نماید .

تبصره ۲ - محل اداره روزنامه یا مجله از لحاظ تخلف و جرائم مطبوعاتی اقامتگاه قانونی صاحب امتیاز شناخته میشود و هرگونه اظهار و احضار و ابلاغ بمحل مذکور قانونی است .

ماده ۵ - درخواستهای تاسیس روزنامه یا مجله بوسیله کمیسیون مطبوعات رسیدگی میشود و اعضاء این کمیسیون بقرار ذیل است :

۱ - نماینده عالیرتبه وزارت کشور.

۲ - نماینده عالیرتبه وزارت فرهنگ.

۳ - دادستان استان .

۴ - یکنفر استاد دانشگاه با انتخاب رئیس دانشگاه برای مدت دو سال
 ۵ - یکنفر روزنامه نگار که لااقل پنج سال مرتب روزنامه منتشر کرده
 باشد با انتخاب وزارت کشور (بعد از تشکیل انجمن روزنامه نگاران که از
 طرف دولت برسمیت شناخته شده باشد انتخاب یکنفر روزنامه نویس بعهد
 انجمن مزبور خواهد بود.)

تبصره ۱ - درخواستهای تأسیس روزنامه یا مجله -بوسیله کمیسیون
 مزبور مورد رسیدگی واقع خواهد شد. این کمیسیون پس از تشخیص واجد
 بودن شرایط مذکور در ماده ۳ و تحقیق صلاحیت اخلاقی از هر طریق که
 مقتضی بداند تقاضا را قبول یا رد می نماید نسبت به درخواستهایی که مورد موافقت
 واقع میشود وزارت کشور امتیاز انتشار روزنامه یا مجله را خواهد داد کمیسیون
 مکلف است حداکثر در ظرف سه ماه تصمیم خود را دایر بر رد یا قبول درخواست
 بمتقاضی اعلام نماید و در صورت رد تقاضا متقاضی میتواند بدادگاه استان
 مرکز شکایت کند و رای دادگاه استان قطعی است .

تبصره ۲ - مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار
 ششماه است و اگر بعد از انتشار تایکسال منتشر نگردید امتیاز روزنامه و
 مجله ملغی است.

تبصره ۳ - وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام
 روزنامه و مجلاتیکه امتیاز آنها صادر شده است با مشخصات هر يك ثبت
 نماید .

تبصره ۴ - کمیسیون مطبوعات اسامی مکرر و نامناسب و مستهجن را رد
 خواهد کرد و همچنین نسبت بموارد درخواست میتواند توضیحات کاملی بخواهد
 ومدارك لازم را مطالبه نماید تقاضاکننده اجازه نمیتواند نام روزنامه ها یا یک
 سابقاً منتشر گردیده برای نشریه خود بدون موافقت صاحب امتیاز انتخاب
 نماید .

تبصره ۵ - برای انتشار روزنامه و مجله بیش از يك امتیاز بکسی داد
 نخواهد شد ولی صاحبان امتیاز روزنامه های مرتب الا انتشار میتوانند مجله
 هفتگی و ماهانه و سالانه بهمان نام منتشر نمایند . مجلات هفتگی نیز میتوانند
 مجله ماهانه و سالانه بهمان نام منتشر نمایند .

ماده ۶ - در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و سردبیر و مدیر (در صورتیکه سردبیر و مدیر داشته باشد) و همچنین محل اداره نشریه و نام و نشانی چاپخانه‌ایکه در آن بطبع میرسد قید شود.

تبصره - مدیران روزنامه‌ها و مجلات مکلفند از هر شماره نشریه خود اعم از روزنامه و مجله یک نسخه بدادستان شهرستان و یک نسخه بفرماندار محل (در مرکز با اداره مطبوعات وزارت کشور) و یک نسخه بفرهنگک محل (در مرکز با اداره کل نگارش وزارت فرهنگ) و یک نسخه به کتابخانه ملی تهران و کتابخانه مجلسین بمحض انتشار تسلیم نماید.

ماده ۷ - واگذار کردن امتیاز روزنامه یا مجله بدیگری بشرط اینکه شخصی که امتیاز با او واگذار میشود در صورتیکه واجد شرایط باشد باموافقت کمیسیون منظور در ماده ۵ مانعی ندارد.

ماده ۸ - در صورت فوت صاحب امتیاز چنانچه در میان وراث کسی متقاضی نشر روزنامه یا مجله و واجد شرایط باشد باموافقت کتبی سایر وراث یا قائم مقام قانونی آنان امتیازنامه بنام او صادر میشود و الا نام روزنامه و مجله برای وراث قانونی تازمانیکه واجد شرایط در بین آنان پیدا شود - محفوظ خواهد بود. وراث قانونی میتوانند طبق ماده ۷ عمل نمایند.

فصل دوم - حق جوابگوئی - آئین نامه‌های مطبوعات

ماده ۹ - مؤسسات دولتی و عومومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار بر خلاف واقع نسبت بخود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است اینگونه توضیحات و جوابها را در همان صفحه و بساحر و فیکه مطالب اصلی را چاپ کرد مجاناً بطبع برساند مشروط بر اینکه جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز ننماید و متضمن توهین بکسی نباشد. در صورتیکه روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگوئی مجدد بطریق مذکور در فوق برای متعرض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۰ - وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای

تنظیم امور چاپخانه‌ها و اعلانات و توزیع جراید و روزنامه فروشی و همچنین نسبت بشرايط حقوق و امتيازات خبرنگاران و مخبرين عكاس آئين نامه‌هاى لازمه را تهيه و بهيئت وزيران پيشنهاد نمايند. در آئين نامه‌ها براى توزيع و فروش روزنامه و مجلاتيكه بزبانهاى خارجى ويا بزبان فارسى در خارج مملكت چاپ شده است مقررات لازم بايد پيش بينى شود.

فصل سوم - جرائم

ماده ۱۱ - كسانيكه بوسيله نشر مقالات يا جعل اخبار در مطبوعات مرتكب بيكى از جرائم ذيل شوند بحبس تا ديبي ازن ۶ ماه تا دوسال محكوم ميشوند .

الف - كسانيكه مردم را صريحاً تحريص و تشويق بخرابكارى و آتش سوزى و قتل و غارت و سرقت نمايند .

ب - كسانيكه افسران و افراد ارتش را بنا فرمانى وعدم انقياد احكام نظامى ترغيب و تشويق كنند.

در موارد مذكور در اين ماده چنانچه تحريص و ترغيب مؤثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذكور در بند الف و ب بمجازاتى محكوم خواهند شد كه در قانون مجازات عمومى براى معاون جرم پيش بينى شده است. ماده ۱۲ - اشخاصيكه دستورهاي محرمانه نظامى و اسرار ارتش ويا نقشه قلاع و استحکامات نظامى را در زمان جنگ بوسيله مطبوعات فاش و منتشر كنند بحبس مجرد از دوتا پنجسال محكوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد بشش ماه تا دوسال محكوم ميشوند.

ماده ۱۳ - هر كس مقاله‌اى مضر به اساس دين حنيف اسلام انتشار دهد به يكسال تا سه سال حبس تا ديبي محكوم ميشود .

ماده ۱۴ - هر كس بوسيله روزنامه يا مجله مردم را صريحاً بارتكاب جنحه يا جنايتى برضد امنيت داخلى ويا خارجى مملكت كه در قانون مجازات عمومى پيش بينى شده است تحريص و تشويق نمايد در صورتيكه اثرى بر آن مترتب شده باشد بمجازات معاونت همان جرائم محكوم خواهد شد و در صورتيكه اثرى بر آن مترتب نشود به يكماه تا سه ماه حبس تا ديبي بعلاوه به

پرداخت دوهزارریال تا بیست هزارریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۱۵ - هر کس بوسیله مطبوعات از جرائم مذکور درمواردفوق ویا مرتکبین آن اعمال بنحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند بجریمه نقدی از پنجهزارریال تا پنجاه هزارریال محکوم میشود .

ماده ۱۶ - هر کس بوسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر بمقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا بولیعهد توهین کند بمجازات از يك تا سه سال حبس تأدیبی محکوم میشود .

تبصره - مجازات توهین بخاندان سلطنت (پدر - مادر - اولاد - برادر وخواهر پادشاه) از سه ماه تا یکسال حبس تأدیبی خواهد بود .

ماده ۱۷ - هرگاه در روزنامه یا مجله یا هرگونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین آمیز ویا افترا ویا برخلاف واقع و حقیقت خواه بنحو انشا یا بطور نقل نسبت بشخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شودمدیر روزنامه یا نویسنده هر دو مسئول وهر يك از یکسال تا سه سال بحبس تأدیبی محکوم خواهد شد ورسیدگی باین اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی نیست .

ماده ۱۸ - هر کس بوسیله مطبوعات بر رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم میشود مشروط براینکه در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت بایران معامله متقابله شود .

ماده ۱۹ - درجرائمی که ذیلا ذکر میشود :

الف - انتشار مقالات مضر بعفت عمومی ویا مضر باخلاق حسنه .

ب - انتشار صور قبیحه .

ج - انتشار آگهیها ویا عکسهای مخالف اخلاق حسنه وآداب ورسوم

ملی .

د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری ویا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضائی که قانوناً انتشار آنها ممنوع است . مرتکب بتأدیه یک هزار تا ده هزارریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲۰ - هر يك از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و

افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت‌های توهین‌آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتك شرف و ناموس و امثال آن نسبت بخود مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشران بدادسرا یا بدادگاه محل اقامت خود شکایت نماید مرتکب بدو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی یا از ده هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد و در صورت استرداد شکایت شاکی خصوصی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره ۱ - در موارد فوق شاکی نیز می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده بدادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت بآن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع باموات ولی بقصد هتاک یا بازماندگان آنان باشد هر يك از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۱ - هر کس بوسیله مطبوعات دیگری را تهدید بهتک شرف و حیثیت یا افشاء سری نماید در صورتیکه ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲ - هر کس بوسیله روزنامه یا مجله و یا نشریه هیئت وزراء یا هیأت نمایندگان یکی از مجلسین یا هیئت قضات را مورد افترا قرار دهد بدون شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و چنانچه توهین و افترا بوزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری - لشکری و اعضاء دیوان محاسبات یا افراد عادی باشد با شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب واقع خواهد شد چنانچه اسناد دهنده در بازپرسی نتوانست دلائل و مدارك کافی برای توجیه اتهام بوزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا قضات ارائه دهد متهم طبق ماده ۱۶۳ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد و در مورد سایر افراد با استناد ماده ۲۶۹ مفتی مجازات خواهد شد.

مادامیکه متهم در مراحل بازپرسی دادگاه، مورد تعقیب است روزنامه مزبور حق ندارد نسبت بمورد رسیدگی توهین وافترا مطلبی نشر دهد . گذشت شاکی خصوصی در مورد توهین بوزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا مستخدمین دولت واعضاء دیوان محاسبات افرادعادی موجب عدم تعقیب ومجازات متهم خواهد شد.

ماده ۲۳ - هرکس بوسیله مطبوعات باقلیتهای مذهبی مصرح درقانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق واختلاف ویا بغض وکینه میان سکنه مملکت اهانت نماید ویا آنان را بایجاد دشمنی ونفاق نژادی ویا مذهبی تحریص کند به یکماه تاشش ماه حبس تادیبی ویا پرداخت پانصد تا پنجهزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴ - هرکس در انتشار روزنامه یا مجله خود ازنام یا سرلوحه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود بمقتضای شاکی خصوصی ازپانصد تا پنجهزارریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد وشاکی خصوصی میتواند خسارت خود را مطالبه نماید ودادگاه مکلف است نسبت بآن نیز رسیدگی کند.

تبصره - روزنامه هائیکه بر طبق مقررات این قانون توقیف میشوند نمیتوانند باسامی دیگر و باهمان سبک واسلوب منتشر شوند در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله ای که بجای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز بترتیب فوق توقیف میشود وکسانیکه روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند بحبس تادیبی از یکماه تا سه ماه وجرمه نقدی از یک هزار تا ده هزارریال محکوم میشوند و امتیاز آنان نیز باطل میگردد.

ماده ۲۵ - در کلیه جرائم مذکور در موارد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد .

فصل چهارم - تخلفات

ماده ۲۶ - هر صاحب امتیاز برخلاف مواد ۲ یا ۷ یا ۸ یا ۹ ویا تبصره یک ماده ۴ و تبصره ۳ ماده پنجم این قانون مبادرت با انتشار روزنامه یا مجله کند بپرداخت ده هزار تا پنجاه هزارریال محکوم میشود و در صورتیکه قادر

بپرداخت جریمه نباشد بنظر دادگاه بحبس تأدیبی از پانزده روز تا دو ماه محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را میدهد و مراتب را برای تعقیب قانونی بدادستان شهرستان اعلام خواهد نمود. ماده ۲۷ - مطبوعاتیکه در آن دستور ماده ۲ مراعات نشده باشد از یک تا سه هزار ریال محکوم میشود و در صورتیکه نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکور در ماده ۶ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب بمجازات ۲ تا ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم میشود.

تبصره - دارندگان امتیاز روزنامه و مجلهایکه بجهتی از جهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغو شده باشد حق ندارند بهیچ عنوان خود را روزنامه نگار معرفی کنند و در صورت تخلف بحبس تأدیبی از ۲ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.

ماده ۲۸ - نشریهایکه مشمول ماده اول این قانون نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمیکند و تابع قوانین عمومی است. ماده ۲۹ - بتخلقات و جرائم مندرجه در این فصل در دادگاه جنحه خارج از نوبت رسیدگی میشود.

فصل پنجم - دادرسی مطبوعات - هیأت منصفه

ماده ۳۰ - جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا بوسیله روزنامه یا مجله یا از لحاظ ارتباط بامقام یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی شخص یا اشخاص - انتقاد از روش سیاسی و اداری بوسیله روزنامه مجله یا نشریه نسبت بمسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت میگیرد جرم محسوب نمیشود ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا بشخص و یا بستگان جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود.

ماده ۳۱ - بجرائم مطبوعاتی و همچنین بجرائم سیاسی غیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری

با حضور هیأت منصفه رسیدگی میشود و جرائم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ماده ۳۲ - مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادرهای مزبور پرونده را برای رسیدگی بدادگاه جنائی ارسال خواهند داشت .

ماده ۳۳ - انتخاب هیأت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رای دادگاه بطریق ذیل خواهد بود .

الف - هر دو سال یکبار در بهمنماه در تهران و در مراکزی که دارای دادگاه استان است هیأتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (و در صورتیکه انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ بدعوت فرماندار تشکیل میشود .

هیأت مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه ذیل:

۱ - علما و دانشمندان و نویسندگان و دیران و آموزگاران و وکلای

دادگستری و سردفتران .

۲ - بازرگانان و ملاکین و کشاورزان .

۲ - کارگران و اصناف و پیشه‌وران جزء

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه میکند اشخاص منظور در صورتها باید علاوه برداشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیأت منصفه انتخاب میشود و فرماندار مراتب را کتباً بکلیه ۳۶ نفریکه برای عضویت هیأت منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ مینماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر يك یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کند هیأت مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج تکمیل و بجای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب مینماید سپس فرماندار آنان را بوسیله رئیس دادگاه استان بدادگاه جنائی محل معرفی میکند رئیس دادگاه استان تا نیمه اسفندماه همان سال صورت اعضا هیأت منصفه را باید در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر

مراکز استانها عده اعضاء هیأت منصفه ۱۸ نفر مقرر میشود که بهمان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر يك از طبقات سه گانه در بدو امرشش نفر در فهرست منظور میشود) انتخاب و معرفی خواهند گشت.

ب - در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنائی در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان یا نماینده او سه نفر از اعضاء هیأت منصفه را از هر طبقه یک نفر بسمت عضو اصلی و سه نفر را بهمان ترتیب بسمت عضو علی البدل با قرعه انتخاب و دعوت مینماید کلیه اعضاء هیأت منصفه از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانکه يك یا چند نفر از اعضاء اصلی غایب و یا قانوناً از شرکت ممنوع باشند وعده اعضاء علی البدل که حضور یافته اند زاید بر عده غائبین و یا معذورین باشد بمیزان احتیاج از اعضاء علی البدل با قرعه بجای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضاء اصلی یا علی البدل خواه ابلاغ بسایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است .

ماده ۳۴ - دادگاه جنائی برای رسیدگی بجرائم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرس و با حضور هیأت منصفه تشکیل میشود و مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی مینماید و پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیأت منصفه متفقاً بشور پرداخته درباره دومطلب ذیل:

الف - آیا متهم گناهکار است .

ب - در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف میباشد یا خیر ؟

رای میدهند در صورت تساوی آرا رأی رئیس دادگاه باهر طرف که باشد قاطع است رئیس دادگاه فوراً برطبق این رأی موجهاً و با ذکر دلایل بانشاء حکم مبادرت میورزد چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه میتواند در مدت ده روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتیکه متهم تبرئه و یا بمجازات محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتیکه قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خود بخود رفع توقیف خواهد شد .

تبصره - هرگاه درحین محاکمه اعضاء هیأت منصفه سئوالاتی داشته باشند سئوال خود را کتباً بدادگاه خواهند داد که بوسیله رئیس دادگاه مطرح گردد .

ماده ۳۵ - موارد رد اعضاء هیأت منصفه و شرایط آن همانست که قانوناً در مورد قضات پیش بینی شده است .

ماده ۳۶ - هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثنا دادرسی بواسطه عدم حضور يك یا چند نفر از اعضاء هیأت منصفه تشکیل نشود رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عده هیأت منصفه را بحکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان بموضوع رسیدگی خواهد کرد .

قضائیکه بعنوان هیأت منصفه بحکم قرعه انتخاب میشوند صرفاً جنبه عضویت هیأت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رأی متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت .

ماده ۳۷ - هر يك از اعضاء دیگر هیأت منصفه که بحکم قرعه معین شده اند چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رأی خود داری کنند بحکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم بپرداخت مبلغی از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت وجه از بعضی یا تمام حقوق مذکوره ذیل از ششماه تا دوسال بتشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد .

الف - حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداریها و بنگاهها و شرکتهائیکه لااقل نصف سرمایه آنها متعلق بدولت باشد .

ب - حق انتشار روزنامه ومجله وانتخاب شدن در انجمن شهروشرکت در انجمنهای نظارت انتخابات مجلسین .

ماده ۳۸ - هیچ روزنامه ویا مجله ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمیتوان توقیف یا تعطیل کرد مگر در مواردیکه در اینقانون ذکر شده وموارد اتهامات زیر :

۱ - آنجاکه مضر بااساس دین اسلام باشد .

۲- آنجاكه هتك احترام از مقام سلطنت باشد.
 ۳- آنجاكه نقشه طرح حركت قشون يا ديگر اسرار نظامي مكشوف شده باشد.

۴- آنجاكه دعوت بعصيان در مقابل قواي رسمي مملكتي و موجب هيچان كلي و اختلال امنيت عمومي شده باشد.
 ۵- آنجا كه انتشار مقالات مضر بعفت عمومي يا اشاعه صور قبيحه برضد عصمت وعفت عمومي باشد.

در موارد فوق دادستان شهرستان راسا يا بنا بر تقاضاي فرماندار محل دستور توقيف روزنامه يا مجله و ضبط اوراق انتشار يافته را خواهد داد و در ظرف مدت بيست و چهار ساعت پرونده امر را بدادگاه جنائي خواهد فرستاد دادگاه جنائي در جلسه فوق العاده در مدتيكه بيش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت برد يا قبول تقاضاي دادستان اعلام خواهد كرد . در صورتيكه دادگاه با توقيف روزنامه يا مجله موافقت نمايد باز پرس و دادستان مكلف اند در ظرف يك هفته نظر نهايي خود را نسبت باصل موضوع اعلام دارند و دادگاه بايد با تهيه مقدمات قانوني خارج از نوبت نسبت باصل موضوع رسيدگي نمايند.

تبصره- روزنامه هاييكه بر طبق اين ماده توقيف ميشوند نميتوانند با سامي ديگر و با همان سبك و اسلوب منتشر شوند و در صورت تخلف از اين ماده روزنامه يا مجله ايكه بجاي روزنامه توقيف شده انتشار يافته است نيز بر ترتيب فوق توقيف ميشود و كسانيكه روزنامه يا مجله خود را بجاي روزنامه يا مجله توقيف شده منتشر نمايند بحسب تاديبي از يكماه تا سه ماه و جريره نقدي از پانصد تا پنجهزار ريال محكوم ميشوند و امتياز آنان نيز باطل ميگردد.
 ماده ۳۹- در صورتيكه دادگاه با توقيف روزنامه موافقت نكند بلافاصله از روزنامه رفع توقيف خواهد شد.

ماده ۴۰- در جرائم مطبوعاتي دادگاه خارج از نوبت رسيدگي مينمايد و مهلتی كه براي قرائت پرونده بوكيل مدافع و خود متهم داده ميشود بيش از سه روز نخواهد بود و اين مدت با تقاضاي متهم يكدفعه و براي سه روز قابل تمديد مي باشد و از تاريخ انقضاء مهلت تا تشكيل جلسه مقدماتي

نیز باید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر دوازده ساعت نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمیتوانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور يك وکیل از هر يك طرفین دعوی رسیدگی میکند .

ماده ۴۱ - قانون مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتیکه با این مواد مغایرت داشته باشد لغو میشوند .

ماده ۴۲ - وزارتخانه های کشور - دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی هستند . بموجب قانون تمدید تبصره الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط بمطبوعات که در تاریخ دهم مرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار بتصویب کمیسیونهای مشترك مجلسین رسیده موقتاً قابل اجرا میباشد . رئیس مجلس سنا سید حسن تقی زاده
رئیس مجلس شورای ملی رضا حکمت

اصل لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است . نخست وزیر





درباره مؤلف :

روزنامه نویس ، منقد اجتماعی ، و مترجم
تولد : ۱۲۹۹ شمسی ، تهران
تحصیلات : کالج سابق اصفهان و دانشکده
ادبیات دانشگاه تهران

فعالیت مطبوعاتی، از سال ۱۳۲۱ - برای نه روزنامه
و چهارده مجله کار کرده است ، خبرنگار مهر ایران
در کنفرانس صلح پاریس ، سردبیر اسبق هفته نامه
صلاح ایران ، روزنامه مهر ایران ، مجله خواندنیها ،
مجله هند نوین ، و سردبیر کنونی مجله آئینه هند.

تا بحال ۲۷ کتاب از ترجمه ها و نوشته های او
پ چاپ رسیده است که ۱۳ مجلد آن در باره هند
است . باین شرح :

بربادرفته - اولیور توئیست - جین ئر - رمز موفقیّت
در زندگی - موفلیت - شخصیت - بیوگرافی مهاتما
گاندی - بدانشجویان - کلمات قصار مهاتما گاندی
گرامر زبان انگلیسی (جزوه) - گرامر انگلیسی پیشبر
(با همکاری جمشید پیشدادی) - همه دوستی -
تولستوی و گاندی - مجاکمات نهر و - منتخب
سخنرانیهای رادا کریشنا در جهان (از سه کتاب اخیر
دو مجلد اول در هفته نامه بامشاد و سومی در
روزنامه پارس بصورت پاورقی انتشار یافته است)
هند که پیش میرود - کتاب سفید هند - حقایق در
باره هند - حقایق هند - مسئله کشمیر - مسلمانان
در هند - آنچه در باره هند باید دانست - رقصهای
محلی هند - موفقیّت های هند - اساس فرهنگ هند -
هند (دائرة المعارف) - تجدید عهد